۱

۱

بازرسی شد
۲۷ - ۳۴

ف - ن ۵۶۶۶

کتابخانه مجلس شورای ملی
کتاب: زایچه میرزا جعفرخان معتمدالدوله
مؤلف: محمد حسن منجم (محمد حسن بن محمد حسین الحسینی)
موضوع
شماره ثبت کتاب ۶۲۸۵۲
شماره ترتیب ۴۰۳۱

بازدید شد
۱۳۸۲

۶۶۵۶

۴۰۲۱

بسم الله الرحمن الرحیم

فروزنده تر ستاره و فرخنده تر سیاره که از افق
مقال اهل فضل و کمال طالع و لامع گردد حمد حکیمی است
جل و علا که خیام فیروزه فام افلاک را بی واسطهٔ ارکان
و اوتاد برافراخته که هو الذی رفع السموات بغیر عمد
و سقف بلند پایه گنبد لاجوردی را مرصع و ملمع بدرر
و لآلی چندین هزار کواکب ثواقب ساخته که انا
زینا السماء الدنیا بزینة الکواکب و ظلمت سرای

عالم خاک را بانوار مصابیح نیرین منور و مجلی فرموده که
هو الذی جعل الشمس ضیاء و القمر نورا
و روی هامون و فرش بوقلمون را بجداول انهار و علایم
اشجار مزین و محلی نموده هو الذی مد الارض و جعل
فیها رواسی و انهارا گزیده از مواد عناصر و موالید نوع انسان را
برگزید و بدرجهٔ علیه و لقد کرمنا بنی آدم رسانید و وجود
انسان را حلهٔ حلیهٔ تکریم و خلعت خلقت و لقد خلقنا الانسان
فی احسن تقویم درپوشانید و از آن میان ذوات
فرخنده صفات انبیا را در فضیلت و کمال از عالمیان
ممتاز و بر جمیع موجودات سرافراز ساخت و از جمله
انبیا بر موجب و تلک الرسل فضلنا بعضهم علی بعض

شمس منطقه رسالت و بدر آسمان جلالت دوحه حدیقه
اهتدی و ثمره شجره اِنَّ اللّٰهَ اصْطَفیٰ محمد مصطفی صلی الله
علیه و آله را برگزید و مکرم بتکریم لَوْلاکَ لَمَا خَلَقْتُ الْاَفْلاکَ
فرمود و شریعت او را ناسخ ادیان و ملل ما تقدم نمود هُوَ الَّذی
اَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدیٰ وَ دینِ الْحَقِّ لِیُظْهِرَهُ عَلَی الدّینِ کُلِّهِ وَلَوْ کَرِهَ الْمُشْرِکُونَ
و آل امجاد و اولاد پاک نهاد او را که هر یک از ایشان
اختر برج هدایت و گوهر درج امامت اند از دنس معاصی و رزایل
اخلاق مطهر و مبرا فرمود که اِنَّمَا یُرِیدُ اللّٰهُ لِیُذْهِبَ عَنْکُمُ
الرِّجْسَ اَهْلَ الْبَیْتِ وَ یُطَهِّرَکُمْ تَطْهِیراً اَمّا بَعْدُ
چون اراده خاطر دریا مقاطر نواب مستطاب فلک جناب
معلی القاب شوکت و رفعت پناه امارت و مناعت همراه

جلا

جلالت و نبالت دستگاه بحر الفلک المعرفة و الکمال نجم الفلک
العزت و الاقبال شمس سماء الرفعة و الجلال بدر نجوم النزهة
و الجمال مرکز محیط العزة و العلی محیط مرکز المجد و البر و التقی الذی عجز
عن احصاء مکارمه السنة الوری و بلغ اسباب دولته الی حیث
یجعل ما یشاء لمن یشاء امیر الامناء الخواص امینا لخواص الخاص الخاص
مکمل ناموس السلطنة العلیه موتمن الحضرت السنیه البهیه محرم
حریم السلطان مقرب الخاقان ملک خصال منوچهر خان
که شخص جلالش ÷ نهاده پا بسر آفتاب و جبهه جوزا ÷
بشمه ز خصالش هزار روضه رضوان ÷ بذره ز جمالش هزار بیضه بیضا ÷
عدو از و بهلاکت چو قبطی از یم قلزم ÷ ولی از و بسلامت چو سبطی از دم موسی
زمان از و به بدایع چو کارخانه آذر ÷ زمین از و بصنایع چو بارنامه مانا ÷

بهرچه حکمت طالب بهرچه حجت غالب بهرچه مال توانگر بهرچه کار توانا
لازالت لوا امارته مرفوعه واعلام ایالته منصوبه و قلوب اعادیه مکدوره
وخواطر اصدقائه مسروره مادامت عزمات القضا مجزومه چنین
تعلق یافته بود که این بندهٔ قلیل البضاعه عدیم الاستطاعه محمد حسن منجم
دلایل طالع ولادت لازم السعادت آن مهر سپهر جلالت و ماه
اوج نبالت را استخراج و احکام متنبیه برآن را استنباط نموده اعمال
حسابی و احکام نجومی زایچه مبارک را در رساله جمع و ضبط نماید که بنام نامی
و اسم سامی آن جناب سالهای بسیار و قرنهای بیشمار در صفحه روزگار باقی ماند
بنابر امتثال مثال قضا اشتمال شروع نموده از اقدام بمامور و المامور معذور
والتوکل علی الله فی کل الامور اما بعد وقوع ولادت میمون
در روز جمعه بیست و سیوم شهر رمضان المبارک من شهور سنه ۱۱۹۷

ناقصه

ناقصه هجریه تخمینا نه ساعت و چهل دقیقه از طلوع آفتاب گذشته اتفاق افتاد
پس خواستیم که روز مذکور را بطریق حساب بدانیم از سالهای ناقصه
هجرت دویست و ده دویست و ده طرح کردیم تا یکصد و چهل و هفت
باقی ماند آنرا بر سی قسمت کردیم چهار خارج شد و بیست و هفت
باقی ماند پس خارج قسمت را که چهار است در پنج ضرب کردیم بیست عدد
حاصل آمد آنرا نگاه داشتیم و در سالهای تامه باقی از قسمت
نظر کردیم ده سال کبیسه بود و شانزده سال غیر کبیسه عدد سالهای کبیسه را
در پنج و غیر کبیسه را در چهار ضرب کردیم صد و چهارده حاصل شد این را
با آنچه نگاه داشته بودیم جمع کردیم و پنج عدد بر او افزودیم و از مجموع
که یکصد و سی و نه است هفت هفت طرح کردیم شش عدد باقی ماند
معلوم شد که مدخل محرم آن سال روز جمعه بوده است و بجدول نیز

عمل نمودیم چنانکه از سر جدول رقم دهر واز بین جدول رقم ا
راکرفته در ملتقی برده و نظر کردیم د بود پس حساب موافق است با جدول
و بجهة دانستن مدخل شهر رمضان المبارک ماههای تامه و تر راکه چهارات
تضعیف نمودیم و مضعف را با عدد ماههای تامه شفع که آن نیز چهارات
جمع نمودیم چهار عدد باقی ماند معلوم شد که مدخل ماه مذکور روز چهار
شنبه بوده است و بجهة اعتماد بجدول نیز عمل نمودیم چنانکه از سر جدول
رقم مدخل سال واز بین جدول اسم ماه مطلوب راکرفته در ملتقی
برده و نظر کردیم د بود و این با عمل حسابی مطابق است پس معلوم شد
که روز ولادت مسعود بیست و چهارم حسابی شهر رمضان المبارک
بوده است **استخراج تاریخ عیسوی از تاریخ عربی**
ابتدا تاریخ عرب را باروز کردیم باین طریق که در جدول ایام سنین مجموعه

قمری بازاء هزار سال ایام مرفوعه و کسور آن برکرفتیم بود ایام ا[illegible] کور [illegible]
کسور [illegible] پس بازاء یکصد و هشتاد سال ایام مرفوعه و کسور برکرفتیم
بود ایام [illegible] کسور [illegible] پس بازاء شانزده
سال از جدول سنین مبسوطه قمری ایام مرفوعه و کسور برکرفتیم
بود ایام [illegible] کسور [illegible] پس جمله ایام و کسور را
جمع کردیم شد مجموع ایام [illegible] مجموع کسور [illegible]
پس ایام مرفوعه هشت ماه تامه عربی را که هست د ن با ایام ناقصه
شهر ناقص که هست [illegible] جمع کردیم و مجموع را که بود [illegible] بر ایام مرفوعه
سنین تامه افزودیم شد ایام مرفوعه تاریخ عرب [illegible] کسور
[illegible] پس ایام مرفوعه بین التاریخین را که هست [illegible]
بر ایام مرفوعه تاریخ عرب افزودیم ایام مرفوعه تاریخ عیسوی حاصل آمد

ایام د ٤ نا له کسور ٠ ح د ما ه پس ایام مرفوعه تاریخ عیسوی را
درجدول ایام سنین مبسوطه و مجموعه شمسی مقوس کردیم باینطریق
که درجدول ایام سنین مجموعه شمسی اکثر عددی از ایام مرفوعه
طلب نمودیم که از ایام مرفوعه تاریخ عیسوی نقصان توان نمود
بازاء هزار و پانصد سال شمسی یافتیم ایام مرفوعه ٠ له نا د کسور
لح مه ٤ این را از ایام و کسور اصل نقصان کردیم باقی ماند
ایام مرفوعه ٤ لح م ا کسور ٤ ط ٤ نا باز در همان جدول
اکثر عددی از ایام مرفوعه طلب نمودیم که از ایام مرفوعه باقیه اسقاط
توان کرد بازاء دویست و چهل سال شمسی یافتیم ایام مرفوعه ا لا مه ٤
کسور د مه ه ا این را از ایام و کسور باقیه نقصان کردیم باقی ماند
از ایام ٤ د ط ا و از کسور لو له ح نا پس درجدول ایام سنین

مبسوط شمسی اکثر عددی از ایام مرفوعه طلب نمودیم که از باقی ثانی
نقصان کنیم بازاء چهل و دو سال شمسی یافتیم ایام ٤ د مه م کسور نا کا ا ا
این را از باقی ثانوی اسقاط کردیم باقی ماند از ایام ٤ ا د ذ و از کسور
لو ـ ن نا پس درجدول ایام شهور تاریخ عیسوی اکثر عددی
از ایام مرفوعه طلب نمودیم که از ایام مرفوعه باقی اخیر نقصان
کنیم بازاء ماه جولیس یافتیم ایام مرفوعه د ا له این را از ایام
مرفوعه باقی اخیر نقصان کردیم ماند کا معلوم شد که روز ولادت
بیست و یکم آغوشیش که ماه هشتم سال هزار و هفتصد و هشتاد
و سه تاریخ عیسوی میباشد بوده است استخراج تاریخ تازیان از عیسوی
ابتدا تاریخ عرب را بار روز کردیم باین طریق که عدد سالهای تام
عربی را که هست ١١٩٦ در ٣٥٤ ٣ که عدد ایام سال عرب است

ضرب کردیم حاصل شد ۴۲۳۳۸۴ پس همین سالهای تامه را
بر سی قسمت کردیم خارج شد ۳۹۰ و باقی ماند ۲۴ خارج قسمت را
که هست ۳۹ در ۱۱ که عدد سالهای کبیسه است ضرب کردیم حاصل
آمد ۴۲۹ این را با حاصل اول جمع نمودیم شد ۴۲۳۸۱۳
پس در ایام باقی از قسمت ترتیب بهزبجوح کاددط نظر کردیم بود
ایام کبایس ۱۰ این را بر مجموع افزودیم شد ۴۲۳۸۲۳
پس عدد ایام هشت ماه تامه را که هست ۲۳۶ با عدد روزهای
ناقصه حسابی که هست ۲۴ جمع نمودیم و حاصل را که هست ۲۶۰
بر مجمع اخیر افزودیم شد ایام تاریخ عرب ۴۲۴۰۸۳ پس ایام
بین التاریخین را که هست ۳۶۲۴ از ایام تاریخ عرب نقصان
کردیم باقی ماند ایام تاریخ فرس ۴۲۰۴۵۹ این را بر

۳۶۵ قسمت کردیم خارج شد سالهای تامه فارسی ۱۱۵۱
و باقی ماند از قسمت ۳۴۴ باقی را بر سی قسمت کردیم خارج شد
ماههای تامه فارسی ۱۱ و باقی ماند از ایام ۱۴ پس معلوم شد که روز ولادت
چهاردهم اسفندماه قدیم سنه ۱۱۵۲ ناقصه است و بجدول نیز عمل نمودیم
باین طریق که ایام مرفوعه بین التاریخین را که هست ا ا کد از ایام
مرفوعه تاریخ عرب که هست انعد اسقاط کردیم ایام مرفوعه از جلوس
یزدجرد شهریار تا روز مطلوب باقی ماند انوحلط این را در جدول
سنین مجموعه و مبسوطه تاریخ فارسی مقوس کردیم باین طریق
که در جدول مجموعه تاریخ فارسی اکثر عددی از ایام مرفوعه طلب نمودیم
که از عدد ایام مرفوعه تاریخ مطلوب نقصان توان کرد بازا غقم
یافتیم انل٤ این را از ایام مرفوعه تاریخ مطلوب نقصان کردیم

باقی ماند ۱۰۱ لا باز در جدول مبسوطه تاریخ فارسی اکثر عددی از ایام
مرفوعه طلب کردیم که از ایام مرفوعه باقی اسقاط کنیم بازاء ما یافتیم
۴۱۰۵ این را از ایام مرفوعه باقیه نقصان کردیم باقی ماند ۶۰۱۱
چون در جدول سنین اکثر عددی دیگر که از ایام مرفوعه باقی ثانی اسقاط
کنیم یافتیم در جدول شهور فارسی طلب نمودیم بازاء بهمن ماه یافتیم
۵ لا این را از باقی ثانوی نقصان کردیم بماند ۶ باز بچهاردهم
اسفند ماه سنه غقنب ناقصه انجامید معلوم شد که حساب موافق
با جدول و معتمد علیه است استخراج تاریخ رومی از عربی چون مبدأ تاریخ
رومی قبل از تاریخ عربست ایام بین التاریخین را که ۳۴۰۷۰۰ است
بر روزهای تاریخ عرب که بحسب عمل قبل بود ۳۴۳۰۸۳ افزودیم
ایام تاریخ رومی حاصل آمد ۷۶۳۷۸۳ این را بر ۳۶۵ که عدد

المهل

ایام سال رومیانست قسمت کردیم خارج شد ۲۰۹۵ و باقی ماند
۱۰۸ یکعدد از خارج قسمت نقصان کردیم و ربع صحیحش بگرفتیم شد ۵۲۳
پس بعوض یکعدد که از خارج قسمت نقصان کرده بودیم ۳۶۵
بر ایام باقی از قسمت افزودیم حاصل شد ۴۷۳ ربع خارج قسمت را
خواستیم از این نقصان کنیم ممکن نبود یکعدد دیگر از خارج قسمت نقصان
کرده و در عوض آن ۳۶۵ بر ایام باقی از قسمت افزودیم شد ۸۳۸
پس ربع خارج قسمت را از این نقصان کردیم باقی ماند ۳۱۵ پس
بجهة ده ماه از ماههای رومی که دو تشرین و دو کانون و شباط
و آذار و نیسان و ایار و حزیران و تموز است ۳۰۴ عدد از ایام
باقی نقصان کردیم بماند ۱۱ معلوم شد که روز مذکور روز یازدهم
آب ماه سنه ۲۰۹۴ ناقصه اسکندریست و بجهة اعتماد بجدول نیز عمل

نمودیم چنانکه از سر جدول مجموعه تاریخ عربی بازا غقم ایام مرفوعه

بر گرفتیم بود ا ه مه وبازا ن از جدول مبسوطه تاریخ عرب ایام

مرفوعه بر داشتیم بود ٤ ٥ لم این را با ایام مرفوعه اول جمع کردیم

شد ا ز و ٥ پس مرفوع ایام تامه شهور تامه وایام ناقصه شهر ناقص را

که هست ٥ هر بر مجموع افزودیم شد ا ن ع د این ایام مرفوعه تاریخ

عرب است پس ایام مرفوعه بین التاریخین را که هست ا لـا هر بر آن

افزودیم ایام مرفوعه تاریخ رومی حاصل شد د لـ ر ٨ این را

در جدول سنین مجموعه ومبسوطه وشهور تاریخ رومی معکوس کردیم

باین طریق که در جدول سنین مجموعه تاریخ رومی اکثر عددی از ایام

مرفوعه طلب نمودیم که از ایام مرفوعه اصل نقصان توان کرد بازا

غفض یافتیم د ع ٣ ٣ این را از ایام مرفوعه اصل نقصان کردیم

بماند ٤ ٨ ع ا باز در جدول سنین مجموعه اکثر عددی طلب کردیم

که از ایام مرفوعه باقیه اسقاط توان کرد بازا قف یافتیم لـ ع ٣

این را از باقی نقصان کردیم بماند ٤ ٥ ٩ ٥ پس در جدول سنین مبسوطه

تاریخ رومی اکثر عددی از ایام مرفوعه طلب نمودیم که از باقی ثانی

اسقاط کنیم بازا خ یافتیم ٤ ٥ لـا این را از باقی دوم نقصان

نمودیم بماند ٤ ٤ ٥ ٥ پس در جدول شهور تاریخ رومی اکثر ایام مرفوعه

طلب کردیم که از باقی ثالث اسقاط نمائیم بازا تموز ماه رومی

یافتیم ٥ د این را از باقی ثالث نقصان نمودیم بماند ما پس

سالهای مجموعه ومبسوطه تاریخ رومی را که خارج شد جمع کردیم شد

بغصو معلوم شد که روز مطلوب روز یازدهم آب ماه سنه بغصه

ناقصه اسکندریه است واین با عمل اول مطابق باشد استخراج

تاریخ جلالی از عربی تاریخ عرب را چنانچه سابق مذکور کردیم
بود ۳۲۳۰۸۳ ایام بین التاریخین عربی و جلالی را که ست
۱۶۶۷۹۷ ازان نقصان کردیم ایام تاریخ جلالی باقی ماند ۲۵۷۲۸۶
این را در جدول ایام سالهای تامه ملکی معکوس کردیم بیرون آمد از سالها
خ و باز او بود از ایام ۲۵۵۴۹۹ و از کسور مو ۹ نحر
پس یکعدد از صحاح اصل برداشته بشصت قسمت کردیم و کسور را ازان
نقصان نمودیم و صحاح را از باقی صحاح اصل اسقاط کردیم باقی ماند از ایام
۱۶۱۶ و از کسور نه له م باقی را باز در آن جدول معکوس کردیم
بیرون آمد از سالها ح و باز از آن بود از ایام ۱۳۶ و از کسور
نه مه لح باز از صحاح باقی یکعدد برداشتیم و بشصت جزو گرفتیم
و بر کسور باقی افزودیم و ایام کسور را از باقی عمل اول نقصان نمودیم باقی ماند

ازایام

از ایام ۱۵۵ و از کسور ه ط ل ل پس بجهت پنج ماه جلالی یکصد و پنجاه
روز که عددش اینست از ایام باقی نقصان کردیم بماند از ایام ۵
پس سنین خارجه را جمع کردیم شد ذد معلوم شد که روز مطلوب
روز پنجم شهریور ماه جلالی سنه ۷۰۵ ناقصه ملکشاهیه است
والله اعلم بالصواب والیه المرجع والمآب ذکر مکان ولادت
باخیر و سعادت این ولادت کثیر السعادت در بهترین بلادی
از بلاد و نیکوترین بقعه از بقاع بوده از اقلیم پنجم اعنی بلده طیبه
تفلیس که طول اوست از جزایر خالدات فه و این اقصر قوسی است
از دایره معدل النهار میان نصف النهار بلد و نصف النهار جزایر خالدات
که در سمت مغرب بوده و حال مغمور در آبست و عرضش از خط استوا
مب و این اقصر قوسی است از دایره نصف النهار میان سمت الراس

بلد و سمت الراس خط استوا **استخراج ساعات نصف النهار روز ولادت**
تقویم آفتاب در نصف النهار روز ولادت ى ے نه مطالع
تقویم آفتاب بعرض تفلیس قلط مه ند و بفلک مستقیم محسوب من
اول اول الجدی د ما حه مطالع لجدی تقویم آفتاب را از مطالع
استوای آن اسقاط کردیم باقی ماند قا ے نه این نصف قوس النهار
روز ولادت است پس اجزاء یکساعت حقیقی موضع آفتاب را از جدول
برداشتیم بود نه . یط نصف قوس النهار روز ولادت را بر آن
قسمت کردیم ساعات نصف النهار روز ولادت بافق تفلیس خارج
شد د مه د **استخراج طالع تخمین** ساعات ولادت تخمین لد م
این را در ربع سدس دور فلک که بهت نه ما ضرب کردیم دا
از وقت طلوع آفتاب حاصل آمد قمه ه تقویم شمس نصف النهار مقدم

بر ولادت د ے نه تقویم شمس نصف النهار موخر د کط ند
بهت آفتاب نه ا ساعات نصف النهار د مه د این را
از ساعات ولادت نقصان کردیم ساعات بعد ماضی باقی ماند
. نه م ساعات بعد را در بهت آفتاب ضرب کردیم و حاصل را
که بهت . لط نه مو بر بیست و چهار قسمت کردیم حصه بهت آفتاب
از نصف النهار مقدم تا زمان ولادت خارج شد د ه این را بر تقویم
بنصف النهار مقدم افزودیم تقویمش بوقت ولادت حاصل شد
د کط . ه مطالع این تقویم بعرض بلاد ولادت گرفتیم شد قلط نه مه
این را با دایر جمع نمودیم مطالع طالع حاصل آمد ند نه مه مطالع طالع الح
در جدول مطالع البروج بعرض بلده طیبه تفلیس معکوس کردیم بیرون
آمد طالع ولادت با خیر و سعادت ح کا نه ے باز همین مطالع طالع را

در جدول مطالع البروج لفلک مستقیم محسوب شد اول بجدی معکوس کردم
برون آمد عاشر د بو ما. ذکر نمودار بطلموس حکیم
اصل این نمودار مبنی بر کلمه سی وششم است از کتاب ثمرة الفلک
که بطلمیوس فرموده المستولی علی مکان الاجتماع فی مثل حده وبعد
من اوتاد مولد کان فی ذالک الاجتماع من الاشخاص
الانسانیة و کذالک الاستقبال تم الکلام
وطریق عمل باین نمودار آنست که چون طالع وعاشر تخمین عمل شده باشد
مکان اجتماع یا استقبال مقدم بر ولادت بدست آورند و مراد بمکان
اجتماع جزویست از منطقة البروج که شمس و قمر در آنجا قران کرده باشد
وجزو استقبال موضع قمرست در زمان استقبال اگر استقبال در شب
باشد و موضع آفتاب در حین استقبال اگر در روز باشد و اگر در یکی از ظرفین

شب باشد آن جزو که بافق مشرق اقرب بود معتبر باشد پس نظر کنند
بکواکب وقت اجتماع یا استقبال مقدم تا کدام یک بر آن جزو مستولی
میباشد کوکب مستولی بر درجه بعرف اهل احکام کوکبی است از ارباب
خطوط آن جزو که متصل باشد بآن جزو بنظر یا ناظر و اگر چند کوکب از ارباب
خطوط ناظر باشند آن کوکب که حظ او در آن درجه بیشتر و درجه او
بجزو اجتماع یا استقبال نزدیکتر باشد مستولی بود و باقی شریک
مستولی باشند و اگر بعد میان کوکب و درجه بقدر نصف جرم او
باشد آن نظر معتبر بود اگرچه بحقیقت نظر نرسیده و اگر بعد کوکب
از درجه مساوی تمام جرم او باشد بعضی از اصحاب احکام استیلا
جایز داشته اند و بعضی در نظر اکتفا برجیت کرده اند اما نزد من مقبول
نیست و چون بعد زیاده از تمام جرم باشد آن کوکب مستولی نباشد

و یکی از کواکب شریک مستولی که خط او در آن درجه بیشتر از سایر شرکا
باشد و بر آن درجه ناظر باشد یا بعد او از آن درجه بقدر نصف جرم
او و حد نظر یا کمتر باشد تقویم آن کوکب اعتبار باید کرد و اگر از ارباب
خطوط هیچ کوکب بجزو مقدم ناظر نباشد آنجا مستولی نبود و عمل
بدین مولود ساقط میشود لهذا بعضی از منجمین مثل صاحب زیج ایلخانی
در این بحث اتصال صاحب خط بجزو اعتبار نموده و صاحب زیج
سمرقندی تابع او شده و فرموده است که نگاه کنند تا کدام کوکب
از اصحاب خطوط در جزو مقدم درجه او بدرجه وتدی از او نزدیک
تراست و خط او در آن قوی تر تقویم آن کوکب در وقت ولادت
استخراج کنند و درجه وتد مثل تقویم آن کوکب گیرند و این خطاست
بجهة آنکه مولود از اصل خارج میشود و کوکبی که ناظر بر جزوی نباشد

مستو

مستولی بر آن جزو نخواهد بود و حال آنکه بطلمیوس مستولی بر جزو
مقدم را خواسته است و خطوطی که در تعیین مستولی اعتبار کرده
اند هفت است اول خانه و آنرا هفت درجه قوت اعتبار کنند دوم
شرف و آنرا شش درجه قوة دهند سیوم حد و آنرا پنج درجه خط
اعتبار نمایند چهارم رب اول از مثلثه و آنرا چهار درجه شهادت
گیرند پنجم رب دوم از مثلثه و آنرا سه مرتبه شهادت اعتبار کنند
ششم وجه و آنرا دو درجه قوة دهند هفتم رب سیوم از مثلثه و آنرا
یکدرجه شهادت گیرند و گفته اند که هر صاحب خطی که در خط خود باشد درجه
شهادت او مضاعف شود بعد از تقدیم این مقدمات میگوییم که چون
مستولی بر جزو مقدم معلوم شود تقویم آن بوقت ولادت استخراج
کنند و نظر کنند اگر درجه کوکب مستولی بدرجه طالع تخمین نزدیکتر از درجه

عاشرات درجه طالع مثل آن کند و مطالع طالع بعرض بلد ولادت گرفته
در جدول مطالع البروج بفلک مستقیم محسوب من اول الجدی معکوس
کنند عاشر بیرون آید و اگر درجه کوکب مستولی بدرجه عاشر نزدیکتر باشد
درجه عاشر مثل آن نمایند و مطالعش بفلک مستقیم محسوب من اول الجدی
حاصل نموده در جدول مطالع البروج بعرض بلد معکوس کنند طالع مصحح باین
نمودار بیرون آید و اگر درجه کوکب مستولی از درجه طالع و عاشر تخمین
بسیار دور افتاده باشد و درجه یکی از کواکب شریک مستولی نزدیکتر
از آن باشد درجه آن وتد که بآن اقرب باشد مثل تقویم آن کوکب کردانند
و باقی عمل بطریقی که گفتیم باتمام رسانند **مثال نمودار بطلمیوس حکیم**
در این ولادت باسعادت نظر کردیم چون در نیمه آخر ماه اتفاق افتاده
طالع مسعود استقبالی و نهاریست جزو استقبال مقدم بذنب آوردیم بود ~~د~~ ط

مستولی بر جزو بوقت ولادت طلب نمودیم شمس را یافتیم پس تقویم آن
بوقت ولادت استخراج کردیم باین قسم که تقویم آفتاب بنصف النهار
مقدم استخراج کردیم بود د ح نه و بنصف النهار موخر بود ه لط نو
بهت آفتاب ع ساعات نصف النهار د ه و ساعات ولادت
ط م ساعات نصف النهار را از ساعات ولادت نقصان کردیم
باقی ماند ساعات بعد ماضی ه نه م ساعات بعد را در بهت آفتاب
ضرب کردیم و حاصل را که بهت ه لط نه بر بیست و چهار قسمت کردیم
حصه بهت آفتاب از نصف النهار تا زمان ولادت خارج شد د ه
این را بر تقویم آفتاب بنصف النهار مقدم افزودیم تقویمش بوقت ولادت
حاصل آمد د که ه چون تقویم آفتاب بوقت ولادت بدرجه طالع
تخمین اقرب از درجه عاشر است درجه طالع مثل آن نمودیم شد طالع

محقق بحسب نمودار بطلمیوس ٤ كط ٠ ٥ مطالع طالع بعرض بلد ولادت
گرفتیم شد این را در جدول مطالع البروج بفلک مستقیم محسوب من اول
الجدی معکوس کردیم برون آمد مرکز میت عاشر ذکر نمودار هرمس حکیم
از بیشتر روایات چنین معلوم میشود که او ادریس پیغمبر علیه السلام است
واهل روم او را هرمس الهرامسه گویند وحکمای فرس او را سه بار مهر خوانند
وگویند المثلث بالنعم یعنی پیغمبر وحکیم وپادشاه وچون حضرت سبحانه جل شانه
احوال فلکی بروی روشن ساخته بود فرمود ورفعناه مکانا علیا
وباین سبب این نمودار را ادق النمودارات خوانند ومیرزای شهید
میفرماید بقیاس نزد دیگر نمودار هرمس الهرامسه است ووالیس اسکندرانی
وذورثیوس مصری ودیگر حکما بر صحت این نمودار اتفاق کرده اند واین
نمودار را نمودار مسقط النطفه نیز خوانند واز صاحب این نمودار منقولست

که همیشه

که همیشه موضع قمر در وقت ولادت طالع زمان سقوط نطفه باشد وموضع
قمر در زمان سقوط نطفه طالع زمان ولادت باشد ومصداق اینمقال
کلام هرمس الهرامسه است که در کتاب اساس فرموده که ان موضع القمر
عند الولاده الطالع المسقط وعند المسقط الطالع الولاده
وحکیم بطلمیوس قلوذی این معنی را در کتاب ثمره در کلمه   یاد فرموده
باین عبارت موضع القمر فی المولد هو جزء الطالع فی مسقط
النطفه وموضع القمر فی مسقط النطفه هو جزء الطالع مع الولاده
واز این لازم آید که اگر قمر در درجه طالع باشد در مدت مکث مولود
در رحم ادوار تامه قطع کرده باشد واگر بر حاق درجه سابع باشد
ادوار تامه قطع کرده باشد با زیادت نصف دور ویا کمتر ودر این
دو حال درجه تخمینی درست باشد وگویند که موالید نه ماهه را ده دورات

و ده ماهه را یازده دور و همچنین هشت ماهه را نه دور و هفت ماهه را
هشت دور و مدت یک دور قمر بر صد الف یکی بیست و هفت شبانه روز
و هفت ساعت و چهل و نه دقیقه و چهار ثانیه و سه ثالثه است پس
بر این تقدیر کل اوسط در نه ماهه باشد یط مه ب و در ده ماهه یح نه ه
و در هشت ماهه ی ب کا ه ا و در هفت ماهه ی ط ا ا و کل اعظم
در هر یک از اینها بنصف دوره زیاده است و کل اصغر بنصف
دور کمتر و نصف دوره صغیره سیزده روز و نوزده ساعت و بیست و یک دقیقه و سی و هفت
ثانیه و شانزده ثالثه و نیم است اگر قمر فوق الارض باشد ادوار تامه قطع کرده
بود الا قوسی که از موضع قمر است تا درجه طالع بر توالی و اگر تحت الارض
باشد ادوار تامه قطع کرده باز یادت قوسی که از درجه طالع است تا موضع
قمر بر توالی و بر منجم لازم است تحقیق اینکه مولود نه ماهه است یا ده ماهه

یا غیر آن و در تحقیق آن قواعد بسیار است و اصح از جمیع قواعد این است
که چون طالع تخمین استخراج کرده باشند و طالع اجتماع یا استقبال
مقدم و جزو آنرا معلوم کرده باشند دایره فلک البروج را سه
قسم مختلف سازند و ابتدا از درجه طالع نمایند قسم اول از درجه طالع
تا تمامی سه برج قسم دوم از آنجا تا تمامی چهار برج قسم سیوم از آنجا
تا تمامی پنج برج تا بدرجه طالع باز رسد که مجموع این اقسام دوازده
برج باشد بعد از آن نظر کنند بجزو مقدم و طالع او اگر هر دو در یک قسم
اتفاق افتاده باشد از این اقسام یا طالع در قسم اول افتاده و جزو
در قسم دوم مولود نه ماهه است و اگر جزو مقدم در قسم اول و طالع
در قسم دوم یا جزو مقدم در قسم سیوم و طالع در قسم دوم افتاده
مولود هفت ماهه است و اگر جزو مقدم در قسم اول افتاده و طالع او

در قسم سیوم بالعکس مولود هشت ماهه است و او را بقا نباشد پس چون
معلوم گشت که مولود چند ماهه است اگر نه ماهه باشد و قمر بفوق الارض
باشد موضع قمر را از درجه طالع نقصان کنند و اگر تحت الارض باشد
طالع را از موضع قمر اسقاط کنند آنچه باقی ماند برج را بدرجات
مجانس سازند و چون درجات از شصت متجاوز شود هر شصت را
یک مرفوع مره گیرند و بر سیر یکروزه وسط قمر که هست یج ي له
ثانیه قسمت کنند خارج قسمت ایام باشد و باقی از قسمت اگر باشد
در بیست و چهار ضرب کند و باز بر سیر وسط مذکور قسمت کنند تا ساعات
و اجزاء آن حاصل آید پس مجموع ایام و ساعات و دقایق را از دویست
تا نه محقق نقصان کنند اگر قمر فوق الارض باشد و بیفزایند اگر تحت الارض
باشد تا مدت مکث مولود در رحم معلوم شود پس این مدت را از زمان

ولادت

ولادت بقهقرا باز پس روند آنجا که منتهی شود زمان سقوط نطفه باشد
پس بنگرند که موضع قمر ولادت در زمان سقوط نطفه چه وقت طلوع میکند
اگر در شبانه روز مسقط در روز بعد از نصف النهار یا در شب بعد از آن
طلوع کند تقویم در نصف النهار همان روز استخراج کنند و اگر قبل
از نصف النهار روز مشتر پس مطالع تقویم شمس بفلک مستقیم ابتدا از اول
جدی از مطالع قمر ولادت به بلد نقصان کنند و اگر نقصان نتوان کرد
دور بر آن افزایند و نقصان کنند تا دائر ماضی در نصف النهار یکه تقویم
شمس با آن استخراج کرده باشند معلوم شود پس دائر را در اجزای
یکساعت حقیقی شبانروز مسقط قسمت کنند تا ساعات بعد حاصل شود
پس باین ساعات تقویم قمر استخراج کنند اگر بطالع تخمینی نزدیک باشد
طالع بحساب این نمودار آن باشد و اگر دور افتد یکروز پیشتر یا پستر همان

طلوع کند در نصف النهار

عمل کنند تا تقویم قمر نزدیک بطالع تخمین حاصل شود و این
تقویم طالع ولادت باشد و اگر دایر ماضی را بر مطالع جزو شمس
بفلک مستقیم محسوب من اول الجدی بیفزایند مطالع طالع سقوط
نطفه حاصل شود این را در جدول مطالع البروج عرض بلد ولادت
معکوس کنند طالع سقوط نطفه بیرون آید و مراکز بیوت آن طالع
و مواضع کواکب تحقیق نمایند که از برای علم بکیفیت خلقت مولود
و سعادت و شقاوت اصلی و سایر اوضاع اصلی عظیم است والله اعلم
مثال [illegible] طالع تخمین چنانچه سابق استخراج کردیم
بود ط کا ط ط ابتدا بدرجه طالع نود و دو فلک را به قسم مختلف
ساختیم قسم اول از درجه طالع تا میت و دو درجه حوت قسم دوم از
میت و دو درجه حوت تا میت و دو درجه سرطان قسم سوم از میت

دودرجه

دو درجه سرطان تا درجه طالع پس چون استقبال مقدم قریب
بغروب آفتاب واقع بود موضع قمر را جزو استقبال گرفتیم
بود ـ ط طالع استقبال ـ د نظر کردیم هر دو در قسم
اول از اقسام سه گانه اتفاق افتاده بود معلوم شد که مولود نه ماهات
و مدت مکث او در رحم ده دور قمر است و چون قمر ولادت فوق
الارض است دانسته شد که قمر در مدت مکث مولود ده دور قطع
کرده الا قوسی که از موضع قمر است تا درجه طالع بر توالی بروج
پس تقویم قمر بوقت ولادت استخراج کردیم بدین موجب
تقویم قمر در نصف النهار مقدم ط ل ـ و در نصف النهار موخر [illegible]
بهت قمر با ط ساعات ولادت ط م ساعات نصف النهار
ساعات نصف النهار را از ساعات ولادت نقصان کردیم

باقی ماند بعد ماضی ٠ نو ساعات بعد را در بهت ماه ضرب کردیم
حاصل شد له لج این را بر بیست و چهار قسمت کردیم حصه بهت
قمر از نصف النهار تا زمان ولادت خارج شد ا كه له
این را بر تقویم قمر نصف النهار مقدم افزودیم تقویم قمر بوقت ولادت
حاصل آمد ٠ بط له پس این را از درجه طالع تخمین نقصان کردیم
باقی ماند ه كه لط و ویرج را بدرجات محص ساختیم و چون از شصت
متجاوز شد هر شصت را یکمر فوع مره گرفتیم شد ٠ مه لط و این را بر سیر
یکروزه قمر که بهت يو ـ له قسمت کردیم خارج شد ایام سیزده
و باقی ماند از قسمت ا ٠ ما این را در ٧ ضرب کردیم و حاصل را
که بهت ٧ نه ٧ باز بر سیر یکروزه وسط قمر قسمت کردیم خارج شد
ساعات و دقایق و ثوانی ا ند يو پس چون قمر فوق الارض است

مجموع این ایام و ساعات و دقایق و ثوانی را از مدت مکث
اوسط نه ماه که بهت ذ ج ه ـ يو ثانیه نقصان کردیم مدت مکث
مولود در رحم باقی ماند ذ ىه و ى كط این مدت را از زمان ولادت
بقهقرا باز گشتیم انجامید بروز پنجشنبه بیست و نهم شهر ذیحجه الحرام
سنه ۱۱۹۶ ناقصه هجریه مطابق با روز بیستم آذر ماه جلالی سنه ۷۰۴
ناقصه ملکشاهیه پس نظر کردیم موضع قمر ولادت در اول شب
همان روز طلوع میکرد پس تقویم شمس نصف النهار همان روز استخراج
کردیم بود ح ط كد مطالع تقویم آفتاب بفلک مستقیم محسوب من اول
الجدی گرفتیم شما ز ج مطالع بلدی قمر ولادی سه ا د مطالع
بالقبه تقویم شمس را از مطالع قمر ولادت اسقاط کردیم باقی ماند ح ج ۸
اجزای یکساعت حقیقی شبانروز مسقط له ٠ ه تفاوت بین المطالعین را

براجزای یکساعت حقیقی قسمت کردیم ساعات بعد از نصف النهار روز
مذکور تا وقت طلوع قمر ولادت خارج شده لا نو پس این ساعات
تقویم قمر استخراج کردیم براین موجب تقویم قمر بنصف النهار مقدم
ه لط لا ونصف النهار موخر ط د ط بهت قمر یو ط ساعات بعد طلوع
بهت قمر را در ساعات بعد ضرب کردیم حاصل شد ا لا ا حاصل ضرب را
بر ساعات شبا روزی قسمت کردیم حصه بهت ماه از نصف النهار
مقدم تا هنگام انعقاد نطفه حاصل آمد د کو ه این را بر تقویم قمر بنصف
النهار مقدم افزودیم تقویم قمر حین طلوع قمر ولادت حاصل شد ه کو نو
واین طالع مصحح نمودار هرمس الهرامسه است والله تعالی اعلم واحکم **ذکر**
نمودار بزرجمهر حکیم قاعده عمل این نمودار چنین است که طالع واوتاد
بتقریبی که ممکن باشد معلوم کنند وهیلاج وکدخدا در آن طالع بشناسند

اما هیلاج

اما هیلاج وکدخدا دو لفظ یونانیست که حکما آنها را دلیل عمر مولود دانند
وگویند هیلاج بمثابه بدنست وکدخدا بمثابه روح وبعضی گویند هیلاج
بمنزله هیولی است وکدخدا بمنزله صورت وهیلاجات پنج است شمس
وقمر وجزو اجتماع یا استقبال مقدم وسهم السعاده ودرجه طالع ودر تعیین
موقع هیلاج وتقدیم هر یک خلافست ومشهور ومستعمل قول بطلمیوس است
وآن چنانست که در مولود نهاری اول نظر بشمس کنند اگر طالع یا عاشر
یا تاسع یا حادی عشر باشد هیلاج بود واگر در هیچیک ازاین مواضع نبود
نظر بقمر کنند اگر دریکی ازچهار خانه مذکور یا ثالث یا رابع بود یا خامس
هیلاج بود واگر در هیچیک ازان مواضع نبود وولادت اجتماعی باشد
نظر بجزو اجتماع مقدم کنند اگر در وتد یا مایل الوتد باشد هیلاج بود واگر
نباشد بعد ازان نظر بسهم السعاده کنند اگر در وتد یا مایل الوتد باشد هیلاج

بود والا نباشد اما در ولادت استقبالی نخست نظر بسهم السعاده کنند
پس بجزو استقبال مقدم و هریک را که در وتد یا مایل الوتد یابند هیلاج
دانند و اگر هیچیک در مواضع مذکوره نباشد در این صورت هیلاج درجه
طالع بود بشرطی که از جرم نحوس خالی باشد و در مولود لیلی قمر را بر شمس
مقدم باید داشت و باقی را بر ترتیب مذکور ملاحظه باید کرد اما کدخدا
عبارت از کوکبی است که مستولی باشد بر موضع هیلاج و تعریف مستولی
در مئوار بطلمیوس گذشت و هر هیلاج که او را کدخدا نباشد هیچ
خاصیت ندارد و چون بدنی را ماند بیجان که هیچ حرکت ندارد بعد
از تقدیم این مقدمات میگوئیم که چون طالع و اوتاد تخمین و هیلاج و کدخدا
در مولودی مشخص شود حوادثی که بر مولود گذرد از خیر و شر نگاه کنند
که از طبیعت کدام سعد یا نحس تواند بود از سیارات یا ثوابت که در آن وقت

بازدیک

بازدیک بآن وقت تسییر طالع یا عاشر یا هیلاج یا کدخدا بآن کوکب
رسیده خواهد بود اگر سعادت یا نحوست بدنی باشد مثل مرض و ناخوشی
صعب هر آینه از تسییر درجه طالع یا هیلاج یا کدخدا خواهد بود و اگر سعادت
یا نحوست جاهی باشد مثل نصب و عزل و ترقی و تنزل از تسییر درجه عاشر
خواهد بود چون چنان کوکب یافت شود از موضع آن کوکب در وقت
ولادت بحسب مدتی که مابین ولادت و وقوع آن حادثه باشد بخلاف
توالی بیرون آورند تا معلوم شود که در اصل ولادت آن وتد یا هیلاج
یا کدخدا کجا بوده است و طریق بیرون آوردن چنانست که تاریخ
ولادت را از تاریخ آن حادثه نقصان کنند آنچه بماند هر سالی را یک درجه
و هر شش روز را یک دقیقه گیرند آنچه حاصل شود قوس تسییر بود پس اگر وتد
طالع بود قوس تسییر را از مطالع طلوع آن کوکب سعد یا نحس بلد نقصان

کنند مطالع طالع حاصل آید واگر وتد عاشر باشد قوس تسیر را از مطالع

ممر او نقصان کنند مطالع عاشر بخط استوا ابتدا از اول حمل باشد واگر

هیلاج یا کدخدا بود مطالع طلوع آن کوکب سعد یا نحس در افق حادث

هیلاج یا کدخدا معلوم کند و قوس تسیر از آن نقصان کنند مطالع

مصحح هیلاج و کدخدا حاصل شود واز آن موضع کوکب بیرون آورند

واز موضع کوکب طالع معلوم کند و بر آن اعتماد کنند و دیگر دلایل بحسب

آن استخراج نمایند **مثال تحریر این طالع مبارک** در غره شهر ذیقعده الحرام

سنه ١٢٢٨ ناقصه هجریه صاحب طالع مبارک را ناخوشی صعب و عارضه

شدید روی داده مدتی بطول انجامید در طالع مبارک نظر کردیم تسیر

درجه طالع تخمین را نزدیک درجه طلوع کوکب ذنب الدلفین که یکی

از نحوس کواکب ثابته و بمزاج زحل و مریخ میباشد یافتیم این حادثه را حمل

براونوده

براونموده مطالع طلوع ذنب الدلفین را در روز ولادت استخراج

کردیم بود شب ١٥ پس زمان حدوث بلیه را از تاریخ ولادت که در

روز پنجشنبه و سیوم شهر رمضان المبارک سنه ١١٩٧ ناقصه هجریه واقع شده

نقصان کردیم سی و یک سال تامه عربیه و سی و هفت روز باقی ماند پس

سالهای تامه عربی را با روز کردیم باین طریق که عدد سالهای تامه عربی را

که هست ٣١ در عدد ایام سال قمری که هست ٣٥٤ ضرب کردیم حاصل

شد ١٠٩٧٤ باز همان سالهای تامه را بر سی قسمت کردیم خارج شد یکعدد

و باقی ماند یکعدد پس خارج قسمت را در عدد سالهای کبیسه که یازده است

ضرب کردیم حاصل شد ١١ این را با حاصل ضرب اول جمع کردیم شد

١٠٩٨٥ پس در سال باقی از قسمت نظر کردیم سال کبیسه نبود پس عدد

روزها را که بود ٣٧ بر مجموع افزودیم شد ایام ما بین ولادت و حدوث

حاشه ۲۲ ۰ ۱۱ این را در جدول ایام سالهای تامه ملکی معکوس کردیم

خارج شد سالهای شمسی ۳ و باقی ماند از ایام ۵ ۶ پس چون مقدار

تیر در هر سال شمسی یکدرجه و در هر شش روز یکدقیقه است بحسب سالهای

شمسی و ایام باقی مانده وسط تیر حاصل کردیم بود ا ـ ۵ این را

از مطالع طلوع ذنب الدلفین که بود شـ ا ه نقصان کردیم باقی

ماند مطالع طالع بحسب نمودار زردشت حکیم ه نا نا ه این را در جدول

مطالع البروج بعرض بلده تفلیس که هست و ا معکوس کردیم برون

آمد طالع بحسب این نمودار ے ط ر ل ل باز همان مطالع طالع را در جدول

مطالع البروج بفلک مستقیم محسوب من اول الجدی معکوس کردیم برون

آمد عاشر بحسب این نمودار د ـ ذ کا ا پس در چنین مصحح نمودار هرمس

الهرامسه و نمودار زردشت حکیم که بدرجه طالع تخمین نزدیک تر بود بدرسالہ

درجات

درجات تنگلوشاه بابلی عرض کردیم تا معلوم شود که کدام یک موافق

صفات و اخلاق و قدر و منزلت و صورت و سیرت صاحب

طالع مبارک اتفاق می افتد پس چون درجه مصحح نمودار زردشت حکیم

موافق تر اتفاق افتاده همان را درجه طالع تحقیقی دانسته بنای اعمال

حسابی و احکام نجومی بر آن گذاشتیم و صفات و اخلاقی که تنگلوشاه

بابلی بجهة درجه بیستم برج قوس که بحسب نمودار زردشت حکیم درجه طالع

ولادت باخیر و سعادت است ذکر کرده اینست که من ولد فی درجة

العشرین من القوس یکون رجلا مبارکا علی نفسه و اهله و

معارفه خیر فی نفسه بر الناس کلهم لا کلا بن بطبعه سوی استخراج لبیوت السوت

مطالع طالع بعرض بلد ولادت ه نا نا ه مطالع طالع بفلک مستقیم محسوب

من اول الجدی شم کر ۶ ۲ مطالع بلدی طالع را از مطالع استوائی

آن اسقاط کردیم باقی ماند موله ر ا این نصف قوس النهار درجه طالعست

ثلثش کرفتیم شد ر ما و این سدس قوس النهار درجه طالع است

بر مطالع طالع بعرض بلد ولادت افزودیم شد مطالع حادی عشر غه . ه

باز سدس قوس النهار را بر مطالع حادی عشر افزودیم شد مطالع ثانی

عشر شکو ه لط پس شصت درجه که سدس دور است بر مطالع ثانی عشر

افزودیم و چون از دور زیاده شد دور را از آن اسقاط کردیم شد مطالع

بیت ثانی کو ه لط باز صد و بیت درجه که ثلث دور است بر مطالع حادی

عشر افزودیم بعد از اسقاط دور شد مطالع بیت ثالث سه . ه

پس این مطالعات را در جدول مطالع البروج بفلک مستقیم محسوب من

اول الجدی معکوس کردیم شد مرکز حادی عشر د د ه ه مرکز ثانی عشر یا لط و

مرکز بیت ثانی له ه لط یا مرکز بیت ثالث ما . . لن و مرکز [illegible]

نظایر

نظایر خانهای معلوم است استخراج تسویة البیوت بعمل مغربیان

طالع مصحح بمولد زردشت حکیم ح ط ر لد رابع مصحح یا ه ذ کا ما

تفاوت بین طالع و رابع ح ه لد ط لد ثلث تفاوت بین طالع و رابع

ا ه ه ه و این را بر طالع مصحح افزودیم شد مرکز ثانی ط ه ه ه ه

باز ثلث تفاوت را بر مرکز ثانی افزودیم شد مرکز ثالث ما ه د ه نح

پس شصت درجه که سدس دور است از مرکز ثانی اسقاط کردیم شد مرکز

ثانی عشر ه ه ه ه ه باز صد و بیست درجه از مرکز بیت ثالث نقصان

نمودیم شد مرکز حادی عشر ه ه د نح و باقی خانها نظیر خانهای معلوم باشم

استخراج بیانات لاحق بحسب طالع مصحح بمولد زردشت حکیم

مطالع طالع چنانچه سابق استخراج کرده ایم ذ نا نا ه مطالع استوائی

تقویم آفتاب بنصف النهار مقدم ذ ما د نه مطالع تقویم آفتاب را

از مطالع طالع نقصان نمودیم باقی ماندم د ما این را ساعات نصف
النهار مقدم تا زمان ولادت اجزای یکساعت حقیقی شبانه روز ولادت
ح ٠ ط دایر را بر اجزای یکساعت حقیقی قسمت کردیم خارج شد ساعات
ولادت گذشته از نصف النهار مقدم ٠ ح و این را بر ساعات
نصف النهار افزودیم ساعات ولادت گذشته از طلوع آفتاب
روز جمعه بیست و سیوم بلالی شهر رمضان المبارک سنه ۱۱۹۲ ناقصه هجریه
حاصل شد ط كو نه و توما علیه البرج المتحیره والثوابت والسهام والعقدتین

استخراج تقویم آفتاب در جدول لاخذ بعرض بلده تفلیس

مرکز آفتاب چنانکه در اوساط استخراج شد ا ح ط بمرکز تعدیل اول
برداشتیم شد ٤ د تعدیل اول را بر مرکز آفتاب افزودیم شد مرکز معدل
ا ح ن بمرکز معدل تعدیل ثانی برداشتیم شد ٤ لا د مرکز معدل را

با تعدیل

با تعدیل ثانی جمع کردیم شد مرکز مقوم ا لا م اوج آفتاب
چنانکه قبل استخراج کردیم بود د ه ٦ مرکز مقوم را با اوج جمع
کردیم تقویم آفتاب بوقت ولادت با سعادت خارج شد د لا ه

جدول اوساط

اوساط	مرکز					اوج				
ضر	د	ط	مط	ح	نه	د	٠	نا	ع	د
ل	ا	ر	نط	ا	ن	٠	٠	لا	ن	نه
جمع	ه	ر	ح	لو	ما	د	ا	لو	لط	نا
ش	٠	مط	نه	لط	ح	٠	ه	ط	لط	و
جمع	ه	ر	ع	نه	له	د	ه	كو	مط	ه
شهر رمضان	ر	كه	لو	ما	ن	٠	٠	٠	لو	نه
جمع	ا	٠	مط	ح	لا	د	ه	كو	ن	مط
بیست و چهار سالی	٠	كه	م	ح	ر	٠	٠	٠	د	يه
جمع	ا	كه	نط	ل	ح	د	ه	كو	نه	لح
دو ساعت	٠	٠	ه	نه	ط	٠	٠	٠	٠	ا
جمع	ا	ح	ه	ا	كط	د	ه	كو	ن	له
مب دقیقه	٠	٠	ا	ع	كط	٠	٠	٠	٠	٠
جمع	ا	ح	و	يه	نا	د	ه	كو	نه	له
مج ثانیه	٠	٠	٠	ا	و	٠	٠	٠	٠	٠
جمع	ا	ح	و	ى	يط	د	ه	كو	نه	له
بين الطولين	٠	٠	٠	م	ط	٠	٠	٠	٠	٠
سر سال	ا	ح	ح	ن	ه	د	ه	كو	نه	له

اوساط شمس	مركز	خاصه	وسط	راس
صر	ا و ه ك	د س كا ح	د ه ا ه	ط يه ا يا
لـ	يا كط ص ن	ط ه ح ط	ا ح يو يه	د كـ ن يه
جمع	ا و و ل	ب و س ب	ح ا ط و	ب و ح ب
ش	يا يه ط و	ا ط ح ب	ا كـ و و	ب ط كم ط
جمع	ا ح ه مه	و ب ح يه	ح يا ه كـ	يا كـ ك ك
شهر رمضان	يا يا . ا	و ه ح ب	ب ط ك و	يا ب كط ط
جمع	يا يه ب ع	يا يا ب كـ	ب ى ي ب	يا ط و يا
كه حسابى	د ج و ك	ب يا كط م	ب ج ج كـ	يا ا يه ه
جمع	ب ح ب يا	ب ط ح .	. ح و لو	ب و كط
ب ساعت	يا . ا ك	يا يا ا ه ح	يا يا ا ه ى	يا يا يا و
جمع	ب ح و ه	ب كط يو كـ	. ب . ط	ب و مه
مه دقيقه	يا يا ص م	يا يا كـ ن	يا يا ه مه	و
جمع	ب ح ب مه	ب كط لو يه	. ب كه ل	ب و يا
جح ثانيه	يا يا يا يه	يا يا يا ه	يا يا يا كـ	يا
جمع	ب ح ط كط	ب كط لو ل	. ب كه ن	ب و نا
روز الطولين	يا ا د و	يا يا لو كه	يا يا ل ح	يا يا ح
ميزان سال	د كا ن ل	يا يا . .	. ط ا لا	يا ب و نط [illegible]

استخراج تقويم قمر بوقت ولادت صاحب سعادت

مركز قمر دكان بمركز تعديل اول برداشتيم شد يا ل

خاصه يا يا . تعديل اول را با خاصه جمع كرديم شد خاصه معدله

يا يا ل چون خاصه معدله بيشتر از شش بود بمركز قمر دقايق الحصص

از جدول

از جدول موضوع بعد از اختلاف برداشتیم شد ه يا وبخاصه معدله

اختلاف برداشتیم بود ا ه ل دقایق الحصص را در اختلاف ضرب کردیم

شد مضروب يا ط ل باز بخاصه معدله تعدیل ثانی برداشتیم شد ط نه ح

پس مضروب حصص در اختلاف را با تعدیل ثانی جمع کردیم شد تعدیل معدل

س ح ح وسط قمر بود . ط الا تعدیل معدل را بر وسط افزودیم شد وسط

معدل . كط مه يا پس تقویم شمس تعدیل الایام برداشتیم شد د ط این را

از وسط معدل نقصان کردیم باقی ماند وسط مقوم . كط يا ه پس تقویم

راس قمر را که هست يا ط و ا از وسط مقوم اسقاط کردیم بماند حصة العرض

ح ل ند بحصة العرض تعدیل ثالث برداشتیم بود . ح چون حصة العرض

از بروج زایده است تعدیل ثالث را بر وسط مقوم افزودیم تقویم قمر

بوقت ولادت حاصل شد . كط م ح **استخراج تقویم زحل عند الولاده**

مرکز زحل ا ه ک بمرکز تعدیل اول برداشتیم شد ب لو خاصه ب ح ط تعدیل اول را از خاصه نقصان

جدول اوساط زحل

اوساط	مرکز	خاصه	اوج
ضر لس	ا ح ا ط	ح ا ط و	ح ب ی ط
جمع ش	ا ط و و	ط ه ه ه	ح ب ص ب
جمع رمضان	ی و ط ل	ا و ط کو	ح ه نا و
جمع حالی	ی ه ل کو	ب ا ه و	ح ه ن ط
جمع ب ساعت	ی ه کا ل	ب ح ط ی	ح ه ن ک
جمع ه حصه	ی ه کا و	ب ح ه ا	
جمع ح ماضیه	ی ه کا نا	ب ح و ب	
جمع من الطولین	ی ه کا نا	ب ح و ب	
سر سال	ا ه کا ق	ب ح ا و	ح ه نه ک

کردیم بماند خاصه معدله ب ح ه باز تعدیل اول را بر مرکز افزودیم شد مرکز معدل ا طح چون خاصه معدله بیشتر از شش برج بود بمرکز معدل دقایق الحصص از جدول موضوع بعد از اختلاف برداشتیم شد نط دقیقه

بی کم

پس بخاصه معدله اختلاف برداشتیم بود ا م دقایق الحصص را در اختلاف ضرب کردیم شد مضروب ا لط باز بخاصه معدله تعدیل ثانی برداشتیم بود ۰ کا مضروب را با تعدیل ثانی جمع نمودیم شد تعدیل معدل د ا پس تعدیل معدل را با مرکز معدل جمع کردیم حاصل شد مرکز مقوم ا کن اوج زحل ح ه ه مرکز مقوم را بر اوج زحل افزودیم تقویم حاصل وقت

ولادت حاصل ط د ه

استخراج تقویم مشتری

مرکز مشتری ح ٧ ذ بمرکز تعدیل اول برداشتیم شد ا لو خاصه د ا ب تعدیل اول را از خاصه نقصان کردیم باقی ماند خاصه معدل

جدول اوساط مشتری

اوساط	مرکز	خاصه	اوج
صر لس	د و کط ا	ط و و ه	ه ب ن ط
جمع ش	ح ط ه و	ه ا ی ل	ه ی ی ب
جمع رمضان	د د ک ب	ا ب ی کا	ه ب ا و
جمع حالی	د ک ن ح	و ـ ب نا	ه ب ی ط
جمع ب ساعت	د ٧ ق ا	ب ا د ک	ه ب ی ک
جمع ه حصه	د ٧ ن ن	ب ا ب ن	
جمع ح ماضیه	د ٧ نح ا	ب ا ط ل	
جمع من الطولین	د ٧ نه ا	ب ا ط ط	
سر سال	د ٧ نح ه	ب ا ـ ا	ه ب ی ک

د کط ه باز تعدیل اول را بر مرکز مشتری افزودیم شد
مرکز معدل د کو ب چون خاصه معدله کمتر از شش برج بود بمرکز
معدل دقایق الحصص مشتری از جدول موضوع قبل از اختلاف برگرفتیم
شد م پس بخاصه معدله اختلاف برداشتیم شد ا ه دقایق الحصص را
در اختلاف ضرب کردیم شد مضروب ا ل ٤ باز بخاصه معدله
تعدیل ثانی برداشتیم شد د ب مضروب را با تعدیل ثانی جمع نمودیم
شد تعدیل معدل ٠ ـ ۸ پس تعدیل معدل را با مرکز معدل جمع کردیم
حاصل شد مرکز مقوم د ا ل اوج مشتری ه کد ه مرکز مقوم را بر اوج افزودیم
تقویم مشتری بوقت ولادت حاصل شد ا ل ۷ د **استخراج تقویم مریخ**
مرکز مریخ د ه ٤ بمرکز تعدیل اول برداشتیم بود ه ح خاصه د ٤ ب تعدیل اول را از خاصه
نقصان کردیم باقی ماند خاصه معدله ه یط باز تعدیل اول را بر مرکز افزودیم شد مرکز

معدل

معدل د ٤ ک چون خاصه معدله کمتر از شش برج بود بمرکز معدل دقایق الحصص مریخ
از جدول موضوع قبل از اختلاف برداشتیم بود ن پس بخاصه معدله اختلاف برداشتیم شد ا ط
دقایق الحصص را در اختلاف ضرب کردیم شد مضروب ا م باز بخاصه معدله تعدیل ثانی
برداشتیم شد ا ط ه
مضروب را با تعدیل دوم
جمع نمودیم شد تعدیل معدل
۱۱ ـ پس تعدیل معدل را
بر مرکز معدل افزودیم حاصل شد
مرکز مقوم د ط م اوج مریخ
د کو ا مرکز مقوم را بر اوج
افزودیم تقویم مریخ بوقت ولادت حاصل شد ا و له

جدول اوساط مریخ

اوساط	مرکز	خاصه	اوج
ضر لـ	ب کو ا لو ه کا ا ا	٠ ٧ ٤ ٠ ر و خ ح	ه کح کو ا ا ٧ ٤
جمع ثـ	ه ر ٠ ب ط ا و ط	ب ا و ط و ط ح ه	ه ر ٤ ب ا ه ط ط
جمع رمضان	ا ر ط و ه ر م ط	٠ ا ه لط و ب ن ث	ه کو ن و ا ا ا ل
جمع بحمانی	ه م ط ح ا س ح ب	ه م ٤ لا ا ب لی ثا	ه کو ن ل ا ٤ ا و
جمع ساعت	د ٠ ث لو ا ا ٠ ل	و ٤ ل کط ٤ ٤ ٠ ٤	ه کو ن ط
جمع محفص	د ٠ ن ب ا ا ا ن	و ا لط و ا ا ا ح	
جمع دقائق	د ٠ ن ه ا ا ا ا	و ا م ل ا ا ا ا	
جمع بعد الطول	د ٠ ن د ا ا ا که	و ا م ل ا ا ا ه	
مرکز سال	د ٠ ن لا	و ٤ کا نا	ه کو ن ط

استخراج تقویم زهره که در حین ولادت

مرکز زهره ٠ ا سه بر مرکز تعدیل اول برداشتیم شد ع له خاصه
ه ۸ ا تعدیل اول را از خاصه نقصان کردیم شد خاصه معدله ه كه ط
باز تعدیل اول را بر مرکز افزودیم شد مرکز معدل ٠ ا سه چون خاصه
معدله کمتر از شش برج بود بر مرکز معدل از جدول موضوع قبل از اختلاف
دقایق الحصص زهره برداشتیم بود ه پس بخاصه معدله اختلاف برگرفتیم
شد ا نه دقایق الحصص را در اختلاف ضرب کردیم شد مضروب ع كط
باز بخاصه معدله تعدیل ثانی برداشتیم شد ا یه له مضروب را با تعدیل ثانی
جمع نمودیم شد تعدیل معدل ا یه ط پس تعدیل معدل را بر مرکز
معدل افزودیم شد مرکز مقوم ه و له و مرکز مقوم را با اوج
زهره جمع کردیم تقویم زهره بوقت ولادت حاصل شد د یه ح

جدول اوساط زهره

اوساط	مرکز	خاصه	اوج
ضرب ل	ح ر ه ه ا د ط ك	ح د ط كـ ٠ یه و ما	٠ كـ و ح ع ع لا ع
جمع ش	ه كه ط لح ع ط نه لط	ـ كا لا لج ع كـ ما هج	٠ ه سه ا ع ه ط لط
جمع شهر رمضان	ه ه نه س ب كـ لو س	ما نه نه لح ه كه كط فه	٠ ٩ كا م ع ع ع لج
جمع کلاحـالی	ا د كه نه ع كـ م ح	ه ط نه د ع نه ـ ح	٠ ٩ كـ ح ع ع ع ح
جمع ساعت	٠ ا ع لد ع ع ه ف	ه ۸ كه ا ع ع د ه	٠ ٩ كـ و
جمع دقیقه	٠ ا ه ٩ ع ع ا ج	ه ۸ ط و ع ع ا ه	
جمع ثانیه	٠ ا ب ب ع ع ع ٠	ه ۸ كط ما ع ع ع ا	
جمع الطولین	٠ ا ب ب ع ع ٠ ط	ه ۸ كط لا ع ع ا ط	
سرسال	٠ ا ط نح	ه ۸ له نح	٠ ٩ كـ و

استخراج تقویم عطارد عند الولاده

مرکز عطارد ط ب د برکز تعدیل اول برداشتیم شد د ما خاصه ع ا ما
تعدیل اول را از خاصه نقصان کردیم شد خاصه معدله ما یه ع باز تعدیل
اول را بر مرکز افزودیم مرکز معدل شد ط ه ح چون خاصه معدله از شش برج
اول بود بمرکز معدل دقایق الحصص عطارد از جدول موضوع قبل از اختلاف
برداشتیم شد لو پس بخاصه معدله اختلاف برگرفتیم شد ب ا ع
دقایق الحصص را در اختلاف ضرب کردیم شد مضروب ا ح
باز بخاصه معدله تعدیل ثانی برداشتیم شد ما یه له مضروب را با تعدیل ثانی جمع
کردیم شد تعدیل معدل ما یه م پس تعدیل معدل را بر مرکز معدل افزودیم شد مرکز
مقوم ط بـ اوج عطارد د ط یه مرکز مقوم را با اوج عطارد جمع کردیم
تقویم عطارد بوقت ولادت حاصل شد ۱۰ ذ

جدول اوساط عطارد

اوساط	مرکز	خاصه	اوج
ضر	ما د و ا	ب ا ل ه	ب ه ه و
لـ	ا ب نط لـ	ح یه ی ن	ع ع یا خ
جمع	ع ما و نط	د لط یه ع	ب ه ه ه
ش	ع نط یه لا	ه ب نط ما	ع ه ط لط
جمع	ا ا ط ل	ط و لح ما	ب ط یا ز
شهر رمضان	ب ک لو ب	ع یه ما که	ع ع ع لح
جمع	ح یا ب ه	ط نط یه لو	ب ط که و
کدحانی	ه ک م ح	٠ ما یه ع	ع ع ع ذ
جمع	ط لو ن نع	ع ا ما یه	ب ط که نط
ب ساعت	ع ع ه ف	ع ع ن ل	
جمع	ط ب ٠ یه	ع ا یه کو	
مب دقیقه	ع ع ا ز	ع ع ه کو	
جمع	ط ب ه ل	ع ا له ث	
مج ثانیه	ح ع ع -	ع ع ع ف	
جمع	ط ب ه لا	ع ا له نع	
سن الطولین	ع ع ٠ ط	ع ع ح که	
سیر سال	ط ب ب ط	ع ا ما ح	ب ط که نط

استخراج عروض کواکب سیاره

عرض کوکب قوسی است از دایره عرضیه مابین مرکز جرم کوکب و موضع تقاطع آن با منطقة البروج از جانب اقرب و بعبارتی دیگر عرض کوکب قوسی است از دایره عظیمه که بمرکز کوکب و بدو قطب فلک البروج گذرد میان مدار آفتاب و مرکز جرم کوکب از جانب اقرب و چون مدار آفتاب همیشه بر مسامت منطقة البروج است او را عرض پدید نیاید **استخراج عرض قمر** حصة العرض قمر چنان که سابق استخراج کردیم بود د ط نه د بحصة العرض در جدول عرض قمر در آمدیم و بازاء ط درجه برج سرطان در تحت ۹ دقیقه عرض طلب کردیم بود د نه ط و در تحت ۱۰ بود د نه ه تفاضل میانها گرفتیم بود ـ ثانیه تفاوت مابین ۹ دقیقه و دقیقه حصة العرض د ه

ثانیه تفاضل بین الطرفین را در تفاوت بین دقیقتین ضرب کردیم حاصل شد ا ـ م این را بر دوازده قسمت کردیم خارج شد ه نه این را از عرض ط درجه و ۹ دقیقه برج سرطان نقصان کردیم باقی ماند د نه کط و این عرض قمر باشد بوقت ولادت و چون حصة العرض در برج سرطانست عرض قمر شمالی بالط ناقص باشد **استخراج عرض زحل** مرکز معدل زحل ه ط نه بازاء مرکز معدل دقایق نسب عرض بر گرفتیم بود ـ کو خاصه معدله ب ا چون دقایق نسب عرض شمالی بود بخاصه معدله میل زحل از جدول میل شمالی بر گرفتیم بود . ط پس دقایق نسبت عرض زحل را در میل ضرب کردیم حاصل شد الا ۲ و این عرض معدل زحل باشد شمالی **استخراج عرض مشتری** مرکز معدل مشتری د کو د بازاء مرکز معدل مشتری دقایق نسب عرض

ازجدول عرض مشتری برگرفتیم بود ٤ ﻧ خاصه معدله مشتری د کط ن
چون دقایق لب عرض جنوبیت بخاصه معدله میل مشتری ازجدول
میل جنوبی برگرفتیم شد ٠ پس دقایق لب را در میل ضرب کردیم
حاصل شد ٤ لا ٠ واین میل معدل مشتریست در طرف جنوب

استخراج عرض مریخ مرکز معدل مریخ د ٤ ر بازاء مرکز
معدل مریخ دقایق لب عرض ازجدول عرض مریخ برگرفتیم شد نه ه
خاصه معدله ٠ یه چون دقایق لب عرض جنوبی بود بازاء خاصه معدله
مریخ میل او ازجدول میل جنوبی برداشتیم بود ٠ کط پس دقایق لب را
در میل مریخ ضرب کردیم حاصل شد ٠ د ط واین عرض معدل مریخ باشد در سمت
جنوب **استخراج عرض زهره [illegible]** مرکز معدل زهره چنانکه
سابق استخراج کردیم بود ٠ ا ٦ بازاء مرکز معدل زهره عرض اول ازجدول

عرض

عرض زهره برگرفتیم بود ا ٠ ا بازبازاء مرکز معدل لب ثانی وثالث
برداشتیم بود لب ثانی نو لب ثالث ه چون مرکز معدل در برج
جوزا واقع است لب ثانی وثالث هردو شمالی باشد خاصه معدله زهره
چنانکه سابق استخراج کردیم بود مکط بازاء خاصه معدله میل وانحراف
زهره ازجدول برداشتیم بود میل حر انحراف ٠ ه چون خاصه معدله
در برج اسد واقع شده میل زهره جنوبی باشد وانحراف شمالی پس دقایق
لب دوم را در میل ضرب نمودیم حاصل شد عرض دوم زهره ٠ نا ا
چون لب ثانی ومیل در جهت مختلف جا شد عرض دوم زهره جنوبی باشد
پس دقایق لب عرض سیوم در انحراف ضرب کردیم عرض سیوم زهره
حاصل شد ا ط د چون لب ثالث وانحراف هردو در یکجهت بودند عرض
سیوم زهره شمالی باشد پس چون عرض اول وعرض سیوم زهره در یکجهت

بودند جمع کردیم شد ا ما ه این را از عرض دوم زهره نقصان کردیم
باقی ماند عرض معدل زهره ا مه ز و چون عرض دوم زهره جنوبی میباشد عرض
معدل زهره نیز جنوبی خواهد بود **استخراج عرض عطارد**
مرکز معدل عطارد چنانکه سابق استخراج کردیم ط یح بازاء مرکز
معدل عرض اول از جدول عرض عطارد برداشتیم بود ء ل ء بازاء
مرکز معدل دقایق ب ثانی و ثالث عطارد برداشتیم بود ب ثانی نه
ب ثالث کا چون مرکز معدل در برج جدی واقع است دقایق ب
ثانی و ثالث هر دو شمالی باشد و خاصه معدله عطارد چنانکه سابق عمل نمودیم
بود ا که ء بازاء خاصه معدله میل و انحراف عطارد از جدول برداشتیم
بود میل ا مه انحراف ما چون خاصه معدله عطارد در برج حوت واقع
شده میل و انحراف هر دو شمالی باشد پس دقایق ب عرض ثانی را در میل

ضرب

ضرب کردیم حاصل شد عرض ثانی عطارد ا له ل چون دقایق ب
ثانی و میل عطارد هر دو شمالی است عرض دوم عطارد شمالی باشد
باز دقایق ب سیوم عطارد را در انحراف ضرب کردیم عرض ثالث
عطارد حاصل شد ء ه ل چون دقایق ب ثالث و انحراف عطارد
هر دو شمالی است عرض سیوم عطارد نیز شمالی باشد پس چون عرض
دوم و سیوم عطارد در جهت باهم موافق بود جمع کردیم شد ا لا ء
چون عرض اول عطارد در جهت مخالف عرض دوم و سیوم بود و از آن
کمتر بود عرض اول عطارد را از مجموع عرض دوم و سیوم نقصان کردیم
باقی ماند عرض معدل عطارد ا ل ء چون عرض ثانی و ثالث عطارد
شمالی است عرض معدل عطارد نیز شمالی باشد **استخراج نطاقات**
کواکب سبعه سیاره آفتاب و دیگر کواکب را در فلک اوج چهار

نطاق بود مبدا نطاق اول اوج باشد و مبدا نطاق سیوم حضیض
و اما مبدا نطاق دوم و چهارم بحسب سیر آنجا بود که سیر نه سریع باشد
و نه بطی و بحسب بعد آنجا بود که بعد آفتاب با مرکز تدویر از مرکز عالم
و مرکز خارج مرکز متساوی بود و غیر آفتاب را از سیارات در فلک تدویر
هم چهار نطاق بود مبدا اول و سیوم ذروه و حضیض مرئی بود و مبدا
دوم و چهارم بحسب سیر آنجا بود که سیر بحسب مرکز تنها بود و بحسب بعد آنجا بود
که بعد کوکب و مرکز تدویر از مرکز عالم متساوی باشد و این هر دو باختلاف
بعد مرکز تدویر از مرکز عالم مختلف شود و چون در احکام نطاقات بحسب
مسافت معتبر است ما نطاقات کواکب را در این زایچه ممونه بحسب مسافت
استخراج میکنیم **استخراج نطاق اوجی آفتاب** مرکز مطلق آفتاب
چنانکه سابق استخراج کردیم بود ا ه ح ز پس در جدول نطاقات کواکب

نظر کردیم

نظر کردیم مبدا نطاق دوم اوجی آفتاب بود ٠ ط ن ا پس چون مرکز مطلق
آفتاب از مبدا نطاق اول آفتاب گذشته و بمبدا نطاق دوم نرسیده آفتاب
آفتاب در نطاق اول اوجی باشد **استخراج نطاق اوجی و بعدی قمر**
مرکز مطلق قمر چنانکه قبل استخراج کردیم بود د کا ن ه در جدول نطاقات
مبدا نطاق دوم اوجی قمر بود ٠ ط نط تمام آن تا دور بگرفتیم شد د ل ا
و این مبدا نطاق چهارم اوجی قمر باشد پس چون مرکز مطلق قمر از مبدا نطاق
سیوم اوجی گذشته و بمبدا نطاق چهارم نرسیده قمر در نطاق سیوم
اوجی باشد و خاصه معدله قمر چنانکه سابق استخراج کردیم بود یا ا ل
و در جدول نطاقات مبدا نطاق دوم تدویری قمر در بعد ابعد بود د ی ط
تعدیل چنانکه در جدول ثبت است ا ط بازاء مرکز قمر دقایق الحصص
قمر از جدول دقایق الحصص موضوع بعد از اختلاف برگرفتیم بود ح ا

این را در تعدیل ضرب کردیم حاصل شد ا ا به ط حاصل ضرب را بر مبدا
نطاق دوم تدویری در بعد ابعد افزودیم مبدا نطاق دوم تدویری در بعد
مطلوب حاصل آمد د مو مط این را از دور اسقاط کردیم مبدا نطاق
چهارم تدویری قمر باقی ماند د کو بو ما پس چون خاصهٔ معدله قمر از مبدا نطاق
چهارم گذشته و مبدا نطاق اول نرسیده است قمر در نطاق چهارم تدویری
باشد صاعد و مستعلی **استخراج نطاق اوجی و تدویری**
زحل بعد چنین و الاحرت مرکز معدل زحل چنانکه سابق استخراج کردیم
بود ؛ ط ن در جدول نطاقات کواکب نظر کردیم مبدا نطاق دوم اوجی زحل
بود ٠ ط ر پس چون مرکز معدل زحل از مبدا نطاق اول گذشته و مبدا
نطاق دوم نرسیده است زحل در نطاق اول اوجی باشد و خاصهٔ معدله
زحل چنانکه قبل عمل کرده ایم ٥ ل و و مبدا نطاق دوم تدویری زحل را

در بعد

در بعد ابعد از جدول برگرفتیم بود د د ه ا تعدیل زحل ا ه ا بازا مرکز
معدل زحل و دقایق الحصص زحل از جدول موضوع قبل از اختلاف برداشتیم
بود ا کد این را در تعدیل ضرب کردیم حاصل شد ا ا لا کو این را
بر مبدا نطاق دوم تدویری زحل در بعد ابعد افزودیم مبدا نطاق دوم تدویری
زحل در بعد مطلوب حاصل آمد د د لد کد حاصل را از دور نقصان کردیم
مبدا نطاق چهارم تدویری زحل باقی ماند ٤ کو لا ا چون خاصهٔ معدله از مبدا
نطاق سیوم گذشته و مبدا نطاق چهارم نرسیده است زحل در نطاق
سیوم تدویری باشد **استخراج نطاق اوجی و تدویری مشتری**
مرکز معدل مشتری چنانکه قبل استخراج کردیم بود د کو د در جدول نطاقات
کواکب مبدا نطاق دوم اوجی مشتری بود ٠ ط ر چون مرکز معدل
مشتری از مبدا نطاق دوم اوجی گذشته و مبدا نطاق سیوم نرسیده است

مشتری در نطاق دوم اوجی باشد و خاصه معدله مشتری چنانکه سابق
استخراج کردیم بود د کط نه مبدا نطاق دوم تدویری مشتری را
در بعد ابعد از جدول برگرفتیم بود ه ه ح ا تعدیل مشتری
ا له ا بازاء مرکز معدل مشتری دقایق الحصص از جدول دقایق
الحصص موضوع قبل از اختلاف برداشتیم بود م ك پس تعدیل را
در دقایق الحصص ضرب کردیم حاصل شد ا کا کط له این را
بر مبدا نطاق دوم مشتری در بعد ابعد افزودیم مبدا نطاق دوم
تدویری مشتری در بعد مطلوب حاصل آمد د کو نه ل تمامش با دور
برگرفتیم شد ك د د ح واین مبدا نطاق چهارم تدویری مشتری
باشد چون خاصه معدله مشتری از مبدا نطاق سیوم تدویری گذشته
و مبدا نطاق چهارم نرسیده است مشتری در نطاق سیوم تدویر باشد

صاعد و منخفض **استخراج نطاقات اوجی و تدویری مریخ**
حریحن وکالوت مرکز معدل مریخ چنانکه سابق استخراج کردیم
بود د ک کد درجدول نطاقات کواکب مبدا نطاق دوم اوجی
مریخ بود ه ی ا ل تمام آن تا دور برگرفتیم شد ط ن کد واین
مبدا نطاق چهارم اوجی مریخ باشد پس چون مرکز معدل مریخ از مبدا
نطاق سیوم گذشته و مبدا نطاق چهارم نرسیده است مریخ در نطاق
سیوم اوجی باشد و خاصه معدله مریخ چنانکه قبل استخراج کرده ایم
هست ه له درجدول نطاقات نظر کردیم مبدا نطاق دویم
تدویری مریخ در بعد ابعد بود د ر ح ا تعدیل چنانکه در جدول زیج مرقوم است
ر ح ا بازاء مرکز معدل دقایق الحصص مریخ از جدول دقایق الحصص
موضوع قبل از اختلاف برداشتیم شد نز لو این را در تعدیل ضرب کردیم

وحاصل ضرب را که هست د . کو بر مبدا نطاق دوم تدویری مریخ
در بعد ابعد افزودیم مبدا نطاق دوم تدویری مریخ در بعد مطلوب
حاصل شد د کا لط چون خاصه معدله مریخ از مبدا نطاق دوم تدویری
گذشته و بمبدا نطاق سیوم نرسیده است مریخ در نطاق دوم تدویری
باشد **استخراج نطاق اوجی و تدویری زهره حین ولادت**
مرکز معدل زهره چنانکه قبل عمل کرده ایم . ا ه مبدا نطاق دوم
اوجی زهره چنانکه در جدول نطاقات ثبت است . کط ا ه چون
مرکز معدل زهره از مبدا نطاق اول گذشته و بمبدا نطاق دوم نرسیده است
زهره در نطاق اول اوجی باشد و خاصه معدله زهره چنانکه سابق استخراج
کرده ایم . کا ط در جدول نطاقات مبدا نطاق دوم تدویری زهره
در بعد ابعد بود د یو ه ا تعدیل زهره ط ل بازاء مرکز معدل زهره

دقایق الحصص از جدول دقایق الحصص موضوع قبل از اختلاف برداشتیم
شد ط ح تعدیل را در دقایق الحصص زهره ضرب کردیم حاصل شد
ا ط ک ل حاصل ضرب را بر مبدا نطاق دوم تدویری در بعد ابعد افزودیم
حاصل آمد . ک ا ل و این مبدا نطاق دوم تدویری زهره است در بعد
مطلوب پس چون خاصه معدله زهره از مبدا نطاق دوم تدویری گذشته
و بمبدا نطاق سیوم نرسیده است زهره در نطاق دوم تدویری باشد
استخراج نطاق اوجی و تدویری عطارد حین ولادت
مرکز معدل عطارد چنانکه سابق استخراج کردیم بود ط ه ح در جدول
نطاقات مبدا نطاق دوم اوجی عطارد بود . ه د ی تمامش را دور
بگرفتیم شد ط ه ن ی و این مبدا نطاق چهارم اوجی عطارد باشد پس
چون مرکز معدل عطارد از مبدا نطاق سیوم اوجی گذشته و بمبدا

و مبدا نطاق چهارم نرسیده است عطارد در نطاق سیوم اوجی باشد
و خاصه معدله عطارد چنانکه قبل استخراج کردیم بود ما کہ ٤
در جدول نطاقات کواکب مبدا نطاق دوم تدویری عطارد
در بعد ابعد بود ح ط مہ تعدیل ٠ ل ٤ بازاء مرکز معدل عطارد
دقایق الحصص از جدول دقایق الحصص موضوع قبل از اختلاف
برداشتیم بود له این را در تعدیل ضرب کردیم و حاصل ضرب را
که هست ا کد مہ بر مبدا نطاق دوم تدویری در بعد ابعد افزودیم
مبدا نطاق دوم تدویری در بعد مطلوب حاصل شد ح ل م مہ
این را از دور نقصان کردیم مبدا نطاق چهارم تدویری عطارد
باقی ماند ک ط م چون خاصه معدله عطارد از مبدا نطاق چهارم
تدویری گذشته و مبدا نطاق اول نرسیده است عطارد در نطاق

چهارم

چهارم تدویری باشد صاعد و مستعلی **استخراج مقامات**
کواکب متحیره چهار ذکر زمان و کلات با سعادت مبارک
مقامات کواکب خمسه متحیره مواضعی باشد از فلک تدویر که کوکب را
آنجا مبدا رجوع و مبدا استقامت باشد و آن موضع که کوکب بدانجا
رسد و راجع شود مقام اول گویند و آن موضع که کوکب بآنجا رسد
و مستقیم گردد و مقام ثانی خوانند و آن دو نقطه باشد بر فلک تدویر
و اگر خطی از مرکز عالم خارج شود که بر منتصف فلک تدویر گذرد و فلک
تدویر را دو قسم کند کوکب که بر این فلک حرکت کند در نصفی که حرکت او
بر توالی باشد کوکب مستقیم بود و در نصف دیگر که حرکت بر خلاف توالی
نماید کوکب راجع باشد **استخراج مقام زحل چنین نوالد**
مرکز مطلق زحل چنانکه سابق عمل کردیم بود ٤ ه کا ن وخاصه معدله

بود د یج هفت درجه بر مرکز غیر معدل زحل افزودیم حاصل شد
ا کد کا نو بازاء این مقام اول زحل از جدول مقامات کواکب
برداشتیم بود و کد یه این را از دور نقصان کردیم باقی ماند
مقام ثانی زحل یو د یج چون خاصه معدله زحل از مقام اول
گذشته و بمقام ثانی نرسیده است زحل در حین ولادت راجع باشد
استخراج مقام مشتری حین الولاده مرکز غیر معدل مشتری
چنانکه سابق استخراج کرده‌ایم د لا نو یه خاصه معدله د کط ند
شش درجه بر مرکز مطلق مشتری افزودیم حاصل شد مرکز حقیقی مشتری
د ا نو یه پس بازاء مرکز حقیقی مقام اول مشتری از جدول مقامات
برگرفتیم بود د ه ط تمام آن تا دور برگرفتیم شد مقام ثانی مشتری
د نه ا چون خاصه معدله از مقام دوم گذشته و بمقام اول نرسیده است

مشتری در حین ولادت مستقیم باشد **استخراج مقام مریخ**
مرکز غیر معدل مریخ د . ن ا خاصه معدله ه یه دوازده
درجه بر مرکز غیر معدل مریخ افزودیم مرکز حقیقی مریخ حاصل شد د یه نز ا
بازاء مرکز حقیقی مریخ از جدول مقامات کواکب مقام اول مریخ
برداشتیم بود ه ط کو این را از دور نقصان کردیم باقی ماند
د م لد و این مقام ثانی مریخ باشد پس چون خاصه معدله مریخ
در مقام ثانی گذشته و بمقام اول نرسیده است مریخ در زمان ولادت
باسعادت مستقیم باشد **استخراج مقام زهره در حین ولادت**
مرکز مطلق زهره . ا ط نو خاصه معدله د کد ط دو درجه بر مرکز
غیر معدل زهره افزودیم مرکز حقیقی زهره حاصل شد . د ط نو بازاء
مرکز حقیقی زهره از جدول مقامات کواکب مقام اول زهره برگرفتیم بود

٠ يد ما این را از دور نقصان کردیم مقام ثانی زهره باقی ماند
د و یه چون خاصه معدله زهره از مقام دوم گذشته و بمقام
اول نرسیده است زهره در حین ولادت مستقیم باشد **استخراج**
مقام عطارد هنگام ولادت مرکز غیر معدل عطارد چنانکه سابق
استخراج کردیم بود ط ر د ح خاصه معدله عطارد ما له د
چهار درجه بر مرکز غیر معدل عطارد افزودیم مرکز حقیقی عطارد حاصل
شد ما کا د ح باز از مرکز حقیقی عطارد مقام اول برداشتیم بود
د که د تمام آن تا دور بگرفتیم شد د له ن و این مقام ثانی
عطارد باشد پس چون خاصه معدله عطارد از مقام دوم گذشته و بمقام
اول نرسیده است عطارد در حین ولادت باسعادت مستقیم باشد
استخراج طالع سقوط نطفه مبارکه تقویم شمس

بنصف النهار

بنصف النهار مقدم بر زمان سقوط نطفه ع و ر مطالعش بفلک
مستقیم محسوب من اول الجدی شما ز و تقویم قمر بوقت ولادت
٠ کط م مطالع بلدی قمر ولادی سه و ٠ مطالع بالقیه تقویم
شمس را از مطالع قمر بوقت ولادت نقصان کردیم وار ماضی
از نصف النهار مقدم تا وقت سقوط نطفه باقی ماند ذ م ط این را بر مطالع
تقویم آفتاب بنصف النهار مقدم بر مسقط افزودیم مطالع طالع
سقوط نطفه حاصل شد سه و ٠ این را در جدول مطالع البروج
عرض بلد ولادت معکوس کردیم شد طالع سقوط نطفه مبارکه
٠ کط م ع باز همین مطالع طالع را در جدول مطالع البروج
بفلک مستقیم محسوب من اول الجدی معکوس کردیم بیرون آمد
عاشر ما ح ع ـ **استخراج [illegible] بقول مشهور**

مطالع طالع بعرض بلد ولادت سه و ۰ مطالع طالع بفلک
مستقیم محسوب من اول الجدی نقصان کردیم شد تفاوت بینهما
قو نه کط این نصف قوس النهار درجه طالع است ثلثش
بگرفتیم بود ل ٤ ل این را بر مطالع بلدی طالع افزودیم
شد مطالع حادی عشر قو ا ل باز ثلث مذکور را بر مطالع
حادی عشر افزودیم شد مطالع ثانی عشر قلام ۰ پس شصت درجه
بر مطالع ثانی عشر افزودیم شد مطالع ثلث ثانی ند ام ۰ باز صد و
بیست درجه بر مطالع حادی عشر افزودیم شد مطالع بیت ثالث
ند ه ما لد این مطالعات را در جدول مطالع البروج بفلک
مستقیم محسوب من اول الجدی معکوس کردیم بیرون آمد مرکز
حادی عشر ٤ یه ه مرکز ثانی عشر ا ۷ ا مرکز بیت ثانی د ط نط

فقط؛ مطالع طالع را بعرض بلد ولادت از مطالع طالع بفلک مستقیم محسوب من اول الجدی

مرکز

مرکز بیت ثالث ۰ ما ا و خانهای دیگر نظایر این خانهای معلوم است

استخراج تقاویم کواکب در وقت سقوط نطفه

ساعات ماضی از نصف النهار مقدم تا وقت سقوط نطفه مبارکه
چنانکه سابق استخراج کردیم بوده ۰ ا ذ پس باین ساعات
تقاویم کواکب استخراج کنیم بعون الله وحسن توفیقه استخراج
تقویم آفتاب در هنگام سقوط نطفه مبارکه
تقویم آفتاب بنصف النهار مقدم ٤ ب ۷ تقویم آفتاب
بنصف النهار موخر ٤ یه ۸ بهت آفتاب ۱۱ ساعات بعد الماضی
۰ له این را در بهت شمس ضرب کردیم حاصل شد ۰ لط ا
حاصل ضرب را بر بیست و چهار قسمت کردیم حصه حرکت شمس از
از نصف النهار مقدم تا وقت سقوط نطفه خارج شد یه ط ٤

این را بر تقویم آفتاب بنصف النهار مقدم افزودیم تقویمش بوقت
سقوط نطفه حاصل آمد ح ه لو **استخراج تقویم قمر**
تقویم قمر بنصف النهار مقدم ح ط ل تقویم قمر بنصف النهار
موخر ط ی ط بهت قمر یه ط ساعات بعد ماضی ه ل ا
بهت قمر را در ساعات بعد ضرب کردیم حاصل شد ا کا ق
حاصل ضرب را بر عدد ساعات شبانه روزی که بیست و چهار است
قسمت کردیم حصه حرکت ماه در نصف النهار مقدم تا وقت سقوط
نطفه خارج شد د کو این را بر تقویم قمر بنصف النهار مقدم افزودیم
تقویم قمر بوقت سقوط نطفه حاصل شد ح کب نو
استخراج تقویم زحل تقویم زحل بنصف النهار
مقدم ح کط ه تقویم زحل بنصف النهار موخر ح کط نه

بهت زحل

بهت زحل د دقیقه ساعات بعد ماضی ه ل این را در بهت
زحل ضرب کردیم حاصل شد ا ک ک حاصل ضرب را بر کد
قسمت کردیم خارج شد ا ل این را بر تقویم زحل بنصف
النهار مقدم افزودیم تقویم زحل در زمان سقوط نطفه حاصل
شد ح کط ط **استخراج تقویم مشتری**
تقویم مشتری بنصف النهار مقدم ط ی لا تقویم مشتری بنصف
النهار موخر ط ی ه بهت مشتری یه ساعات بعد ماضی
ه ل بهت مشتری را در ساعات بعد ماضی ضرب کردیم
حاصل شد ا ی نو حاصل ضرب را بر بیست و چهار قسمت کردیم
خارج شد د یه این را بر تقویم مشتری بنصف النهار
مقدم افزودیم تقویم مشتری بوقت سقوط نطفه حاصل شد ط ی له

استخراج تقویم مریخ حین سقوط نطفهٔ میمون

تقویم مریخ بنصف النهار مقدم د د کو تقویم مریخ بنصف
النهار موخر د ح ه بهت مریخ لط ساعات بعد ماضی ه له
بهت مریخ را در ساعات بعد ماضی ضرب کردیم حاصل شد د لد
حاصل ضرب را بر عدد ساعات شبانه روزی قسمت کردیم
حصهٔ حرکت مریخ از نصف النهار مقدم تا زمان سقوط نطفه خارج
شد ل ح این را بر تقویم مریخ بنصف النهار مقدم افزودیم
تقویم مریخ بوقت سقوط نطفه حاصل شد د د له استخراج
تقویم زهره بوقت سقوط تقویم زهره بنصف النهار مقدم
ح د ٤ تقویم زهره بنصف النهار موخر ح د ه بهت
زهره ه ساعات بعد ماضی ه له بهت زهره را در ساعات

بعد ضرب کردیم حاصل شد ا ۸ ا حاصل ضرب را بر کد قسمت
کردیم خارج شد ح کط خارج قسمت را بر تقویم زهره بنصف النهار
مقدم افزودیم تقویم زهره بوقت سقوط نطفه حاصل شد ٤ د ح
استخراج تقویم عطارد تقویم عطارد بنصف النهار
مقدم د ته ه تقویم عطارد بنصف النهار موخر د که ٤
بهت عطارد ا ته ا ساعات بعد ماضی ه له بهت عطارد را
در ساعات بعد ضرب کردیم حاصل شد د نا ن حاصل ضرب را
بر عدد ساعات شبانروزی قسمت کردیم حصهٔ بهت عطارد
از نصف النهار مقدم تا زمان سقوط نطفه خارج شد ر د
این را بر تقویم عطارد بنصف النهار مقدم افزودیم تقویم عطارد
بوقت سقوط نطفه حاصل شد د ته کا استخراج موضع

زوال حین سقوط تقویم راس بنصف النهار مقدم ٤ د لط
تقویم راس بنصف النهار موخر ٤ د کو حرکت راس د ٤
ساعات بعد ماضی ه لـ این را در مقدار حرکت راس
ضرب کردیم و حاصل ضرب را که بهت نو مد بر لـ قسمت
کردیم خارج شد مد ثانیه این را از موضع راس بنصف النهار
مقدم نقصان کردیم موضع راس بوقت سقوط نطفه حاصل شد
٤ د ه و موضع ذنب نظیر موضع راس باشد **استخراج**
طالع استقبال مقدم بر ولادت باسعادت مبارک
تقویم شمس بنصف النهار مقدم ٠ ط نو تقویم شمس بنصف النهار
موخر ٠ ح مد تقویم قمر بنصف النهار مقدم ٠ له نب
تقویم قمر بنصف النهار موخر ما ٤ ما بهت شمس ٤ ٠ ٤

بهت

بهت قمر ٠ ط بهت شمس را از بهت قمر نقصان
نمودیم باقی ماند بهت معدل ٠ کا پس در نصف النهار مقدم
تقویم قمر از تقویم شمس اسقاط کردیم باقی ماند بعد ماضی د مح
و در نصف النهار موخر تقویم شمس از تقویم قمر نقصان نمودیم
باقی ماند بعد مستقبل لـ نـ بازاء بهت معدل و بعد ماضی
از جدول مزاحات ساعات بعد برداشتیم بود د د ساعات
نصف النهار مقدم د ن ساعات بعد را بر نصف النهار
افزودیم حاصل شد ساعات وقت استقبال ٠ د گذشته
از روز سه شنبه سیزدهم هلالی شهر رمضان المبارک سنه ١١٩٢
ناقصه هجریه پس این ساعات را در پانزده ضرب کردیم دایر از وقت
طلوع آفتاب حاصل شد د نو ٤ این را نگاه داشتیم و ساعات

بعد ماضی را در بهت آفتاب ضرب کردیم حاصل شد د ر ه
حاصل را بر بیست وچهار قسمت کردیم حصه بهت شمس از نصف
النهار مقدم تا زمان استقبال حاصل شد ل ح این را
بر تقویم شمس نصف النهار مقدم افزودیم تقویم آفتاب بوقت
استقبال حاصل شد ۰ ط ح و این جزو استقبال مقدم است
چون استقبال نهاریست پس مطالع بلدی جزو آفتاب بوقت
استقبال گرفتیم شد قکر ط ل این را با آنچه نگاه داشته
بودیم یعنی دایر ماضی از اول روز استقبال جمع کردیم حاصل شد
شکـ ط ا و این مطالع طالع وقت استقبال است
مطالع مذکور را در جدول مطالع البروج بعرض بلد ولادت
معکوس کردیم شد طالع استقبال ـ ا لط ه باز همان مطالع طالع را

درجدول

درجدول مطالع البروج بفلک مستقیم محسوب من اول الجدی
معکوس کردیم بیرون آمد عاشر وقت استقبال مقدم د ک ه که

استخراج تسویة البیوت بطریق مشهور بین الجمهور

مطالع طالع بعرض بلد ولادت شکـ ل ل مطالع طالع
بفلک مستقیم محسوب من اول الجدی لم ه ا مطالع بلدی طالع را
از مطالع آن بفلک مستقیم نقصان کردیم باقی ماند نصف قوس
النهار درجه طالع ع عر ۹ این را بر سه قسمت کردیم خارج
سدس قوس النهار ۹ کد ل این را بر مطالع بلدی طالع افزودیم
شد مطالع حادی عشر شمر ا ه باز سدس قوس النهار را بر مطالع
حادی عشر افزودیم شد مطالع ثانی عشر ـ ط ه پس سدس دور
بر مطالع ثانی عشر افزودیم شد مطالع ثالث ثانی ع ط ه باز ثلث

دو ر بر مطالع حادی عشر افزودیم شد مطالع بیت ثالث ق ا ن

پس این مطالعات را در جدول مطالع البروج بفلک مستقیم محسوب

من اول الجدی معکوس کردیم شد مرکز حادی عشر ح ح مرکز ثانی

عشر ط ط مرکز بیت ثانی ما ح مرکز بیت ثالث ح ا

و مراکز خانهای مجهول نظایر خانهای معلوم است استخراج

تقاویم خمسه متحیره و عقدتین قمر حین استقبال مقدم

ساعات تعدیل نصف النهار مقدم تا زمان استقبال چنانکه قبل استخراج

کردیم بود د د بحسب این ساعات تقاویم کواکب استخراج

میکنیم استخراج تقویم زحل حین استقبال تقویم زحل

بنصف النهار مقدم ط د ۶ تقویم زحل بنصف النهار موخر ط د ۷

بهت زحل سه دقیقه ساعات بعد ماضی د د ساعات بعد را

در بهت زحل ضرب کردیم و حاصل ضرب را که هست ح ا

بر بیست و چهار قسمت کردیم خارج شد ه چون زحل راجع بود

خارج قسمت را از تقویم زحل بنصف النهار مقدم نقصان کردیم

تقویم زحل بوقت استقبال مقدم باقی ماند ط ه که ط

استخراج تقویم مشتری. تقویم مشتری بنصف النهار مقدم

ط ۷ ط تقویم مشتری بنصف النهار موخر ط ۷ ۴ بهت مشتری

ه دقیقه ساعات بعد ماضی د د بهت مشتری را در بعد ماضی

ضرب کردیم حاصل شد ۷ ه حاصل ضرب را بر بیست و چهار قسمت

کردیم خارج شد ا ا چون مشتری راجع میباشد خارج قسمت را

از تقویم مشتری بنصف النهار مقدم نقصان کردیم تقویم مشتری در حین

استقبال مقدم بر ولادت باقی ماند ط ۷ ح ۴

استخراج تقویم مریخ حین استقبال تقویم مریخ بنصف
النهار مقدم ی د ما تقویم مریخ بنصف النهار موخر یا و له
بهت مریخ به دقیقه ساعات بعد ماضی د د این را در بهت
مریخ ضرب کردیم حاصل شد ا که ل حاصل ضرب را بر کد
قسمت کردیم حصه حرکت مریخ از نصف النهار مقدم تا وقت
استقبال خارج شد د لو خارج قسمت را بر تقویم مریخ
بنصف النهار مقدم افزودیم تقویم مریخ بوقت استقبال
حاصل آمد ی د ه **استخراج تقویم زهره** تقویم زهره
بنصف النهار مقدم د ه م تقویم زهره بنصف النهار موخر د ه ل
بهت زهره ا نا ساعات بعد ماضی د د بهت زهره را
در ساعات بعد ماضی ضرب کردیم حاصل شد ه نه ی حاصل ضرب را

بر بیست و چهار قسمت کردیم خارج شد به و خارج قسمت را
بر تقویم زهره بنصف النهار مقدم افزودیم تقویم زهره بوقت
استقبال حاصل شد د نه و **استخراج تقویم عطارد**
تقویم عطارد بنصف النهار مقدم د ح ل تقویم عطارد بنصف
النهار موخر د نه ط بهت عطارد ۰ ر ساعات بعد ماضی
د د این را در بهت عطارد ضرب کردیم حاصل شد ی ز نط
حاصل ضرب را بر کد قسمت کردیم حصه حرکت عطارد از نصف
النهار مقدم تا زمان استقبال خارج شد له نه خارج قسمت را
بر تقویم عطارد بنصف النهار مقدم افزودیم تقویم عطارد بوقت
استقبال مقدم حاصل شد د به و نه **استخراج موضع
راس و ذنب** تقویم راس بنصف النهار مقدم ا ط ه تقویم

راس نصف النهار موخر ما ح یـ   بهت راس ح   ساعات
بعد ماضی د ل   بهت را در بعد ضرب کردیم و حاصل ضرب را
که هست ـه ما   بر بیست و چهار قسمت کردیم خارج شد ح
ثانیه این را از تقویم راس نصف النهار مقدم نقصان کردیم
تقویم راس بوقت استقبال مقدم باقی ماند ما ح یو ز
و موضع ذنب نظیر موضع راس باشد **استخراج قران**
علویین مقدم بر دلالت بسعادت تقویم زحل نصف
النهار مقدم ـه یو لو   تقویم زحل نصف النهار موخر ـه یو ما
تقویم مشتری نصف النهار مقدم ـه یو لا   تقویم مشتری
نصف النهار موخر ـه یو ز   بهت زحل پنج دقیقه بهت
مشتری ده دقیقه چون هر دو کوکب مستقیم بودند بهت

اقل را

اقل را از اکثر نقصان کردیم باقی ماند بهت معدل د ه
دقیقه پس در نصف النهار مقدم تقویم مشتری را از تقویم زحل
اسقاط کردیم باقی ماند ا ح   و این بعد ماضی است پس باز
بهت معدل و بعد ماضی ساعات برداشتیم بود یو یو
و ساعات نصف النهار مقدم بود ه لو   چون ساعات
بعد ماضی زیاده از ساعات نصف النهار بود ساعات
نصف النهار را از ساعات بعد نقصان کردیم باقی ماند
ـه ـه   دقیقه گذشته از شب پنجشنبه نهم شهر ذیقعدة الحرام
سنه یکهزار و یکصد و نود و شش ناقصه هجریه و این وقت
قران علویین است **استخراج طالع قران علویین**
مقدم بر دلالت ساعات وقت قران را که بود

ك ك دراجزا يكساعت حقيقى شبانروز قران كه هست
ه ٠ ه ضرب كرديم حاصل شد ٠ مه يطع برج را
بدرجات مجانس ساخته شد دايركذشته از اول شب قران
قلـ يطع پس تقويم شمس بوقت غروب استخراج
كرديم بود د ﺭ و هـ مطالع نظير جزو شمس بعرض قبه
الارض كرفتيم شد نه لـ ه اين را باداير جمع نموديم
مطالع طالع حاصل شد قر نه ا مطالع طالع را درجدول
مطالع البروج بعرض قبه الارض يعنى لـ معكوس كرديم
طالع وقت قران خارج شد ٠ ه ا بازهمان مطالع
طالع را درجدول مطالع البروج بفلك مستقيم من اول
الجدى معكوس كرديم بيرون آمد عاشر ٠ ك د د

استخراج

استخراج تسوية البيوت بطريق مشهور بين الجمهور

مطالع طالع بعرض قبه الارض قر نه ا مطالع بفلك
مستقيم محسوب از اول جدى نه ه ك ٠ تفاوت بين
المطالعين بكرفتيم شد صو نه ٧ اين را بر سه قسمت كرديم
خارج شد لـ ك ه خارج قسمت را بر مطالع طالع بعرض
قبه الارض افزوديم شد مطالع حادى عشر قف ما د
بازهمان ثلث را بر مطالع حادى عشر افزوديم شد مطالع
ثانى عشر نه مه كط ه پس دو ربع بر مطالع ثانى عشر افزوديم
شد مطالع بيت ثانى نه عـ كط ٧ باز ثلث دور
بر مطالع حادى عشر افزوديم شد مطالع بيت ثالث شز ما د
پس اين مطالعات را در جدول مطالع البروج بفلك مستقيم

محسوب من اول الجدی مقوس کردیم برون آمد مرکز حادی عشر
د ید یا مرکز ثانی عشر ه ا ر یه مرکز بیت ثانی
د و ه مرکز بیت ثالث د ه یا و خانهای دیگر نظایر
این خانهای معلوم است استخراج تقاویم کواکب
حرکت قران علویین مقدم [illegible] باسعادات
ساعات اتصال را که بهت لب لب با ساعات نصف النهار
مقدم که بهت ه ل جمع کردیم شد یه یز این را از بیست و
چهار که ساعات تمام شبانه روز است نقصان کردیم باقی ماند
ساعات مستقبل ط ل پس باین ساعات تقاویم کواکب
استخراج کنیم استخراج تقویم آفتاب بوقت قران
تقویم شمس بنصف النهار مقدم د ح ا و بنصف النهار موخر

د ح نط بهت شمس نط دقیقه بعد مستقبل ط ل
بهت شمس را در ساعات بعد مستقبل ضرب کردیم حاصل شد
ط کو یز این را بر کد قسمت کردیم خارج شد ح ل
ثانیه خارج قسمت را از تقویم شمس بنصف النهار موخر نقصان
کردیم باقی ماند د ح ل یز استخراج تقویم قمر
تقویم قمر بنصف النهار مقدم ب کو ل تقویم قمر بنصف النهار
موخر یا ط یه بهت قمر یج لب این را در ساعات بعد
ضرب کردیم و حاصل را که بهت ه د یه لب بر بیست و چهار
قسمت کردیم خارج شد ه یه ب خارج قسمت را از تقویم قمر
بنصف النهار موخر نقصان کردیم تقویم قمر بوقت مطلوب باقی ماند
یا د لب استخراج تقویم زحل تقویم زحل

بنصف النهار مقدم لب یز ل و بنصف النهار موخر
لب یز یا بهت زحل ا ه دقیقه این را در ساعات بعد
ضرب کردیم حاصل شد لب حاصل ضرب را بر بیست و چهار
قسمت کردیم حصه حرکت شمس از وقت مطلوب تا نصف
النهار موخر خارج شد ه ا خارج قسمت را از تقویم زحل
بنصف النهار موخر اسقاط کردیم تقویم زحل بوقت مطلوب
باقی ماند ب یز لط ا و تقویم مشتری بعینه تقویم زحل است
استخراج تقویم مریخ بوقت قران تقویم مریخ بنصف
النهار مقدم د ه ب تقویم مریخ بنصف النهار موخر
د ه بهت مریخ ا لب این را در ساعات بعد
ضرب کردیم حاصل شد د یه ع حاصل ضرب را بر کد قسمت کردیم

خارج شد یه ب ثانیه این را از تقویم مریخ بنصف النهار موخر
کاستیم تقویم مریخ بوقت مطلوب باقی ماند د ه ل لب
استخراج تقویم زهره تقویم زهره بنصف النهار
مقدم د و ح تقویم زهره بنصف النهار موخر د ب لا
بهتش گرفتیم بود ا یه ساعات بعد مستقبل ط ل
بهت زهره را در ساعات بعد ضرب کردیم حاصل شد د ب لع
حاصل ضرب را بر بیست و چهار قسمت کردیم حصه بهت زهره
از حین اتصال تا نصف النهار موخر خارج شد لا ا ثانیه
این را از تقویم زهره بنصف النهار موخر نقصان کردیم تقویم زهره
بوقت قران باقی ماند د ب لع ا استخراج تقویم عطارد
تقویم عطارد بنصف النهار مقدم د یه لا تقویم عطارد بنصف

النهار موخر د ه ع بهت عطارد ٤ ه این را در ساعات
بعد ضرب کردیم حاصل شد د ٤ ٤ حاصل ضرب را بر ٧ قسمت
کردیم و خارج قسمت را که بهت د ل از تقویم عطارد بنصف
النهار موخر نقصان کردیم تقویم عطارد بوقت مطلوب باقی ماند د ه ١ ا
استخراج موضع راس قمر تقویم راس بنصف
النهار مقدم ٤ د ع تقویم راس بنصف النهار موخر ٤ د ه
بهتش باشد ه دقیقه بهت راس را در ساعات بعد ضرب کردیم
حاصل شد ٤ ه ع این را بر بیست و چهار قسمت کردیم و خارج
قسمت را که بهت ا ب ثانیه بر تقویم راس بنصف النهار موخر
افزودیم تقویمش بوقت قران حاصل شد ٤ د د - استخراج
زمان تحویل سال قران علویین مقدم بر بلاحات

تقویم

تقویم شمس بنصف النهار مقدم ما کط ع و بنصف النهار موخر
ن ٤ ع بهتش بگرفتیم بود ٤ ١ بعد ماضی حاصل کردیم شد ٤ ٤ ب
بعد مستقبل ٤ ٤ ع پس هر یک از بعد ماضی و مستقبل را در بیست و
چهار ضرب کردیم شد حاصل ضرب بعد ماضی ٤ ب ع حاصل ضرب
بعد مستقبل ٤ ط ب پس هر یک ازین دو حاصل ضرب را بر بهت
شمس قسمت کردیم خارج شد ساعات بعد ماضی ب ع ساعات
بعد مستقبل ٤ ط ب پس چون اقرب بعدین بعد ماضی است و ساعات
آن کمتر از ساعات نصف النهار است ساعات بعد ماضی را با ساعات
نصف النهار که بهت د ٤ ١ جمع کردیم حاصل شد ب ع ٤ و این
ساعات تحویل است گذشته از روز چهارشنبه پنجم شهر ربیع الثانی
سنه ١١٩٢ ناقصه هجریه و باین ساعات طالع تحویل استخراج میکنیم

و این مطالع بیت ثالث باشد پس این مطالعات را
در جدول مطالع البروج بفلک مستقیم محسوب من اول
الجدی معکوس کردیم حاصل شد مرکز حادی عشر د س ع
مرکز ثانی عشر ه ب ه مرکز بیت ثانی د ه ٤ مرکز
بیت ثالث د ه ٤ استخراج تقاویم کواکب و عقدتین
قمر در وقت تحویل سال قران علویین مقدم بر
ساعات بعد ماضی چنانکه سابق استخراج کردیم بود ب ع
پس بحسب ساعات تقاویم کواکب استخراج کنیم و تقویم شمس
معلوم است که در اول نقطهٔ حمل است و احتیاج باستخراج
نیست استخراج تقویم قمر تحویل تقویم قمر بنصف
النهار مقدم ٠ ط د تقویم قمر بنصف النهار موخر ٠ کا ل

بهت قمر

بهت قمر ب ل ساعات بعد ماضی ٠ ع بهت قمر را
در ساعات بعد ضرب کردیم حاصل شد ١ ٤ ٤ این را بر ٧
قسمت کردیم خارج شد ٠ ل دقیقه خارج قسمت را بر تقویم
قمر بنصف النهار مقدم افزودیم تقویم قمر بوقت تحویل
سال حاصل آمد ٠ ما ل استخراج تقویم زحل
تقویم زحل بنصف النهار مقدم ع کا ب تقویم زحل بنصف
النهار موخر ع کا ه بهت زحل بگرفتیم بود ٤ ٠ دقیقه
ساعات بعد ماضی ب ع این را در بهت زحل ضرب کردیم
و حاصل را که بهت ٤ ط ل بر بیست و چهار قسمت کردیم خارج
شد ٤ ٧ ثانیه این را بر تقویم زحل بنصف النهار مقدم افزودیم
تقویم زحل بوقت مطلوب حاصل شد ع کا ب ٧

استخراج طالع تحویل سال قران علویین مقدم بر
ولادت نبی بساعات ساعات تحویل را که بود ـ ٤ ٤
در اجزای یکساعت حقیقی روز تحویل که هست ه . ه ضرب کردیم
حاصل شد . ه ه ك مرفوع درجات را هر یکی شصت گرفتیم شد
دایر از وقت طلوع آفتاب قس ٧ ٤ پس تقویم آفتاب
بوقت طلوع استخراج کردیم بود ما یط ل ه مطالع تقویم آفتاب
بوقت طلوع بگرفتیم شد شنط ما ر ه این را با دایر وقت
تحویل جمع کردیم و چون از دور زیاده شد دور را ازو اسقاط کردیم
باقی ماند مطالع طلوع قس ه لو این را در جدول مطالع
البروج بعرض قبة الارض معکوس کردیم طالع حاصل شد ه ه و ز
باز همین مطالع طالع را در جدول مطالع البروج بفلک مستقیم محسوب

من اول الجدی معکوس کردیم شد عاشر ه کط ما استخراج
تسویة البیوت بطریق مشهور بین الجمهور المتاخرین
مطالع طالع بعرض قبة الارض بود قس ه لو مطالع طالع
بفلک مستقیم حاصل کردیم شد ذ نو ا ل مطالع طالع را
بعرض قبة الارض ازان اسقاط کردیم باقی ماند صه نه نه
این را بر ج قسمت کردیم خارج شد لا ٤ ـا این را بر مطالع
طالع بعرض قبة الارض افزودیم شد قصو ٧ ه و این مطالع
حادی عشر باشد پس همان ثلث را بر مطالع حادی عشر افزودیم
شد مطالع ثانی عشر ذ ٧ ه نه پس سدس دور بر مطالع ثانی
عشر افزودیم شد ذ نه ه نب و این مطالع بیت ثانی باشد
پس ثلث دور بر مطالع حادی عشر افزودیم شد شو ٧ ٩

استخراج تقویم مشتری بوقت تحویل سال قران

تقویم مشتری بنصف النهار قبل ح ه د تقویم مشتری
بنصف النهار بعد ح ه ه بهت مشتری بگرفتیم بود ه دقیقه
این را در ساعات بعد ضرب کردیم و حاصل ضرب را
که بهت ا ک ا بر ک قسمت کردیم خارج شد یکدقیقه
خارج قسمت را بر تقویم مشتری بنصف النهار مقدم افزودیم
تقویم مشتری بوقت تحویل حاصل آمد ح ه ح **استخراج
تقویم مریخ بوقت تحویل سال** تقویم مریخ بنصف النهار
مقدم ا مه و و بنصف النهار مؤخر ا کا ر بهتش
باشد لط دقیقه ساعات بعد ماضی مه ح بهت مریخ را
در ساعات بعد ضرب کردیم حاصل شد و د ب

حاصل

حاصل ضرب را بر تمام ساعات شبانروزی قسمت کردیم
خارج شد د ح ثانیه این را بر تقویم مریخ بنصف النهار
قبل افزودیم تقویم مریخ بوقت مطلوب حاصل شد ا مه ح
استخراج تقویم زهره بوقت تحویل تقویم زهره بنصف
النهار مقدم ء ا ح تقویم زهره بنصف النهار مؤخر ء ا د
بهت زهره ل دقیقه ساعات بعد ماضی مه ح بهت
زهره را در ساعات بعد ماضی ضرب کردیم حاصل شد . ل ل
این را بر بیست و چهار قسمت کردیم و خارج قسمت را که بهت
د ک چون زهره راجع است از تقویم روز قبل نقصان کردیم
تقویم زهره بوقت تحویل حاصل شد ء ا ل **استخراج
تقویم عطارد** تقویم عطارد بنصف النهار مقدم ا ح ه

تقویم عطارد بنصف النهار مؤخر ا ک ه بهت عطارد ء ا
دقیقه ساعات بعد ماضی مه ح بهت عطارد را در ساعات
بعد ماضی ضرب کردیم حاصل شد ء مه ح این را بر بیست و چهار
که عدد تمام ساعات شبانروزی است قسمت کردیم خارج شد
ب چون عطارد راجع است خارج قسمت را از تقویم عطارد
بنصف النهار مقدم نقصان کردیم تقویم عطارد بوقت تحویل
سال باقی ماند ا ح . **استخراج موضع رأس قمر**
تقویم رأس بنصف النهار مقدم ء ر و تقویم رأس بنصف
النهار مؤخر ء ر ب بهت رأس ه دقیقه ساعات بعد ماضی
مه ح این را در بهت رأس ضرب کردیم و حاصل را که بهت
ء ر ه بر بیست و چهار قسمت کردیم خارج شد ح ثانیه

خارج

خارج قسمت را از تقویم رأس بنصف النهار مقدم کاستیم
تقویم رأس بوقت مطلوب باقی ماند ء ر ه ب

ذکر کیفیت هیلاج و کدخدا و عطیه کدخدا و تعدیل آن و دریافت زیادت و نقصان نواقص

چون از تحقیق درجه طالع و نمودارات و مواضع کواکب در زمان
ولادت و زمان سقوط نطفه و زمان استقبال مقدم و وقت
قران علویین مقدم و زمان تحویل سال قران و سایر اعمال
حسابی که دلایل کیفیت عمر مولود است فارغ گشتیم خواستیم که شروع
در دانستن کمیت عمر صاحب طالع مبارک نمائیم و نزد ارباب
بصیرت ظاهر است که شناختن کمیت عمرها در نزد خدای تعالی
جلت حکمته و از جمله اسرار غیبی است و کسی را بر آن اطلاعی نیست

لکن چون حق سبحانه و تعالی مسبب الاسباب است و هر شیئی را
سبب شیئی دیگر گردانیده و هیچ چیز بی سبب و واسطه
سمت هستی نیابد و جرام که در عالم کون و فساد بامر باری تعالی
جل قدرته بظهور آید هر آینه آن امر را از فاعلی و قابلی گزیر نباشد
بناء علیه حکماء ما تقدم مثل هرمس و والیس و بطلمیوس و ذوروتیوس
و دیگر حکما در کمیت عمرها دو دلیل بدست آورده اند یکی را فاعل
عطیه عمر دانند و آنرا هیلاج خوانند و دیگری را قابل شناسند
و آنرا کدخدا نامند و گفته اند که در صورت هر طالع مولودی
که هیلاج و کدخدا باشد دلیلست بر عمر مولود و اگر هیلاج
و کدخدایش از دو باشد دلیل بود بر درازی عمر و سلامتی حواس
واعضا و حسن تالیف چنانکه بطلمیوس فرموده است که كثرة

البهالح

الهیالج فی المولد یدل علی طول العمر و طیب عیشه
و اگر هیلاج و کدخدا قوی حال و مسعود باشد دلیل بود بر کمال
عقل و کیاست و فطنت و بلاغت و اکثر عمر در سعادت و سلامت
و نعمت و صحت گذرانیدن چنانکه کوشیار حکیم فرموده است که
كثرة الهيلاجات و قوتها و نظر بعضها الى بعض يدل
على صحة المولود و ذكائه و فطنته و جودة
ذهنه و طيب نفسه و يقظته فى معرفة الاشياء
و گفته اند که هیلاج که بمثابت روح است و کدخدا بمثابت بدن
و اگر هیلاجی بود که او را کدخدا نباشد هیچ تاثیر ندارد چنانکه بدن را
بی روح هیچ اثر نباشد و نصاب هیالیج پنج است اول شمس
که ینبوع قوه حیوانیت دوم قمر که ینبوع قوه طبیعی است

سوم جزو اجتماع یا استقبال مقدم چهارم سهم السعاده
پنجم درجهٔ طالع است و طریق استخراج هیلاج نزد
هرمس و بطلمیوس چنانست که در طالعهای روزی نخست بشمس نکرند
اگر در طالع یا در عاشر یا در حادی عشر یا در هفتم یا در نهم باشد
هیلاج بود و اگر در این خانها نباشد پس بقمر نکرند اگر
در یکی از پنج خانه مذکور باشد یا در سوم و چهارم و پنجم هیلاج
بود و اگر نه در طالعهای اجتماعی نخست بجزو اجتماع مقدم نکرند
پس بسهم سعادت و در طالعهای استقبالی نخست بسهم سعادت
پس بجزو استقبال مقدم اگر در وتد باشد یا مایل الوتد هیلاج بود
و اگر نیز نباشد آنگاه هیلاج درجه طالع بود بشرطی که از جرم نحوس
خالی باشد و اما در طالعهای شبی قمر را بجای شمس دارند و شمس را

بجای قمر

بجای قمر و همان شرط و ترتیب نگاه دارند و آغاز هر خانه
از پنج درجه پیش از مرکز گرویت و اگر نه ممکن نباشد که شمس بروز
در طالع و بشب در سابع بود دیگر بر این طریق و طریق استخراج
کدخدا چنانست که بنگری از هفت مزاعم که درجهٔ هیلاج را
تا مستولی بر درجهٔ هیلاج کیست باتصال نظر یا اتصال طبع
آن کدخدا باشد و اتصال نظر ببرج جایز است و اگر بدرجه
باشد اولی تر و اتصال طبع جز بدرجه نبود و اگر هیلاج
در بیت خود باشد کدخدا هم او بود چنانکه شمس اگر هیلاج
باشد چون در اسد بود کدخدا هم او باشد و اگر هیلاج
در شرف خود باشد و خداوند بیت ساقط بود کدخدا نیز او باشد
چنانکه اگر قمر در ثور هیلاج بود و زهره ساقط باشد

کدخدا ہم او بود واکر کدخدا راجع یا محترق باشد کدخدائی را
نشاید واکر ہیلاج را کدخدا نباشد ہیلاجی را نشاید
و ہر کوکبی را در کدخدائی عمر سه عطیه است کبری و وسطی و صغری
و چون کدخدا منحوس نباشد خاصه برجعت و تحت الشعاع
و بر درجه وتدی بود خاصه درجه طالع و درجهٔ عاشر عطیه کبری
دهند واکر بر درجه مایل وتد باشد خاصه درجه یازدهم عطیه وسطی
دهد واکر بر درجه زایل وتد افتد خاصه درجه نہم عطیه صغری
دهد واکر مابین وتد و مایل وتد یا زایل وتد یا مابین مایل وتد و زایل
وتد بود عطیتی دهد مابین العطیتین و چون یکی از سعدین با عطارد مسعود
بکدخدا متصل باشد از قران یا تسدیس یا تثلیث در عطیه آن کدخدا
زیاده کند و نظر تثلیث و تسدیس نیرین نیز ہمین حال دارد

دیکر

و مجاسده با راس ہم مزید است واکر یکی از نحسین
یا نیرین یا عطارد منحوس از قران و تربیع و مقابله بکدخدا
متصل باشد از عطیه آن کدخدا نقصان کند و مجاسده با ذنب
ہم منقص است واکر آن سعد یا نحس در درجه وتدی
بود عطیه صغری خود زیاده یا نقصان کند واکر در درجهٔ
مایل وتدی بود ثلثین عطیه صغری خود زیاده یا نقصان کند
واکر در درجه زایل وتدی بود ثلث عطیه صغری خود زیاده
یا نقصان نماید واکر در مابین درجه وتد و مایل وتد یا مابین
درجه مایل وتد و زایل وتد بود قدر زیادت و نقصان
بحسب موضع او بود و عقده راس و ذنب ربع
عطیه کوکب زیاده و نقصان کند والله تعالی اعلم و احکم

مثال استخراج هیلاج و کدخدا از این طالع مساحت مطالع و عطیه کدخدا و زیادت زاید

چون طالع نهاریست نخست نظر بشمس نمودیم چون نزدیک
درجه نهم و در برج اسد واقع است خود شایسته
هیلاجی و کدخدائی هردو باشد بعد ازان نظر بقمر
کردیم چون در وتد هفتم است هیلاجیت را شایسته
باشد و کدخدا بر موضع او طلب نمودیم عطارد را یافتیم
در اول سنبله در بیت نهم بقوی ذاتی و عرضی آراسته
پس شایسته کدخدائی باشد و چون طالع استقبالی است
پس ازان نظر بجزو سهم السعاده نمودیم چون در زایل
الوتد اتفاق افتاده شایسته هیلاجیت نباشد پس نظر

بجزو استقبال مقدم نمودیم چون در مایل وتد واقع است
هیلاج باشد و کدخدا بر موضع او آفتاب بعد ازان نظر
بدرجه طالع نمودیم چون از جرم نحوس خالی است
شایسته هیلاجیت باشد و کدخدا بر درجه طالع آفتاب
پس در این طالع مبارک چهار هیلاج و چهار کدخدا
موجود است و چون ما هیلاجات و کدخداآت را
معلوم کردیم عطایای هریک از کدخداآت و زیادت
زواید و نقصان نواقص را نیز استخراج میکنیم
انشاء الله تعالی **استخراج عطیه آفتاب**
تقویم آفتاب د کط ه در مابین مایل وتد و زایل
وتد عطیتی د بد مابین عطیه وسطی و صغری پس بعد

کدخدا از مایل الوتد گرفته‌ایم بود ا ٠ ٩ عطیه
وسطی آفتاب سط ل عطیه صغری آفتاب
مط ٤ تفاوت مابین عطیه وسطی و صغری آفتاب
ه لـ این را در بعد آفتاب از مایل الوتد ضرب
کردیم حاصل شد نه ٠ ٠ ل درجه مایل الوتد ٠ ٢ ط ٤
درجه زایل الوتد ٠ ٠ ٠ ل تفاوت مابین مایل الوتد
و زایل الوتد ا د ٣ ٨ حاصل ضرب را بر تفاوت
مابین مایل وتد و زایل وتد قسمت کردیم خارج شد
تعدیل ٢ ٤ ٠ واین چهل و هفت سال و پنجاه
و هجده روز و چهار ساعت و چهل و هشت دقیقه است
واین را از عطیه وسطی آفتاب نقصان کردیم

باقی ماند عطیه معدله آفتاب کہ ا ٨ واین پت و
دو سال شمسی و یازده روز و نوزده ساعت و دوازده
دقیقه است استخراج زیادت قمر چون قمر
از وتد هفتم بنظر تسدیس با آفتاب ناظر است بر عطیه آفتاب
زیاده کند تقویم قمر ٠ کط م در مابین وتد مایل وتد بعد قمر
از وتد ـ ٢ ثلث عطیه صغری قمر ٤ ح
بعد قمر را از وتد در ثلث عطیه صغری وی ضرب کردیم حاصل شد
ا که ام مرکز وتد ٠ یط ٨ مرکز مایل وتد د ٧ ح
درجه وتد را از مایل الوتد نقصان کردیم تفاوت مابین
المرکزین باقی ماند ا د ن حاصل ضرب را بر مابین المرکزین
قسمت کردیم خارج شد تعدیل ٠ ٩ د این را از عطیه

صغری قمر که هست که د نقصان کردیم باقی ماند که ل د
این را بر عطیه معدله آفتاب افزودیم حاصل شد ب ل نا
و این چهل و چهار سال شمسی و شش ماه و بیست و نه
روز و دو ساعت و بیست و چهار دقیقه است

استخراج زیادت عطارد چون عطارد
در برج سنبله در بیت و شرف خود مقارن آفتاب میباشد
بر عطیه او زیاده کند تقویم عطارد ه ا ز در مابین
مایل وتد و زایل وتد بعد عطارد از مایل وتد بگرفتیم بود
ل ل ا ثلث عطیه صغری عطارد د م د بعد
عطارد را در ثلث عطیه صغری او ضرب کردیم حاصل شد ه ـ ع
مرکز مایل وتد د ۹ مرکز زایل وتد ه .. د تفاوت

بین

بین المرکزین ل ج ا حاصل ضرب را بر ما بین المرکزین
قسمت کردیم خارج شد تعدیل د ل ر این را از دو
ثلث عطیه صغری عطارد که هست ب م ا نقصان
کردیم باقی ماند د ا ب و این حصه زیادت عطارد است
آنرا بر عطیه معدله آفتاب بعد از زیادت قمر افزودیم
عطیه آفتاب بعد از زیادت زواید حاصل شد نا د ل
و این پنجاه و یک سال شمسی و سه ماه و نه روز و نه ساعت و
سی و شش دقیقه است و چون در عطیه آفتاب کوکب نقصان
کننده مفقود است سالهای مرقوم عطیه مصححه آفتاب باشد

استخراج عطیه عطارد کدخدای تقویم عطارد
ه ا ز در مابین مایل وتد و زایل وتد عطیتی د بد

مابین عطیه وسطی وصغری پس بعد که خدا از مایل الوتد بگرفتیم شد ل
عطیه وسطی عطارد ح ۶ عطیه صغری عطارد مر ۶
تفاوت مابین عطیه صغری و وسطی عطارد ه ا ۶
این را در بعد عطارد از مایل الوتد ضرب کردیم حاصل شد
ب ا ۷ درجه مایل وتد د ۷ مر درجه زایل وتد ه ۰ د
تفاوت مابین المرکزین ل ۶ حاصل ضرب را بر تفاوت
مابین مایل وزایل قسمت کردیم خارج شد تعدیل ۶ ند ل
این را از عطیه وسطی عطارد نقصان کردیم باقی ماند عطیه معدل
عطارد مر د ب و این بیست سال شمسی و یک ماه و چهارده
روز و دوازده ساعت و بیست دقیقه است و چون قمر از وتد
هفتم بنظر دوستی ناظر است بر عطیه عطارد و زیاده کند و قدر

زیادت

زیادت قمر را چنانکه در عطیه آفتاب استخراج کردیم بود
ک ل ن ۶ این را بر عطیه معدل عطارد افزودیم
عطیه عطارد بعد از زیادت قمر حاصل شد ه م ح
و این چهل و دو سال شمسی و هشت ماه و یک روز و
نوزده ساعت و دوازده دقیقه است استخراج
نقصان آفتاب در زمان با عطارد در حین ولادت
تقویم شمس د کط ه ۶ در میان مایل وتد و زایل وتد
بعد آفتاب از مایل وتد ل ۶ ۶ این را در ثلث
عطیه صغری آفتاب که هست د مر ۶ ضرب کردیم
حاصل شد د ۶ ا ۶ مرکز مایل وتد د ۷ مر
مرکز زایل وتد ه ۰ د تفاوت میان هما ل ۶ ۶

حاصل ضرب را بر تفاوت ما بین المرکزین قسمت
کردیم خارج شده ه نه ط ٤ این را از ثلثین
عطیهٔ صغری آفتاب که هست ب م ٤
نقصان کردیم باقی ماند حصه نقصان آفتاب د ب ه
این را از عطیهٔ عطارد بعد از زیادت قسم
نقصان کردیم باقی ماند عطیهٔ معدله عطارد
بعد از زیادت زواید و نقصان
نواقص له نه ط ٤ و این سی و پنج سال
شمسی و یازده ماه و چهارده روز و نوزده
ساعت و دوازده دقیقه است این را
با عطیهٔ آفتاب بعد از زیادت زواید

جمع نمودیم حاصل شد فز ید . ٤ ٤
و این هشتاد و هفت سال شمسی و دو ماه و
بیست و چهار روز و چهار ساعت و
چهل و هشت دقیقه است که عمر
طبیعی صاحب طالع مبارک است
اگر تیسیر دلایل بقاطعی نرسد
انشاء الله تعالی بعمر طبیعی
خواهند رسید و الله تعالی
عالم بحقایق الامور و عنده
مفاتح الغیب لا یعلمها
الا هو

ولادت کثیر السعادت جناب سلطنت جلالت و نبالت ماب سابق الالقاب
دیر بو در جمعه بیست و یکم شهر رمضان المبارک سنه سبع و تسعین الا الف بعد
نصف النهار ساعت بیست و شش دقیقه بنجاه و شش ثانیه از طلوع آفتاب کدسته وقوع یافمشدر
و زایجه طالع مبارک و مراکز بیوت و مواضع کواکب و سهام نجومی بو کونه رسم یافته



سقوط نطفه مبارکه حضرت مرحوم الغ عوق مرتبت جنت حسین ساعت عطا
کیاست سابق الذکر در سه شنبه اوایل محرم الحرام سنه سبع و تسعین
بعد الف تحقیقا یکساعت بیست و شش دقیقه و بنجاه ثانیه از شب کذشته وقوع یافته
و زایجه طالع سقوط نطفه مبارک و مراکز بیوت و مواضع کواکب و سهام نجومی بو کونه رسم یافته



زایچهٔ طالع سال قران علویین مقدم زندگانی
با خیر و سعادت میمون مبارک



زایچهٔ طالع قران علویین مقدم مرتب
ولادت با خیر و سعادت مبارک



زایجهٔ طالع فیروزی مطالع سال مقدم
بر ولادت میمونه مبارکه و مواضع کواکب



زایجهٔ طالع استقبال مقدم بر ولادت
با خیر و سعادت مبارک و مواضع کواکب



جدول طوالع اثني عشر وارباط الامراكب الدالة على ضعفهم المستوفي بحسب الحكماء

البيوت	المراكز						الكواكب
طالع الولادة	ح ط ر ل	ب	ر	د	ر	ر ا	عطارد شمس
بيت الثاني	ا ط ه ط سا	ا	ح	ا	ر	ه ر ح	مشتري
بيت الثالث	ا . . لي	ب	ه	ه	ا	ه ح ر	مشتري زحل
بيت الرابع	ا ر ذ ك ا	ح	ر	د	ر	ر ا	مشتري
بيت الخامس	ا ر ه ح ه	ه	ر	ه	د	ه ر ح	عطارد شمس
بيت السادس	ا ح ط ر ن	ه	ر	ح	ا	ه ر ح	زحل
بيت السابع	. ط ر ل	د	رر	ح	ح	ا د ر	عطارد مريخ
بيت الثامن	د ط ط سا	ر	ب	ب	ر	ه ح ر	مشتري
بيت التاسع	ه . . لي	د	د	د	ر	ه ر ح	عطارد
بيت العاشر	د ر ذ ك ا	ه	ا	د	ا	ا د ر	زهرة
بيت الحادي عشر	ر ر ح ه ه	ح	ط	ح	ب	ه ح ر	قمر
بيت الثاني عشر	ر ح ط ر ن	ح	ط	ا	ه	ه ح ر	زحل

بقية جدول مراكز الاوتاد وارباب الطوالع والبيوت الاثني عشر حظوظ المستوفي على حسب موضعهم من الحكماء

البيوت	المراكز						
طالع الولادة	ح ط ر ل	ح	د	د	د	ر	حظيمه
بيت الثاني	ا ط ط سا	د	ب	ر	د	ه	خالصه
بيت الثالث	ا . . لي	ب	ه	ر	ب	ح	فيمه
بيت الرابع	ا ر ذ ك ا	ر	ب	ر	د	د	قسمه
بيت الخامس	ا ر ه ح ه	ه	ر	ا	د	ر	شريكه
بيت السادس	ا ح ط ر ن	ا	ه	د	ر	ح	خاليه
بيت السابع	. ط ر ل	ه	ح	ب	ح	ا	شيره
بيت الثامن	د ط ط سا	ب	د	ا	ه	ح	مشكره
بيت التاسع	ه . . لي	د	ب	ا	د	د	قيمه
بيت العاشر	د ر ذ ك ا	ا	ه	ا	ا	ب	مضيه
بيت الحادي عشر	ر ر ح ه ه	ح	ح	ر	ر	ا	مضيه
بيت الثاني عشر	ر ح ط ر ن	ر	ا	ب	ب	ه	قسمه

وضع جدول ذكر الكواكب السيارة وقت قدرة الكواكب على الصعود
جدول الكواكب السبعة لولا المبارك المستوى

الكواكب	المواضع	ابراج الشرف	ابراج البيوت	ابراج الهبوط	ابراج الوبال	ابراج المثلثات	المستولي
زحل	ط ر ه	ل	ح	ـ	ـ	ه ب ح	زحل
المشتري	ط ٧ ء	ل	ح	ل	سه	ه ب ح	مريخ زحل
المريخ	ء ر ل	ح	سه	ء	سه	سه ـ ل	مريخ
الشمس	ء ط ر	سه	ط	ح	ح	سه ـ ل	شمس
الزهرة	د ٧ ر	ه	ل	ـ	ل	ل ء ـ	زهرة
عطارد	ه ا خ	ء	ء	ء	سه	ه ب ح	عطارد
القمر	٠ ط م	ء	ىلا	ل	سه	ل ء ـ	عطارد
الرأس	ا ط و	ـ	ه	ح	ـ	ر ح ه	مشتري
الذنب	ه ط و	ء	ء	ـ	ه	ه ب ح	عطارد مريخ
طالع الاستقبال	ـ ا م	ل	ط	ء	ه	ل ء ـ	زهرة
طالع الاستقبال	ء ط ٧	سه	ط	ء	ـ	سه ـ ل	شمس
طالع المقدم	ر ٦ ر	ح	ط	ل	ه	ر ه ح	مريخ

وضع جدول ذكر الكواكب السبعة والمسلط على الكواكب
جدول الكواكب السبعة في قدرة في المستولي موضع

الكواكب	المواضع	الشرفات	الحدود	النعمات	الطفرات	الازمنة	دلالة السعد والنحس
زحل	ط ر ه	ل	سه	ـ	ـ	ح	نيرة
المشتري	ط ٧ ء	ء	ـ	سه	ء	ه	خالية
المريخ	ء ر ل	سه	ـ	سه	ء	ه	نيرة
الشمس	ء ط ر	ح	ح	ـ	ح	ر	نيرة
الزهرة	د ٧ ر	ل	ه	ل	ل	ـ	مضيئة
عطارد	ه ا خ	ء	ـ	ل	ء	ء	قيمة
القمر	٠ ط م	ل	ـ	ء	ه	ه	قيمة
الرأس	ا ط و	ر	سه	ـ	ء	ه	سترة
الذنب	ه ط و	ل	ل	ء	ح	ح	مظلمة
طالع الاستقبال	ـ ا م	ل	ل	ه	ل	ل	مظلمة
طالع الاستقبال	ء ط ٧	ـ	سه	ء	ل	ـ	خالية
طالع المقدم	ر ٦ ر	ء	سه	ء	سه	ء	خالية

جدول في ذكر مواضع السهام الخمسة عشر وأرباب حظوظها والمستولي عليها

السهام	العوامل	أرباب البيوت	أرباب الشرف	أرباب الحدود	أرباب العقود	أرباب المثلثة	المستولي
سهم الغيب	ـ ط ل	ل	ط	ـ	د	ل د ـ	خالی
سهم السعادة	د ط ر	ه	ل	ـ	ل	ل د ـ	زهره
سهم علم الغوث	د ا ط	د	ل	ل	ر	ل د ـ	زهره
سهم النصر والظفر	د ٨ ز	ح	ط	ـ	ه	ر ح ه	مشتری
سهم الشجاعة والحرب	. ک ه	ه	اهر	ح	مر	ل د ـ	مریخ
سهم المحبة والألفة	ا ط ل	ح	مر	ه	مر	ل ـ مر	مریخ
سهم الحيلة	ه ط ط	مر	ط	ه	ـ	ل ـ مر	شمس
سهم الفكر والحيوة	ح ٠ ط	ـ	ر	ـ	ه	ل ـ مر	عطارد
سهم الفكر واللذة	ه ٠ ٠	مر	ط	ل	ـ	ل ـ مر	شمس
سهم الظلم والعقل	ه ه ر	مر	ط	ـ	ل	ل ـ مر	شمس
سهم الثبات والبقاء	ا ط ل	ح	مر	ه	مر	ل ـ مر	مریخ
سهم العمل	ـ ا ل	ل	ط	ه	ه	ل د ـ	زهره

جدول في ذكر مواضع السهام الخمسة عشر في الطالع المبارك وأرباب الحظوظ والمستولي عليها

السهام	العوامل	الدرجات	أرباب المثلثة	النسبة	الطبائع	الحظوظ	الأحوال
سهم الغيب	ـ ط ل	ه	ر	ـ	ه	ه	[illegible]
سهم السعادة	د ط ر	ل	ه	ـ	ـ	ه	قتمه
سهم علم الغوث	د ٤ ط	ه	ه	ه	ه	ه	نيره
سهم النصر والظفر	ر ٨ ز	ر	ل	ل	ل	مر	مضيئه
سهم الشجاعة والحرب	. ک ه	ل	ـ	ح	مر	ل	نيره
سهم المحبة والألفة	ا ط ل	مر	ـ	ه	ر	ح	نيره
سهم الحيلة	ه ط ط	ـ	مر	ه	ل	ـ	خالیه
سهم الحيوة	ح ر ط	ـ	ر	ح	ـ	ل	نيره
سهم الفكر واللذة	ه ٠ ٠	ـ	مر	ر	ر	ل	مظلمه
سهم الظلم والعقل	ه ه ر	مر	ه	ه	مر	ه	نيره
سهم الثبات والبقاء	ا ط ل	مر	ـ	ه	ح	ر	نيره
سهم العمل	ـ ا ل	ل	ل	ه	ل	ل	مظلمه

وضع جدول مواضع السهام الضرورية وخطوط مواضعها والمستولى عليها بقية

السهام	المواضع	ارباب البيوت	ارباب الاشراف	ارباب الحدود	ارباب الوجوه	ارباب المثلثات	المستولى
سهم موت الاخوة	ب . كط	ا	ط	ه	ه	ا ب ا	زهره
سهم الاب	٤ ٩ ك	ح	مه	ل	ه	مه ب ا	مريخ
سهم موت الاب	ط ٥ ٩	ل	ح	ه	ب	ح ب ه	زحل
سهم الاجداد	٤ ٩ ك	ح	مه	ل	ه	مه ب ل	مريخ
سهم العقار والكرم	ا ا ل	ه	ب	ه	ب	ح ب ه	عطارد
سهم العقار والحرث	. ا ٤	ه	ام	ب	ح	ب ا ل	عطارد
سهم الصنعة والشغل	. ا ٤	ه	ام	ب	ح	ب ا ل	عطارد
سهم عواقب الامور	ه ا و	مه	ط	ل	ب	مه ب ل	شمس
سهم الولد	ح و ط	ب	مر	ب	ه	مه ب ل	شمس زهره
سهم وقت الولد وعدده	ه ك ٤	ه	ه	ح	ه	ه ب ح	قمر عطارد
سهم الولد الذكور	و ٤ و	ب	ب	ه	ه	ب ح ه	مشتري زهره
سهم الولد الاناث	٤ و و	ح	مه	ب	ح	مه ب ل	مشتري مريخ

جدول مواضع السهام الضرورية وخطوط السهام على مواضعها والمستولى

السهام	المواضع	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	
سهم موت الاخوة	ب . كط	ل	ل	ه	ل	ب	مظلمه
سهم الاب	٤ ٩ ك	ب	ل	ب	ب	ل	نيره
سهم موت الاب	ط ٥ ل	ل	س	ل	ب	ب	قتمه
سهم الاجداد	٤ ٩ ك	ب	ل	ب	ب	ل	نيره
سهم العقار والكفر	ا ا ل	ه	ه	ح	ب	ه	خاليه
سهم العقار والحرث	. ا ٤	ه	ح	ل	ل	ه	نيره
سهم الصنعة والشغل	. ا ٤	ه	ح	ل	ل	ه	نيره
سهم عواقب الامور	ه ا و	ب	س	ب	ه	ب	مظلمه
سهم الولد	ح و ط	ب	ب	ح	ب	ل	نيره
سهم وقت الولد وعدده	ه ك ٤	ه	ب	ه	ه	ب	نيره
سهم الولد الذكور	و ٤ و	ح	ب	ع	ح	ب	قتمه
سهم الولد الاناث	٤ و و	ح	ح	ه	ح	ه	مظلمه

ولنضع جدول مواضع السهام المذكورة في مثال طالع ضربناه ليتضح ذلك
بعد ان فرضنا مواضع السهام وارباب خطوط السهام المستولي على مواضعهم

اسماء السهام	المواضع	ارباب البيوت	ارباب [illegible]	ارباب الحدود	ارباب [illegible]	ارباب المثلثات	المستولي
سهم المزج شمس قمر	ه كه ل	د	د	ح	د	ه ب ح	قمر عطارد
سهم الزوج للنساء	ب و لا	ا	ط	د	ه	ا د ب	زهرة
سهم الخصومات	٠ كو ذ	د	د	ح	د	ه ب ح	قمر عطارد
سهم الموت	ب ٠ ا	ا	ط	د	ه	ا د ب	زهرة
سهم الارث	ط يه و	ا	ح	ه	ح	ه ب ح	زحل
سهم الخوف	ح ر ا	ب	زب	د	ب	سه ا	عطارد
سهم سفر البر	ح ط ا	ب	زب	د	ب	سه ا	عطارد
سهم سفر الماء	٠ كو ا	د	ار	ا	سه	ا د ب	عطارد شمس
سهم الورع	ب كا ل	ا	ط	ح	ب	ا د ب	خالي
سهم العقل والحلم	ب ب د	ح	ط	ه	ب	ه ح ب	خالي
سهم الشرف	ا ط ب	ه	ب	ب	ب	ه ب ح	مشتري
سهم الملك واخر وهبة	ا ه كو	ح	سه	ا	ه	سه ب ا	مريخ شمس

ولنضع جدول مواضع السهام المذكورة في مثال الطالع المذكور واضعا
بعد ذلك قوة السهام الصالح للطالع وارباب الخطوط المستولي على مواضعها

السهام	المواضع	الناظرين	[illegible]	[illegible]	[illegible]	الاقوى	[illegible]
سهم الزوج للرجال	ه كه ل	ه	ب	سه	ه	ب	نيرة
سهم الزوج للنساء	ب و لا	ا	ا	ع	ا	ب	مظلمة
سهم الخصومات	ه كو ذ	ه	ب	د	ه	ب	نيرة
سهم الموت	ب ٠ ا	ا	ا	ه	ا	ب	مظلمة
سهم الارث	ط يه و	ه	ح	ه	سه	د	مظلمة
سهم الخوف	ح ر ل	ح	د	د	د	د	نيرة
سهم سفر البر	ح ط ا	ح	د	د	د	ب	مظلمة
سهم سفر الماء	٠ كو ا	ا	ب	ه	ه	ح	قتمة
سهم الورع	ب كا ل	ه	د	ح	د	ه	خالية
سهم العقل والحلم	ب ب د	ح	ح	د	سه	ا	مضيئة
سهم الشرف	ا ط ب	د	د	د	ب	ح	نيرة
سهم النصرة والغلبة	ع ه كو	ب	ا	ب	ب	ا	نيرة

جدول مواضع السهام الضرورية في الطالع المبارك وابعادها من الاوتاد وحظوظها والمستولي عليها

السهام	المواضع	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	المستولي عليها
سهم العمل والحاجة	ه ك ل	د	د	ح	د	ه سـ ح	قمر عطارد
سهم الاصدقاء	ـ كا ل	ل	لـ	ح	د	ل د ـ	خالی
سهم المعشوق	. . ح	د	ال	د	ـ	ل د ـ	عطارد
سهم المعشوق آخر بوجه	و ا و	د	ـ	ح	د	ه ح د	مشتری مریخ
سهم الاعداء آخر	. ا ط	سه	لـ	ـ	ل	سه ا	خالی
سهم الاعداء للقدماء	ا ح د	ـ	ه	ح	ح	ه ح د	مشتری
سهم السجن والاسر	و ا ط	ه	ل	ل	د	ل د ـ	زهره زحل
سهم القتال	ا ح د	ـ	ه	ح	ح	ه ح د	مشتری
سهم الدواب	ـ . كط	ل	لـ	د	ه	ل د ـ	زهره
سهم المكر والحيلة	و ا ح	د	ـ	ح	ه	ه ح د	قمر
سهم الهيلاج	د كط كط	ه	ل	ح	ـ	ل د ـ	زهره
سهم المرض	د ط كو	سه	لـ	ل	ـ	سه ا	شمس

بقية جدول مواضع السهام الضرورية في الطالع المبارك واحوالها والمستولي عليها

السهام	المواضع	التسديس	[illegible]	التثليث	[illegible]	[illegible]	المستولي عليها
سهم العمل والحاجة	ه ك ل	ه	د	سه	ه	د	مشتری
سهم الاصدقاء	ـ كا ل	ه	د	ح	د	ه	خالی
سهم المعشوق	. . ح	د	سه	ه	د	د	مشتری
سهم المعشوق آخر بوجه	د ا و	ح	د	ه	ـ	ح	مشتری
سهم الاعداء آخر	ـ ا ط	سه	ه	ح	سه	سه	مشتری
سهم الاعداء للقدماء	ا ح د	ح	ح	ـ	ل	ل	قمر
سهم السجن والاسر	و ا ط	ه	د	ه	ه	ه	مشتری
سهم القتال	ا ح د	ح	ح	ـ	ل	ل	قمر
سهم الدواب	ـ . كط	ل	ل	ه	ل	ل	مظلم
سهم المكر والحيلة	و ا ح	د	ل	د	د	د	قمر
سهم الهيلاج	د كط كط	د	سه	د	سه	د	خالی
سهم المرض	د ط كو	ـ	سه	سه	د	ل	مظلم

بقية جدول مواضع السهام في الطالع المبارك وأربابها وقوتها

السهام	المواضع	ارباب البيوت	ارباب الاشراف	ارباب الحدود	ارباب الوجوه	ارباب المثلثات	المستولي
سهم المال	ط ه ز	ا	ب	د	ب	ه ب ج	زحل
سهم الاخوة	ط ه ر	ا	ح	د	ب	ه ب ج	زحل
سهم عدد الاخوة	ب ا ط	ا	ط	د	ه	ا د ب	زهرة
سهم الامراض الظاهرة	ا ط ر	ب	ه	ح	ح	ه ح ر	مشتري
سهم الامراض اللازمة	د د د	س	ط	ب	ا	س ب ا	شمس
سهم العبيد	د ر ر	ه	ا	ب	ا	ب ا ا	زهرة
سهم الملك والسلطان	ا . ط	ب	ه	ه	ا	ه ح ر	مريخ زحل
سهم الملك بوجه آخر	ح ح ز	ب	د	د	ر	س ب ا	عطارد شمس
سهم الامر	ه ه ا	د	د	د	س	ه ب ح	عطارد
سهم القدائم	ا ز ب	ب	ه	ب	ب	ه ح ر	مشتري
سهم الحكمة والجد	ب د لا	ا	ط	د	ه	ب ا ا	زهرة
سهم الفجور	ب و لا	ا	ط	د	ه	ب ا ا	زهرة

بقية جدول مواضع السهام في الطالع وأربابها والمستولي

السهام	المواضع	الدلائل	[illegible]	النحس	[illegible]	[illegible]	[illegible]
سهم المال	ط ه ز	ا	س	ا	ب	ب	قيمة
سهم الاخوة	ط ه ر	ا	س	ا	ب	ب	قيمة
سهم عدد الاخوة	ب ا ط	ا	ا	ه	ا	ا	مظلمة
سهم الامراض الظاهرة	ا ط ر	ح	ح	ب	ا	ا	قيمة
سهم الامراض اللازمة	د د د	س	ه	ه	س	د	سرو
سهم العبيد	د ر ر	ا	ه	ب	ا	ح	مضيئة
سهم الملك والسلطان	ا . ط	ب	ه	ر	ب	ب	قيمة
سهم الملك بوجه آخر	ح ح ز	ح	د	د	د	ر	نيرة
سهم الامر	ه ه ا	د	ب	ا	د	ه	قتيمة
سهم القدائم	ا ز ب	ر	س	ح	ه	س	قتمة
سهم الحكمة والجد	ب و لا	ا	ا	ع	ا	ب	مظلمة
سهم الفجور	ب و لا	ا	ا	ح	ا	ب	مظلمة

ولنضع جدول مواضع السهام الطرية وكيفية العمل في طالع المبارك وأرباب طرق الحظوظ والمستولي على مواضعهم بقية

السهام	المواضع	أرباب البيوت	أرباب الشرف والأوج	أرباب الحدود	أرباب الوجوه	أرباب المثلثات	المستولي
سهم الرجوع	ـ ه ه	سم	ط	ـ	ا	سـ ـ ا	شمس
سهم الوعد والعهد	ع ح ط	ـ	ں	ـ	ـ	ں ـ ا	شمس زهرة
سهم الحوف	ـ ا و	سم	ط	ا	ـ	سـ ـ ا	شمس
سهم الجبر والاستعمال	و ا ط	ه	ا	ا	ں	ا ـ ا	زهرة زحل
سهم الموتود والذكر	و ں ـ	ه	ا	ـ	ا	ـ ا ا	زهرة
سهم أعمال الطالع	ا ط ل	ع	سم	ـ	سم	سـ ـ ا	مريخ
سهم التزويج للقدماء	ا + ـ	ـ	ه	ـ	ـ	و ع ه	مشتري
سهم حبال العاف	ـ ا ط	ا	ط	ـ	ه	ـ ا ا	زهرة
سهم محنة النساء	ا ح و	ع	سم	ـ	ع	سـ ـ ا	مشتري مريخ
سهم تزويج النساء	و و ں	ه	ا	ـ	ں	ـ ا ا	زهرة زحل
سهم اللقطة	ـ ا ط	ا	ط	ـ	ه	ـ ا ا	زهرة
سهم المولود	و ں ـ	ه	ا	ـ	ا	ـ ا ا	زهرة

ولنضع جدول مواضع السهام الفرعية في ذلك الطالع وأرباب الحظوظ والمستولي على مواضعهم بقية

السهام	المواضع	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	الدرجات النيرة والمظلمة
سهم الاخوة	ـ ه ه	سم	ه	ه	ه	ه	نيرة
سهم الأولاد	ع ح ط	ـ	ں	ع	ـ	ا	نيرة
سهم سند الحوف	ـ ا ط	ـ	سم	ں	ـ	ـ	مظلمة
سهم الحد والرأي	و ع ط	ه	ء	ه	ه	ه	نيرة
سهم الذكر والموتود	و ں ـ	ا	ه	ـ	ـ	ع	مضيئة
سهم أعمال الطالع	ع ط ل	سم	ـ	ء	ں	ع	نيرة
سهم التزويج للقدماء	ا + ـ	ں	سم	ه	ه	سم	قتمة
سهم حبال العاف	ـ ا ط	ا	ا	ه	ا	ا	مظلمة
سهم حصن النساء	ا ح و	ع	ع	ه	ع	ه	مظلمة
سهم تزويج النساء	و و ں	ه	ء	ع	ء	ـ	قتمة
سهم اللقطة	ـ ا ط	ا	ا	ه	ا	ا	مظلمة
سهم المولود	و ں ـ	ا	ه	ـ	ـ	ع	مضيئة

جدول مواضع الكواكب الثابتة في الطول والعرض والجهة والأقدار والأمزجة

الكواكب الثابتة	أجزاء الطول	العرض	جهاتها	أقدارها	أمزجتها
جناح الفرس	ا د ط	ي ـ	شمالي	٠	مريخ عطارد
الملهب	ا ط ا	ح ل	شمالي	ج	مريخ
سرة الفرس	ا ما ه	ك ك	شمالي	٠	مريخ عطارد
منكب برساوس	ا ل ـ	ك ي	شمالي	د	عطارد
آخر النهر	ا ح ل	خ ي	جنوبي	ا	مشتري زهره
منكب ابن سلسلة	ا ح ي	ك ي	شمالي	د	عطارد
صدر قيفاوس	ا ك ـ	سه ي	شمالي	ه	عطارد
جنب المسلسلة	ا ـه ـ	كه ل	شمالي	د	زهره
مقدم السرطان	ا ا ـ	و ل	شمالي	ج	مريخ زحل
مؤخر السرطان	ا ـ ـ	ب ا	شمالي	ج	مريخ زحل
كف الخضيب	ا ـ ع	ه ـ	شمالي	ج	زحل زهره
رأس ذات الكرسي	ا ج ك	ي ي	شمالي	د	زحل زهره

جدول مواضع الكواكب الثابتة في الطول والعرض والجهة والأقدار والأمزجة

الكواكب الثابتة	أجزاء الطول	العرض	جهاتها	أقدارها	أمزجتها
رأس المسلسلة	ا د ل	ه د	شمالي	ج	عطارد
ذات الكرسي	ا ه ك	ه ي	شمالي	ج	زهره
الناطح الحمل	ا ه م	ط ا	شمالي	ج	مريخ زحل
رجل المسلسلة	ا ما ه	ا ل	شمالي	ج	زهره
ركبة ذات الكرسي	ا ه ل	ي ي	شمالي	ج	زحل زهره
قطع الثاني	ا ح و	ب ه	جنوبي	د	مريخ مشتري
قطع الأول	ا كا ب	ي د	جنوبي	د	مريخ مشتري
معصم الثريا	ا كا و	م ي	شمالي	ي	مريخ عطارد
رأس الغول	ا ا ه	ك ي	شمالي	٠	مريخ عطارد
وسط الثريا	ا كو ع	ج ي	شمالي	ه	مريخ
الراعي	ا ه ح	سه ا	شمالي	د	مريخ
عاتق الثريا	ا كط ك	ا ا	شمالي	د	مريخ عطارد

بقية جدول مواضع الكواكب الثابتة في الطول والعرض وجهة العرض والقدر والمزاج

اسم الكواكب الثابتة	الطول	العرض	جهة العرض	القدر	المزاج
رفق الثريا	٠ ٤٠ ه	كط كا	شمالي	٠	مريخ عطارد
منكب الثريا	٠ ٠ ط	ه ط	شمالي	د	
عين الثور	٠ د ك	ه ه	جنوبي	١	مريخ
ذنب الارنب	٠ ه د	لا ل	جنوبي	ه	زحل عطارد
رجل الجوزاء اليسرى	٠ ه ل	ا ط	جنوبي	١٠	زحل مشتري
الكف اليسرى الجوزاء	٠ ٤٠ ا	د ه	جنوبي	٠	مريخ عطارد
مقدم المنطقة	٠ ط لا	ح ن	جنوبي	٠	زحل مشتري
العيوق	٠ ط م	ل ص	شمالي	١	مريخ عطارد
كعب ذي العنان	٠ ع ك	٠ ه	شمالي	٠	مريخ عطارد
رأس الجبار	٠ ح ك	١ ح	جنوبي	٧	مريخ عطارد
وسط المنطقة	٠ كا ه	ل ٧	جنوبي	٠	زحل مشتري
مؤخر المنطقة	٠ ل ا	ك ٧	جنوبي	٠	زحل مشتري

بقية جدول مواضع الكواكب الثابتة في الطول والعرض وجهة العرض والقدر والمزاج

اسم الكواكب الثابتة	الطول	العرض	جهة العرض	القدر	المزاج
رجل اليمنى الجوزاء	٠ ح ل	لا كا	جنوبي	٠	زحل مشتري
الجدي	٠ ك ه	س ك	شمالي	٧	زحل مشتري
منكب الجوزاء	٠ ك ح	و ه	جنوبي	١	زحل مشتري
معصم ذي العنان	٠ ٦ م	٢ ١	شمالي	٧	مريخ عطارد
منكب ذي العنان	٠ ك ط	كا ل	شمالي	٠	مريخ عطارد
زبانا الجنوبي	د ح ل	ه كا	جنوبي	د	مشتري عطارد
شعرى يمانية	د ما و	لا ل	جنوبي	١	مشتري زحل
سهيل	د ا و	عه ٤	جنوبي	١	زحل مشتري
رأس الكلب	د ك ٧	له ه	جنوبي	د	زحل زهرة
شمالي رأس الكلب	د و ك	ك ه	جنوبي	د	زحل زهرة
رأس التوأم المقدم	د ح م	ط ٨	شمالي	٠	عطارد
مرزم الغرس	د ط ل	٢ ٨	جنوبي	٧	عطارد مريخ

بقية جدول وضع الكواكب الثابتة في الطول والعرض والجهة والقدر والمزاج

الكواكب الثابتة	الطول	العرض	الجهة	القدر	المزاج
رأس التوأم المقدم	د و ن	و ا	شمالي	٠	مريخ زحل
شعرى شامية	د ہ ط	د ہ	جنوبي	١	عطارد مريخ
ذنب كلب الأكبر	د ك ك	ه ه	جنوبي	٢	زهرة
زبانای شمالی	ہ د ہ	ل ہ	شمالي	٤	عطارد مشتري
الحمار الشمالي	ہ ہ ل	د ہ	شمالي	٤	مريخ شمس
المعلف	ہ ہ ج	ا ا	شمالي	٦	مريخ زحل
اطفار الذئب	ہ ہ ك	ق ہ	شمالي	٢	مريخ زحل
الحمار الجنوبي	ہ ہ م	ل ه	جنوبي	٤	مريخ شمس
منخر السحابي	ہ ك ك	س كا	شمالي	٢	زحل مريخ
انور الفرقدين	ہ ل ك	ج ل	شمالي	٠	زحل مريخ
ظهر الدب الأكبر	ہ ہ ك	ط ٧	شمالي	٠	مريخ
منخر الأسد	ہ ہ ہ	ل ط	شمالي	٤	مريخ

بقية جدول وضع الكواكب الثابتة في الطول والعرض والجهة والقدر والمزاج

الكواكب الثابتة	الطول	العرض	الجهة	القدر	المزاج
فرس السفينة	ہ ہ ل	ل ي	جنوبي	٠	زحل مشتري
فقرات الشية	ہ و ل	لط ہ	شمالي	٢	مريخ
رأس الأسد الجنوبي	ہ ل ہ	ط ہ	شمالي	٢	زحل مريخ
رأس الأسد الشمالي	ہ ل ك	ہ كا	جنوبي	٢	زحل مريخ
أخفى الفرقدين	ہ ل ن	عه ل	شمالي	٢	زحل زهرة
فرد الشجاع	ہ ك ل	ك ل	شمالي	٠	زحل زهرة
جنوبي عنق الأسد	ہ ك و	ہ ح	شمالي	٢	مريخ
منكب الأسد	ہ ك ن	ط ل	شمالي	٠	زحل مريخ
قلب الأسد الملكي	ہ ٩ ل	ل ط	شمالي	١	مريخ مشتري
الجوق	ہ ہ ل	ك ط	شمالي	٠	مريخ
ظهر الأسد	ہ ل ك	٦ ط	شمالي	٠	زحل زهرة
منقطع الفرس	ہ ا م	نا ه	شمالي	٢	زحل مشتري

بقية جدول مواضع الكواكب الثابتة في الطول والعرض والجهة والقدر والمزاج

الكواكب الثابتة	أطوالها	العرض	جهاتها	أقدارها	أمزجتها
العناق	ه ط ا	نه	شمالي	-	مريخ
الصرفة	ه مه	يا	شمالي	ا	زحل زهرة
قاعدة الباطية	ه ع يه	كد	شمالي	د	زحل زهرة
صغير الاسد	ه كا ا	لا	شمالي	ب	زحل
كبد الاسد	ه كا يه	مه	شمالي	ج	مريخ
طرفا الذنب	ه ب ب	نه ط	شمالي	-	مريخ
عروة شمالية	ه كد يه	ما ب	جنوبي	د	عطارد مريخ
عروة جنوبية	و - يه	ح و	شمالي	د	عطارد مريخ
متقدم العطاف	و و و	يه و	شمالي	ج	مريخ زحل
زاوية العوا	و ب -	٠ ب	شمالي	ج	مريخ زحل
جناح غراب الايمن	و - ح	ب ب	جنوبي	ج	عطارد زهرة
منقار الغراب	و ط -	ب ب	جنوبي	ج	زحل

بقية جدول مواضع الكواكب الثابتة في الطول والعرض والجهة والقدر والمزاج

الكواكب الثابتة	أطوالها	العرض	جهاتها	أقدارها	أمزجتها
مفرد الرامح	و و م	ط ب	شمالي	ج	زهرة عطارد
شمال الاعزل	و كا د	٠ ط	جنوبي	ا	زهرة عطارد
رأس العوا	و كا كد	يه يه	شمالي	د	عطارد مريخ
سماك الرامح	و كا ه	لا ا	شمالي	ا	زهرة عطارد
فخذ السبع	و كه د	كط ب	جنوبي	ه	زحل مريخ
وسط السبع	و يه ك	كه ب	جنوبي	د	عطارد مريخ
صفلاج العوا	ز د ا	لب ه	شمالي	د	عطارد زحل
ظهر الفرس	ز - ع	لب ه	جنوبي	ه	عطارد مريخ
فرس قنطورس	ز د ل	نا ب	جنوبي	٠	زهرة مريخ
ذنب الشجاع	ز د د	ط ج	شمالي	ج	زحل زهرة
نير الفكة	ز ط لا	ا ب	شمالي	٠	زهرة عطارد
كفة جنوبية	ز س ط	ا ب	شمالي	ج	زحل عطارد

في وضع الكواكب الثابتة في الطول والعرض والجهة والقدر والمزاج

الكواكب الثابتة	برج درجة دقيقة الطول	درجة دقيقة العرض	جهات العرض	الأقدار	مزاج الكواكب
كفة شمالية	ز و ه	مح	شمالي	ب	زحل
ركبة رجل اليسرى	ح ح ح	مو	جنوبي	ه	زهرة مشتري
عنق الحية	ز ط م	مح	شمالي	ب	زحل
الراقص	ز م ح	عو ه	شمالي	ه	زحل مريخ
وسط الإكليل	ز ط ه	٠ ب	جنوبي	ب	مريخ
جبهة العقرب	ح ا ح	ا ا	شمالي	د	مريخ زحل
طرف الشمالي من الإكليل	ح ا ط	ا م	جنوبي	ه	مريخ مشتري
رجل قنطورس	ح ٠ ح	ط ح	جنوبي	ا	زهرة مشتري
قلب العقرب	ح ح ح	د ا	جنوبي	د	مريخ مشتري
فم العوائد	ح م ل	ع كا	شمالي	د	مشتري مريخ
رأس الجاثي	ح ح ه	ل ط	شمالي	ب	عطارد قمر
رأس الحواء	ح و ح	له نا	شمالي	ب	زحل زهرة

في وضع الكواكب الثابتة في الطول والعرض والجهة والقدر والمزاج

الكواكب الثابتة	برج درجة دقيقة الطول	درجة دقيقة العرض	جهات العرض	الأقدار	مزاج الكواكب
رأس المجمرة	ح مح	كو ا	جنوبي	د	زهرة عطارد
كلب الراعي	ح ح ح	ا ط	شمالي	ب	زحل زهرة
تالي الشولة	ح ح ه	و لا	جنوبي	ب	شمس مريخ
رأس الثعبان	ح ح ه	عه ا	شمالي	ب	مريخ زحل
زج النشابة	ح ح و	ل ه	جنوبي	ب	مريخ قمر
الطرف الجنوبي من القوس	ط ٠ ح	ا ه	جنوبي	ب	مشتري عطارد
الطرف الشمالي من القوس	ط ب ح	٠ ا	جنوبي	ب	مشتري عطارد
تالي الإكليل	ط و ا	كا ح	جنوبي	و	زحل عطارد
عين الرامي	ط ح ه	ا ه	شمالي	ب	زحل عطارد
عرقوب الرامي	ط م ز	كم ح	جنوبي	د	زحل عطارد
ركبة الرامي	ط ز ح	ح ل	جنوبي	د	زحل عطارد
النسر الواقع	ط ز و	س ا	شمالي	ا	زهرة عطارد

بقية جدول مواضع الكواكب الثابتة في الطول والعرض والجهة والقدر والمزاج

الكواكب الثابتة	الطول	العرض	جهاتها	القدر	المزاج
ذنب العقاب	ط ر ـ	لو ه	شمالي	ج	مريخ مشتري
ما بين الفرقين	ط ط ـ	نط ح	شمالي	د	مريخ مشتري
جناح العقاب	ط ه ـ	ا ا	شمالي	ج	مريخ مشتري
النسر الطائر	ط كا ر	كط ه	شمالي	ب	مريخ مشتري
منقار الدجاجة	ط كا ر	ط ه	شمالي	ج	زهرة عطارد
عنق الطائر	ـ ا ر	كو م	شمالي	ج	مريخ مشتري
الجنوبي من سعد الذابح	ـ ا ر	م م	شمالي	ج	مريخ زهرة
وسط التمم	ـ ا ر	ل م	شمالي	ه	مريخ زهرة
الشمالي من سعد الذابح	ـ ا ط	و ه	شمالي	ج	مريخ زهرة
ركبة المرى	ـ ا ح	ح م	جنوبي	د	عطارد
ذنب الدلفين	ـ ا ط	كط ه	شمالي	د	زحل مريخ
ذنب الجدي	ـ و ر	. ه	جنوبي	ج	مريخ عطارد

بقية جدول مواضع الكواكب الثابتة في الطول والعرض والجهة والقدر والمزاج

الكواكب الثابتة	الطول	العرض	جهاتها	القدر	المزاج
منكب ايمن دالي	ـ م ر	ح ح	شمالي	ج	زحل عطارد
صدر الدجاجة	ـ و كه	ز نا	شمالي	ج	زهرة عطارد
راس الدالي	ـ كه ـ	ه ه	شمالي	و	زحل عطارد
فم الفرس	ـ كط كه	كد د	شمالي	ج	مريخ عطارد
منكب ايسر دالي	ا د ه	ـ ط	شمالي	ج	زحل عطارد
فم الحوت الجنوبي	ا ا ر	كا ى	جنوبي	ا	زحل عطارد
الردف	ا ح و	نط ه	شمالي	ب	زهرة عطارد
ذراع الايمن	ا ه ر	ح د	شمالي	ج	زحل عطارد
ركبة الدجاجة	ا ر ـ	مه كا	شمالي	ه	زهرة عطارد
فم السمكة	ا ه ل	ح ح	شمالي	د	مريخ عطارد
مقعد بطن الحوت	ا ح ز	د د	شمالي	د	مشتري زهرة
متن الفرس	ا ح ه	ط د	شمالي	ب	مريخ عطارد

جدول مواقع اجرام ذوات الشعاع على الكواكب السبعة عند ...

الدلائل الاصلية	الدرجات	البيوت
[illegible]	ح ط ر	درجة الطالع
سهم المال ه د، زحل ده، مريخ [illegible]	ط ط ح	درجة الثاني
زحل ط [illegible]	ما . ح	درجة الثالث
مريخ ده [illegible]	ه ب ز	درجة الرابع
[illegible]	ا د م	درجة الخامس
[illegible]	ا ه ا	درجة السادس
قمر [illegible]	. ط ه	درجة السابع
سهم السعادة [illegible]	ه ه م	درجة الثامن
عطارد [illegible]	ر ه ه	درجة التاسع
سهم السلطان، زهرة [illegible]	ه ب ز	درجة العاشر
[illegible]	ر د م	درجة الحادي عشر
[illegible]	ب ط ا	درجة الثاني عشر

جدول مواقع انوار اجرام شعاع كل احد من الكواكب السبعة عند ...

الدلائل الاصلية	الدرجات	الكواكب
سهم المال ه ز [illegible]	ط ر ه	زحل
زحل ده [illegible]	ط ط ط	المشتري
[illegible]	ز و ط	المريخ
حرف استقبال [illegible]	ه كط و	الشمس
[illegible]	ر ط و	الزهرة
ذنب [illegible]	ه ا ز	عطارد
[illegible]	. كط م	القمر
زهرة [illegible]	و ط و	سهم السعادة
[illegible]	ح ط ا	سهم الغيب
[illegible]	ز ط ا	سهم السلطان
زحل ده [illegible]	ط ه ز	سهم المال
[illegible]	ط ر ط	سهم الحياة والبقا

جدول حظوظ البيوت الاثني عشر من مراكزهم الى سعود ونحوس ووضعهم الوقت

البيوت	المراكز	[illegible]	زوج وفرد	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
درجة الطالع	ع م ط .	ه	ابر	ل	سه	ه ل ا	ا ل ا زحل
درجة الثاني	ط ط ح	ر	ب	ب	ه	ر ه ع	مشتري
درجة الثالث	ا ا ،	سه	ط	ل	ب	ا سه ل	ل سه ل شمس
درجة الرابع	ع ح ه	ه	ه	ه	سه	ر ه ع	قمر
درجة الخامس	ه ه د	ه	ل	ب	ل	ه ل ا	ا ل ا زحل
درجة السادس	ا ٧ ر	ع	ط	ل	ه	ر ه ع	مريخ
درجة السابع	م ط ع	ب	در	ع	ل	سه ل	ل ا شمس زحل
درجة الثامن	ط ط ط	ل	ع	ه	ب	ر ه ع	مريخ
درجة التاسع	ا ا ب	ل	ط	ه	ه	ه ل ا	ا ل ا زحل عطارد
درجة العاشر	ع ه ا	ب	ه	ه	ل	ر ه ع	مشتري
درجة الحادي عشر	ه ٧ ٤	ع	سه	ه	سه	ل سه ل	شمس
درجة الثاني عشر	ا ٧ ا	ه	ر	ل	ل	ر ه ع	زهرة

جدول مواضع الكواكب السبعة والمقسوم الطالع وما يتعلق بها من السعود والنحوس

الكواكب	المقوم الطالع	[illegible]	زوج وفرد	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
زحل	ط ط ع	ب	در	ع	ل	ب سه ل	نحس زحل
المشتري	ط ه ط	ل	ع	ه	ب	ر ه ع	سعد
المريخ	ر ر ب	ع	ط	ه	ع	ر ه ع	مريخ
الشمس	ع ط ل	ب	در	ه	ر	ل سه ل	زهرة
الزهرة	ه ر ح	ه	ه	ه	سه	ر ه ع	عطارد زهرة
عطارد	ر ٧ ا	ع	ط	ل	ه	ر ه ع	مريخ
القمر	ع ٧ ن	ب	در	ل	ل	ل سه ل	زحل
الراس	٤ ح ع	ع	سه	ب	ع	ل سه ل	شمس
الذنب	د ح ع	ه	ل	ل	ر	ه ل ا	زحل
سهم السعادة	. ه ط	ه	ابر	ع	سه	ه ل ا	زحل شمس
سهم الغيب	ح ط ٤	ر	ب	ه	ه	ر ه ع	مشتري
سهم الحبوة	ح ح ه	ر	ب	ع	ه	ر ه ع	مشتري

بسم الله الرحمن الرحیم وبه ثقتی

توکلت علی الحی الذی لاینام ولایموت چون بعون الله تعالی وحسن توفیقه
از استخراج تواریخ وتحقیق درجه طالع وتسویت البیوت وتقاویم
سبعه سیاره وکواکب ثابته وسهام ونطاقات وعروض وسایر متعلقات
آنها وتعیین بیلاجات وعطایای کدخدا آت وسایر اعمال حسابی که مدار احکام
نجومی بر آنهاست فارغ گشتیم خواستیم که چنانکه در قسم اول که اعمال حسابیست
شرایط احتیاط وتعمق نظر بجای آوردیم در قسم ثانی که نتایج وفواید
قسم اول وعلت غائی آن مقدمات است نیز بقدر الطاقه والاستطاعه
از حقایق مؤلفات افهام حکماء سابقه وضمایر مصنفات اذهان فضلاء ماضیه

ی

سطری چند در سلک تحریر وحیز تقریر در آوریم واز دلایل ومقتضیات
اوضاع فلکی وشواهد وتأثیرات اجرام سماوی سطری چند حاوی بر اغلب
دلایل کلی بیان نمائیم وبالله الاعانه والتوفیق وهو حسبی ونعم الوکیل
اما بعد بر رای اولوا الالباب پوشیده نیست که هستی جمله موجودات
از واجب الوجود است تعالی شانه وتوالا احسانه ووجود هر شیئی بسببی از افراد
که چون آن سبب موجود گردد آن شیئ بظهور پیوندد چنانکه ید قدرت چندین
اجرام منیر واجسام مستدیر را در افلاک وتداویر بحرکات خاص متحرک
ساخته وعناصر اربعه واسطقسات چهارگانه را ایجاد فرموده تا از تأثیرات
اجرام آباء علوی وتأثرات اجسام امهات سفلی موالید ثلثه در وجود آید
واوضاع مختلف در عالم کون وفساد صورت بندد واز مواد فیاضه عناصر
وموالید نوع انسان را برگزیده وبدرجه علیه **ولقد کرمنا بنی آدم** رسانیده

و قامت قابلیت ایشان را بخلعت خلقت **و لقد خلقنا الانسان**
فی احسن تقویم مخلع فرموده و آسمان دل عارفان را بمطرح شعاعات
انوار هدایت و مطلع سعادات آثار حکمت روشن و منور ساخته
و بکمال عقل و کیاست و فهم و فراست پیراسته تا بدقایق حقایق علوم
دنیوی و اخروی راه یابند و آثار قدرت حضرت صمدیت را تتابعت
آلائه و ترادف نعمائه بجهانیان نمایند و از برای ترتیب امور کونین
و تنظیم معاش ثقلین خاصیت هر شیئی را بدانند بناء علیه چون حکما و محققان
در هیأت این نه رواق چرخ معلا و عاملان درگاه عالم بالا بدیده دوربین
نظر کردند و آثار قدرت حضرت صمدیت را بدیده بصیرت مشاهده نمودند
مفهوم و معلوم کردند که اظهار این انوار و گردش این فلک دوار
از حکمتی و خاصیتی خالی نیست پس بفکر متین و رای رزین بمرور لیالی و ایام

و ترادف

و ترادف شهور و اعوام در مدبران عالم بالا و کارکنان فلک مینا
تدبر و تعمق نمودند و در وقوع وقایع و حدوث حوادث بسیط غبرا
نظر کردند اجرام آباء علوی را در اجسام امهات سفلی مؤثر دیدند چنانکه بعضی
از آنها واضح و لایح است پس بموجب حرکات افلاک و انجم و قرانات
و کسوفات و خسوفات و دیگر حالات کواکب باندیشه های دقیق و فکرهای
عمیق رصد ستارگان بستند و زمان اتصالات و انصرافات و رجوع
و استقامت و شرف و هبوط و اوج و حضیض و صعود و هبوط و سایر حالات
کواکب از قوت و ضعف کما ینبغی معلوم کردند و بمرور دهور هر حادثه و نائبه را
که در عالم سفلی بظهور پیوست از عاملان عالم علوی استدلال نمودند و هر یک
از حکمای سلف بحسب تحقیقات و مجربات خود تصنیفها ساختند و کتابهای
نفیس در علم احکام بپرداختند تا طالبان این فن شریف از آنها مستفید شوند

وچون این کوشه کیر زاویه ابتلا و محن ابن محمد حسین الحسینی المنجم محمد حسن
برغوامض واسرار بعضی از آن مولفات مطلع کشته واشارت علیه بدین معنی
نفاد یافته بود کلمه چند از احکام نصوص فصوص استادان این فن شریف
چون برمس الهرامسه وارسطاطالیس والیس اسکندرانی و ذوریونس مصری
وحکیم بطلمیوس قلوذی وابوریحان بیرونی ویعقوب ابن اسحق کندی وکوشیار
ابن لبان باشهری وابو الفضل حسن بن سهل وسهل ابن بشر وابو معشر وابن ابی
الرجال وابو سعد احمد بن عبد الجلیل سجزی وابو المحامد غزنوی وعلیشاه بخاری
ومحمد قصرانی وفخر المحققین والمدققین نصیر الملة والدین استاد البشر وعقل
الحادی عشر محمد طوسی طاب ثراه ودیکر حکما ومنجمان برحسب مدلولات
اعمال سابقه در این کتاب مستطاب مسطور کردانید وامیدوار بکرم حضرت آفریدکار
چنانست که دلایل صحت وسلامتی ذات خجسته صفات مبارک موافق ومطابق تقدیر

ایزدی باشد ودلایل ضعف وپریشانی بسعادت وسلامت مبدل کشته
عواقب آن بخیر وخرمی وسعادت وفیروزی انجامد ودر هر طریق توفیق رفیق
باشد انه علی ذلک قدیر وبالاجابة جدیر **مقدمه** در آنکه علم الحکام را
فایده ومنفعتی هست یا نیست بعضی از عوام الناس وکسانیکه هیچ از مراتب
احکامی وقواعد نجومی بهره ندارند میکویند که علم احکام را فایده ومنفعتی نیست
بجهة اینکه امور عالم کون وفساد از دو قسم بیرون نیست یا امریست که وقوع
می یابد یا امریست که هرکز وقوع نمی یابد اما آنکه البته وقوع می یابد تیر برده
قسمت یا امریست که مستلزم فرح وسرور وسعادتست پس تقدم معرفت
آن جز انتظار فایده ندارد یا امریست که مستلزم غم واندوه وملالت
پس تقدم معرفت آن موجب تقدم غم واندوه وکدورتست واین طایفه ازرا
راست بسیار دور افتاده اند وقدر ومنزلت وفضیلت ومنفعت این علم

سرما اسباب دفع ضرر سرما مهیا کند تا سرما در وی کمتر اثر کند پس دفع ضرر
سرما کرده باشد نسبت بکسی که مطلع نبوده و اسباب دفع ضرر سرما مهیا نکرده است
وهرکاه در جانب مشرق پادشاهی بود وپادشاهی دیکر در مغرب وخواهند
با یکدیکر جنک کنند در جانب آنکه ضعف باشد وقبل از وقوع مطلع شود حفظ
اوقات خود کند تا مغلوب دشمن نشود ودر جانب آنکه قوت وسعادت
باشد جد وجهد کند تا ظفر ونصرت تمام بر دشمن یابد وهمچنین اکر کسی بحکم منجم
علم بهم رساند که در فلان وقت سعادتی قوی در طالع هست قبل از وقوع
اسبابی که باعث افزونی سعادات باشد مهیا وموجود کرداند وامور
عظیمه ومهمات کلیه را پیشنهاد سازد تا تاثیر سعادات آسمانی در او بیشتر وظاهر
تر باشد واکر علم بهم رساند که در فلان وقت نحوستی کلی در طالع او هست پیش
از حدوث امورات عظیمه ومهمات کلیه را ترک نماید وهمه جهة خود را محافظت

ومحارت نماید وطریقه حزم واحتیاط را پیشنهاد سازد وخود را از محال
خوف وخطر دور نماید تا نحوست آسمانی در او کمتر اثر کند چنانکه تجربه مکرر را
ملاحظه شده که شخصی در وقتی که در طالع او ضعف ونحوستی هست هر امر جزئی
که پیشنهاد میسازد واز پی هر مهم جزئی که میرود ضرر وخسران کلی بجهة او واقع
میشود وهرچه جد وجهد بیشتر میکند مانند خری که در وحل مانده باشد پایش فروتر
میرود وضرر وخسران بیشتر واقع میشود وهمان شخص در وقتی دیکر که در طالع
او قوت وسعادتی هست هر امر کلی که پیشنهاد میسازد واز پی هر مهم عظیم که میرود
باسهل وجهی ساخته وپرداخته میشود واز اطراف وجوانب دولت وسعادت
وعزت وخوشی بجانب او رو میکند واکر کسی بکوید که در حقیقت امورات
ممکن الوقوع از جمله آن دو قسمت چه حق سبحانه وتعالی بر حقیقت آن داناست
که فلان امر واقع خواهد شد یا نه اکر واقع شود از امورات حتمیه در وقوع بود

شریف را نشناخته اند بجهة اینکه امورات عالم عنصری بر سه نوع است
واجب الوقوع و ممتنع الوقوع و ممکن الوقوع اما واجب الوقوع
آنست که وجود آن ضروری و وقوع آن بدیهی باشد چون بودن روز
هنگام بودن آفتاب فوق الارض و بودن شب هنگام بودن آفتاب
تحت الارض و ممتنع الوقوع آنست که وجود آن ممتنع باشد و تحقق خارجی
بهم نرساند چون بودن روز بعد از غروب آفتاب و بودن شب بعد از
طلوع آفتاب و احکام نجومی را در این دو قسم مدخلی نیست اما ممکن الوقوع
آنست که احتمال وقوع و لا وقوع هر دو در او موجود باشد چون باریدن
باران و رویدن نبات و حدوث گرانی و ارزانی و وقوع سرما و گرما
و حصول سعادت عمرو و وقوع نحوست زید و امثال ذلک و حکم منجم را بر آن نوع
ممکن اثری ظاهر و فایده بزرگست از آن جهة که چون بحکم منجم دانسته شود که فلان

سعادت

سعادت روی خواهد نمود یا فلان نحوست در پیش خواهد بود تدبیر هر یک
کرده شود و اسباب دفع ضرر و جلب نفع مهیا کرده تا موجب افزونی
سعادات و نیل مرادات و باعث رفع مضرات و دفع نحوسات
گردد چنانکه اگر بقول طبیب دانسته شود که فلان علت در مزاج هست
تدبیر آن کرده شود و دوا و غذائی که لایق بحال باشد صرف شود تا صحت
مزاج حاصل آید و اگر بقول فقیه دانسته شود که فلان عمل موجب سخط
الهی و عقاب اخرویست و فلان عمل باعث رضامندی حضرت احدیت
و مستلزم اجر و ثواب اخرویست هر آینه از عملی که موجب سخط الهیست
احتراز و اجتناب کرده شود و عملی که مستلزم رضامندی حضرت باریست
اختیار و اکتساب کرده آید تا سلامت دین و دنیا حاصل شود و همچنین
اگر بحکم منجم دانسته شود که در فلان وقت سرمائی سخت خواهد شد قبل از وقوع

و اگر واقع نشود از امورات ممتنع الوقوع خواهد بود جواب گوئیم که هرگاه
چنین بودی پس همه تدبیرهای عالم بیهوده بودی و افعال خلایق در خصوص
جلب نفع و دفع ضرر و پیروی اطبا در خصوص معالجات لغو و عبث و بیفایده
بودی از آن جهة که چون بندگان ندانسته شدی که فلان مضرت و نحوست
در پیش خواهد بود و لابد با ایشان خواهد رسید هرگز برای دفع او نکوشیدندی
و همچنین اگر ندانسته شدی که فلان سعادت و منفعت در پیش نخواهد بود
و با ایشان نخواهد رسید هرگز برای کسب آن نکوشیدندی چنانکه برای
دفع ظلمت شب و کسب نور روز نمیکوشند و هرگاه کوشش بندگان
نبودی جهان ویران شدی و خلایق هلاک شدندی بآن جهة که حکیم علی الاطلاق
جل شانه این عالم را بوسایط و اسباب ایجاد فرموده و برپا داشته
پس چون وسایط و اسباب ثبات عالم برپا نماند عالم هم برپا نماند و چنانکه

همه

همه تدبیرات عالم بیهوده بودی بعثت انبیا علیهم السلام نیز بیفایده بودی
بدانجهة که بعثت انبیا جهة صلاح کار دنیا و آخرت بندگانست و چون
نبی بدانستی که فلان کس بگرود و اطاعت امر الهی بکند و فلان کس نگرود و پیروی
فرموده الهی نکند هیچکس را دعوت نکردی از آنجهة که دعوت بیفایده بودی
و چون دعوت بیفایده بودی و این امری ظاهر و بین است که در بعثت
انبیا علیهم السلام فایده عظیم است و در تدبیر کارهای عالم منفعتی بزرگ پس
علم احکام را نیز فایده بزرگست بدانجهة که علم احکام و عمل بدان از تدبیرات
کلیه امور عالم است و اگر کسی بگوید که چون منجم حکم کند که در فلان وقت بزید
شری خواهد رسید و زید را گفت که پرهیز کن اگر به پرهیز زید آن شر بوی نرسد
حکم منجم خطا بود و اگر برسد پرهیز سودی ندارد پس هیچ فایده در احکام نباشد
جواب گوئیم که هیچ امری در میان آسمان و زمین حادث نمیشود مگر بتاثیر آسمانی

و تاثر زمینی و حکم منجم خبر دادنست از تاثیر آسمانی و پرهیز و دفع
کردنست تاثر زمینی را پس حکم منجم از آن روی که خبر داد از تاثیر آسمانی
صواب و درست در خبر کردن او زید را تا دفع کرد تاثر زمینی را فایدهٔ
عظیم چنانکه بطلیموس حکیم این معنی را در کتاب ثمرة الفلک در دو موضع
بیان نموده یکی در دفع ضرر و نحوست آثار آسمانی و دیگری در جلب نفع
و سعادت تاثر فلکی اول این است که در کلمهٔ هشتم از آن کتاب میفرماید که
قد یقدر المنجم علی دفع کثیر من افعال النجوم اذا کان
عالما بطبیعة ما یؤثر فیه و و طاقبل وقوعه فالا ابحله
و شرح این کلمه چنانکه خواجه نصیر الملة و الدین محمد طوسی طاب ثراه
میفرماید اینست که فعل تمام نمیشود مگر بفاعلی که تاثیر کند و قابلی که متاثر
شود و قابل تاثیرات اوضاع فلکی اجسام عنصری و اشخاص زمینی است

و مادام در بعضی از آن اجسام و اشخاص قوهٔ تصرفست پس اگر منجم قوت
تاثیر علویات را شناخته باشد میتواند قابلی را که در محل تصرف او باشد
از آن مزاج و احوال که دارد انصراف دهد و استعداد تاثر آن اثر را
از او دور کند تا آنکه فاعل در وی کمتر اثر کند یا آنکه فاعل در وی هیچ اثر
نکند چنانکه اگر کسی بداند که در فلان بلد طاعون و وبا و زلزله خواهد شد
قبل از وقوع از آن بلد بیرون رود و به بلدی نقل کند که هوای آن و تاثیر
آسمانی در آن مقتضی طاعون و وبا و زلزله نبوده باشد پس دفع ضرر طاعون
و وبا و زلزله کرده خواهد بود نسبت بکسی که مطلع نبوده و احتراز از آن نکرده است
و موضع دوم آنست که در کلمهٔ دهم از آن کتاب میفرماید که النفس الحکیمة
یعین الفعل الفلکی کما یعین الزارع القوی
الطبیعیة بالحرث و التنقیة در کلمهٔ قبل بیان کرد

که منجم دفع بسیاری از نحوسات تاثر کواکب تواند کرد بحسب تصرف
در قوابل چنانکه گفته شد و در اینجا بیان میکند که نفس حکیم که عبارت
از منجم باشد میتواند که فعل فواعل فلکی را اعانت و تقویت کند تا اثر
آنها در قوابل اکثر و اظهر باشد باین طریق که چون منجم تاثیر فواعل آسمانی را
شناخته باشد قابلی که در محل تصرف او باشد قابلیت و استعداد
او را تقویت کند و مایل گرداند بر زیادت قبول فعل فلکی تا اثر فاعل
در او زیاده از اعتدال باشد چنانکه زارع و برزگر چون خواهد که زمینی
مثلا گندم بار آورد بحرث و تنقیه چنان بسازد و اموری که ملایم آن
نباشد رفع کند که مطلوبش حاصل شود تا آنجا که برزگر و باغبان زمینی را
که همیشه خار بار آورده به تنقیه آنرا از خار پاک کند و چنان بسازد که گل
بار آورد همچنین است تاثیر فواعل سماوی و تاثر قوابل ارضی پس معلوم شد

کچون منجم عالم بفعل فواعل فلکی شد و قوابل زمینی را بنوعی که بایست
و شایست شناخت میتواند که بسیاری از نحوسات آسمانی را دفع
کند و بسیاری از سعادات آسمانی را حاصل نماید و نیز بطلیموس حکیم
در کلمهٔ اول از کتاب ثمرة الفلک میفرماید که علم النجوم منک و منها
و خواجه نصیر الملة و الدین علیه الرحمة و الغفران در شرح این کلمه فرموده
که هر امر که در عالم کون و فساد متجدد شود هر آینه آنرا از فاعلی و قابلی
گزیر نباشد فاعل عبارتست از موجد است و شرطهائی که ایجاد وی آن ممکن نباشد
و قابل عبارتست از ماده و موضوع باشد مثلا در توالد حیوان فاعل وجود
دهنده اوست و شرط وجود پدر و مادر و ملاقات ایشان بوجهی خاص
و قابل نطفه است و آن ماده ایست که صورت حیوان بدان پیوندد
و در اضائت از آفتاب فاعل آفتابست و قابل سطحی کثیف که قبول نور

آفتاب تواند کرد و شرط محاذات آفتاب و عدم حجاب پس در
متجددات عالم کون و فساد نیز فاعل و قابل ضروری باشد و فاعل نزدیک
محققان قدرت الهی باشد و شرط و واسطه اوضاع نجومی که تجدد وی
موقوف بر حصول آن شرطها است چه بسبب حصول آن شرطها آن تجدد
بوقتی مخصوص شده دون وقتی دیگر و قابل اجسام این عالم که مواد
یا موضوعات باشند و آنچه تعلق باجسام دارد مانند صور اجزاء اجسام
و نفوس که مدبرات بعضی اجسام میباشند و اعراض که باجسام و نفوس
قائمند و چون فاعل تنها کفایت نیست در وجود فعل بلکه با وجود فاعل
وجود قابل نیز ضروریست پس دانستن اوضاع فلکی و تاثیرات آن در جسم
متجددات کافی نباشد بلکه علم بوجود قابل نیز باید و هرچند که علم باوضاع
فلکی از طریق یقین حاصل تواند شد اما معرفت تاثیرات این اوضاع جز بتجز

والستقرا که مقتضی ظنون باشد ممکن نباشد و معرفت حال قوابل از معرفت
احوال اجسام و نفوس حاصل شود که مبنی باشد بر احساس و تجارب و قضایایی
که بحدس معلوم شود از این جهة است که فرمود علم النجوم منه و منها
منه اشاره بمعرفت قوابل است و منها اشاره بفواعل که اوضاع
فلکی اند و وجود افعال موقوف بر حصول آن اوضاعست مثلا چون دلیل
فلکی اقتضای سردی هوا کند ناظر بران دلیل باید که در بلاد گرم در فصل
تابستان حکم بنقصان حرارت هوا کند و در بلاد سرد در فصل زمستان
حکم بشدت سرما کند و علی هذا القیاس و این اختلاف بحسب قبول قوابل است
واگرچه در هر دو دلیل آسمانی یکسانست پس منجم باید که اول در دلایل فلکی
و فواعل سماوی و سعادت و نحوست و قوت و ضعف آنها دقت تمام
بکند و دلایل را با یکدیگر امتزاج دهد و سعد را از نحس بشناسد و درجه قوت

وسعادت را با ضعف و نحوست هر دلیلی بسنجد و قوت و ضعف هر دلیلی
بداند و پس از آن در اجسام عنصری و قوابل زمینی نیک تامل کند و قدر
قبول ماثر هر یک از قوابل ارضی را بشناسد آنگاه حکم کند مثلا اگر در طالع
پادشاه زاده دلیل قوی ملاحظه کند که دال بر سلطنت باشد حکم بر پادشاهی
او کند و اگر همان دلیل را در طالع یکی از کسبه و اهل حرفه مشاهده کند حکم
بر سلطنت وی نکند بلکه بر کدخدایی بر آن طایفه نماید و اگر دلیل باران
بهم رسد در فصل تابستان و در بلادی که هوای آن مستعد باران نیست
حکم باران نکند و در فصل زمستان و در بلادی که هوای آن مقتضی هست
حکم بر بسیاری باران کند و بر این قیاس و چون این مقدمه معلوم گشت
که علم و عمل احکام را منفعتی عام و شرافت و فضیلتی تمام است شروع در احکام
طالع فرخنده مطالع نموده میگوییم که احوال انسان بر دو قسمست ذاتی

وعرضی اما ذاتی احوال نفس و بدنست در خلقت و فطرت و سعادت
و نحوست و سلامتی حواس و اعضا و اخلاق حمیده و ذمیمه و امثال ذلک
و این متعلق است باوضاع فلکی و مواضع کواکب و دلایل آسمانی در وقت
ولادت و آنرا دلایل اصلی خوانند و عرضی کیفیت اوضاع و احوال
مولود است بعد از ولادت سال بسال و ماه بماه از صحت و مرض
و اقبال و ادبار و سفر و حضر و عزل و نصب و فرح و اندوه و غنی
و فقر و امثال ذلک و این متعلق است باتصالات و انصرافات کواکب
پس از ولادت و مرور ایشان بدلایل اصلی و رسیدن تسییرات و انتهاات
دلایل اصلی باجرام و شعاعات کواکب و سهام و طوالع تحویلات سنوی
و سالهای نوبت و صاحبان دور و فرداریه و دیگر دلایل احکامی که آنها را
دلایل تحویلی خوانند اما احکام قسم اول را که آن کیفیت احوال نفس و بدن

ودیکر اوضاعت در اصل ولادت بحسب بیوت اثنی عشر و مواضع کواکب
ثوابت وسیار وسهام بتفصیلی تمام بیان کنیم و احکام قسم دوم را
که آن کیفیت احوال و اوضاع مستقبلات بعد از ولادت سال بسال
بحسب دلایل طالع تحویلی ورسیدن دلایل اصلی بمطرح شعاعات
وانوار واجرام کواکب وسهام بشرح وبسطی تمام ایراد نمائیم وبالله
الاعانة والتوفیق الفول فی احکام بیوت الاثنی عشر

الطالع بیت الحیوة والنفس والبدن

طالع خجسته مطالع برج قوس ط ۸ درجه زاید در سعادت خانه
مشتری حد عطارد وجه قمر ارباب مثلثات شمس و مشتری و زحل مستولی
بر درجه طالع عطارد بشرکت نیرین و مستولی بر صاحب طالع و کوکب
حال در طالع زحل مستولی بر موضع قمر عطارد بشرکت آفتاب بحسب صورت

طالع زهره دلالت کند بر آنکه صاحب طالع مبارک تمام هیکل وخوش
منظر وخوب صورت وپاکیزه سیرت ومتناسب الاعضا وسلیم الحواس
ومعتدل المزاج وابیض اللون ومتوسط العینین وطیب الشعر وبلند
قامت وحسن التالیف بوده صاحب تمکین ووقار وآرام باشد
ودر مزاج شریفش حرارت ورطوبت غالب باشد اما حرارت اندک
بود وکاهی برودت در مزاج غلبه کند چنانکه بطلمیوس حکیم فرموده است
اذا کان المشتری هو المستولی علی مواضع التی تقدمنا
ذکرها کان المولود فی حلیته حسن الشعر ابیض اللون متوسط
العینین حسن القامة والمقدار ذا وقار واما مزاجه فیکون الغالب
علیه الحرارة والرطوبة واما الزهرة فافعالها تشبه بافعال المشتری
الا ان الذی یحدث عنها یکون اجمل ویکون علیه القبول اکثر ویکون

احسن شکلا واحمد اخلاقا وانعم بدنا صغیرة الحاجبین دقیقة الشفتین
وچون درجه طالع فرخنده مطالع درجه دوم از برج قوس اتفاق
افتاده دلالت کند بر آنکه صاحب طالع مبارک نیکو شخص وشیرین اندام
وسفید روی باشد که بزردی زند وتنک موی واندک ابروی باشد
وبر سینه وپهلوی او نشانی بود ودراز بالا باشد اما بلندی در پاوران بیشتر باشد
واسافل اعضا بلندتر از اعالی باشد ومعاشرت ومصاحبت شعرا وندما
وارباب کمال وظرفا وخوش صحبتان دوست دارد وهمیشه با ایشان
مخالطت کند القول فی العوارض العارضة للبدن چون در طالع
خجسته مطالع زهره در مرکز وتد عاشر در تربیع زحل ومقابله مریخ واقع
شده وعطارد نیز از برج سنبله ناظر بزحل میباشد وقمر در بیت هشتم ناظر بعطارد بود
ورونده بمقابله زحل وزحل در برج جدی ودر بیت طالع میباشد دلالت کند

برانکه مولود را علتی در آلات تناسل وتوالد واقع باشد که او لاد جهت صاحب
طالع مبارک در وجود نیاید واز مخالطت ومصاحبت نسوان بی بهره باشد
وموجب آفت مذاکر وقطع آلات تناسل باشد چنانکه بطلمیوس حکیم فصلی
کلی درین باب بیان نموده وفرموده است که فان الزهرة ان
کانت علی بعض الاوتاد التی تقدم ذکرها وخاصة ان کانت
علی وتد الغارب ثم کانت مع زحل او مشارکة له فی الشکل
وکان المریخ عالیا علیها او مقابلا لها علی القطر فانه یعرض
ذالک للرجال ان لا یولد لهم ویعرض للنساء الاسقاط ویعرض
ذالک خاصة فی السرطان والسنبلة وفی الجدی والقمر متصل بالمریخ
فان شارکت الزهرة عطارد علی هذه الحال مع زحل وکان المریخ
عالیا علیها او کان مقابلا لها علی القطر فان المولود یکون خصیا

او خنثى او مسدود في المنفذ او المخرج فان الذكر يعرض له آفة
في مذاكيره ومجاريه اذا كان ذلك في الحمل والاسد
والعقرب والجدي والدلو واما الاناث فلا يولد لهن ويكن عقرا
وامام الاجل ابو الحسن البیهقی در کتاب جوامع الاحکام آورده که اگر زحل
مرتفع باشد بزهره و زهره منحوس باشد بزحل و قمر و مریخ بر ایشان ناظر باشند
مولود را در جوانی خواجه کنند و نیز او گفته که اگر میلادی نهاری بود و طالع
بدین شکل افتد که آفتاب و زحل و زهره و عطارد و مریخ از او تا دیگر
و بدرجه رابع ناظر باشند مولود را خواجه کنند و مقدم و پیشوای خواجگان
گردد و بنا علیه در این طالع مبارک نظر کردیم اکثر دلایل مذکوره را در شکل طالع
موجود یافتیم و دانستیم که حادثه که بخواست خدا اتفاق افتاده خالی از بخت نبوده
بلکه اسباب متعدده و دلایل متکثره در این خصوص موجود بوده است

ان الله تعالى يفعل ما يشاء ويحكم ما يريد کوشیار حکیم فرموده است
که احوال النفس تنقسم الى العقلى والخلقى واما العقلى فيتولاه
عطارد واما الخلقى فيتولاه القمر فبحسب قوة هذين الكوكبين
وسعادتهما ونحوستهما وضعفهما وقوتهما يكون الحال
في هذين الامرين حتى يكون الانسان بين حكيم ونجيب
وبين جاهل وغبى
یعنی احوال نفس بر دو قسمت خلقی و عقلی خلقی بقمر تعلق دارد و عقلی بعطارد
اما صفات خلقی در این طالع مبارک نظر کردیم قمر در آخر درجه برج جوزا
رونده بخانه خود در وتد هفتم در خانه عطارد متصل متبدیس آفتاب و عطارد
صاعد در فلک اوج و تدویر شمالی العرض و در فوق الارض زاید النور
و زاید القدر و زاید الحساب محظوظ بحظوظ ذاتی و عرضی میباشد دلالت

کند بر آنکه بندگان اعالی را صفات خلقی با علی درجه کمال بوده عالی طبع
و کریم نهاد و حلیم و بردبار و متانی و باوقار و درست عهد و صحیح
القول بوده حرفی که زنند و عهدی که کنند هرگز تجاوز از آن ننمایند
و درست پیمان باشند و جامع جمیع اخلاق حمیده و صفات پسندیده
بوده وسعت خلق و حلم و حوصله بحدی باشد که در حیز تقریر و تحریر در نیاید
و چون مستولی بر موضع قمر عطارد است دلالت کند بر آنکه ملازمان اعالی
تصنعات بدیعه و تدبرات غریبه و حکمتهای لطیفه را مایل و راغب بوده
صاحب حکمت و معرفت باشند و دوست دارنده کلمات لطیفه
و حکایات ظریفه بوده مایل باشند و اخلاق حمیده و صفات پسندیده
کسب فرمایند و صاحب نعمت و دولت بوده همیشه مسرور و شادمان
و خوشدل و کامران باشند و پیوسته با احبا و دوستان طریقه صدق

و صفا مرعی داشته رعایت جانب ایشان لازم شمارند و صاحب
ذهن و ذکاوت و فهم و فطانت باشند و جید الحدس و مستقیم السلیقه
و مستقیم الطریقه بوده محب تعلیم و تعلم باشند و همیشه طالب تحصیل کمالات
و انواع علوم بوده در این مرحله اهتمام تمام بعمل آورند و مسائل مشکله
و مراتب عالیه را بزودی درک فرمایند و مصاحبت و مخالطت اهل
فضل و کمال را دوست دارند و محبوب القلوب خلایق باشند چنانکه
ابن ابی الرجال در بارع آورده که اذا كان تدبير النفس لعطارد
كان المولود محبا للصناعات والحكمة ذا معرفة ذكيا محبا
للشعر والموسيقى حسن الاخلاق منعما مسرورا محبا لاصدقائه
فهما ذهنا جيد الحدس مستقيم الطريقة محبا للتعلم
والتعلم يقتدى باهل الفضل ويتشبه بالاخيار

حسن اللفظ معتدل الاخلاق فاضلا مميّزا

اما صفات عقلی

در این طالع سعادت مطالع نظر کردیم عطارد در برج سنبله در بیت تاسع
در خانه و شرف و حد و در بجان و هفت بهر و اثنی عشریه خود و در صورت
آفتاب و اردجان خود و در درجه زاید در سعادت و مستقیم السیر و مغربی
صاعد در فلک اوج و تدویر و شمالی العرض زاید النور و زاید القدر
و زاید الحساب در مثلثه اولی زهره بقوی ذاتی و عرضی آراسته و مستولی
بر موضع خود دلالت کند بکمال عقل و کیاست و فهم و فراست و حسن تدبیر
و اصابت راسخ رای و حدت ذهن و ذکاوت و فهم و فطانت و حدس
صائب و رای ثاقب و فکرهای دقیق و اندیشه های عمیق و کثرت تجارب
و میل تعلم علم هندسه و حساب و کتمان نمودن و پنهان داشتن سرایر و رازها

والوراید

و امورات باطنی چنانکه کوشیار حکیم در مجمل الاصول آورده که عطارد
اذا کان مستولیا علی موضعه و هو علی الحال المحموده
کان المولود فطنا ذهنا صاحب فواید و تجارب و نظر ذکی
جید الحدس صاحب علم الهندسه و الحساب کونها للسر مخبا
و اول مذکوره دلیلت بر آنکه بندکان عالی را قوه عاقله و قوه مدبره و مخیله
در تمشیت امورات عظیمه و مهمات کلیه بدرجه اعلی و مرتبه قصوی بوده
در قوانین امارت و بزرگی و رسوم ایالت و سروری فکرهای بصواب
و تدبیرهای بکمال فرمایند و هر امر کلی و مهم عظیم که پیش آید بفکر متین و رای
رزین باسهل وجوه و احسن طرق منتظم و منضبط فرمایند و قانون ریاست
و بزرگی نیکو دانند و بحسن سلوک و رفتار و کمال عقل و وقار جمیع اکابر
و بزرگان از زیردست فرموده بر همه مقدم و در نزد پادشاهان مقرب و مکرم

باشند و اهل فضل و کمال را معزز و محترم دارند و مایه قدر و منزلت هر کس را
بقدر خویش بشناسند و در هیچ باب بسخن هیچکس کار نکنند و تقلید قول هیچکس
نفرمایند و هر چیز را بعقل سلیم و رای صائب موازنه نمایند و بعقل و تدبیر خود
کار کنند و جمیع امورات را برای مهرضیای خود تمشیت دهند و هر امر
عظیم و مهم بزرگ که پیشنهاد فرمایند باسهل وجهی منتظم و منسق فرموده از پیش
برند بطلمیوس حکیم در کلمه هشتاد و هشتم از کتاب صد کلمه فرموده است که
الشمس ینبوع القوة الحیوانیة و القمر ینبوع القوة الطبیعیة
و زحل ینبوع القوة الماسکة و المشتری ینبوع القوة النامیة
و عطارد ینبوع القوة الفکریة و الذکریة و المریخ ینبوع القوة
الغضبیة و الزهرة ینبوع القوة الشهوانیة و لذا لا یکون
عطارد و المریخ و الزهرة ادلة علی اخلاق صاحبه و صناعته

مجی

و المریخ و الزهرة ادلة علی اخلاق صاحبه و صناعته زاید
یعنی بنای آفرینش آدمی بر هفت قوه است و هر قوه منسوب بکوکبی
چنانکه قوه حیوانی منسوبست بآفتاب و قوه طبیعی منسوبست بقمر و قوه ماسکه
منسوبست بزحل و قوه نامیه منسوبست بمشتری و قوه تفکر و تذکر منسوبست
بعطارد و قوه غضبیه منسوبست بمریخ و قوه شهوانیه منسوبست بزهره پس
هر کوکب که در زمان ولادت محظوظ و قوی حال بود اثر آن در مولود
ظاهرتر باشد بنا بر آن در اوضاع این کواکب که مبادی این قوی اند
تامل نمودیم شمس که ینبوع قوه حیوانیست در برج اسد در خانه خود و در مرکز
بیت نهم در خانه فرح مستولی بر موضع خود و در جلب و حیز مقبول در مکان
و در مثلثه اولی خود زاید العدد و در درجه نیره دلیل است بر کمال قوه حیوانی
و قوت مزاج و قدرت و توانائی جسمانی و شوکت و عظمت و هیبت در بیات

وسخاوت وشجاعت وعلو همت واستوای خلقت وحسن صوری ومعنوی
وقمر که ینبوع قوه طبیعی است درآخر درجه برج جوزا روند بخانه خود در وتد
هشتم متصل شد بتسدیس آفتاب صاعد در فلک اوج وتد و برشمالی العرض زاید النور
وزاید القدر وزاید الحساب بقوتهای ذاتی وعرضی آراسته دلالت کند
بکمال قوه طبیعی وصحت واعتدال مزاج ومتحلی بودن بزیور کمالات انسانی
وفضایل نفسانی وچون قمر در مقابله زحل اتفاق افتاده دلیلست برآنکه
گاهی طبیعت ومزاج شریف را از برودت وناخوشی های سوداوی ضعفی
جزئی عارض شود لکن چون ماه در تسدیس آفتاب واقع است بزودی
رفع عوارض شده مزاج باعتدال آید وزحل که ینبوع قوه ماسکه است
در برج جدی درخانه خود در بیت طالع مستولی بر موضع خود ودر بیت
اقبال ممازج باسعود در حد ووجه سعد صاعد در فلک تد و برشمالی العرض

وزاید النور وزاید القدر وزاید العدد در مثلثه اولی سعد ودر نه بهره نیز
سعد دلیلست برآنکه صاحب طالع مبارک را قوه ماسکه وقوه حافظه بحد
کمال بوده آنچه بیند وشنود بقوه حافظه سپرده فراموشش نماید ومتمکن ومتانی
وباوقار ودور اندیش ومتعمق ومدبر ومدقق در جمیع امور باشد وبسبب حوادث
کلیه وسوانح عظیمه مضطرب ومتغیر نگردد وملالت خاطر را ظاهر نفرماید
ودر هر حال ثبات وآرام را پیشنهاد ساخته در جمیع امور ساکن وصبور وبزرگ
حوصله باشد وکارها را بحلم وبردباری تمشیت دهد ومشتری که ینبوع قوه
نامیه است در برج جدی در مرکز بیت ثانی مستقیم السیر صاعد در فلک تدویر
زاید النور زاید القدر وزاید العدد وزاید الحساب در مثلثه اولی واثنی عشریه
زهره دلیلست برآنکه بندگان عالی را قوه نامیه وقوه لامسه بدرجه کمال بوده صاحب
طالع مبارک بسیار رحیم دل وعادل الطبیعت ونیک نفس وکریم نهاد وحلیم

وبردبار ومنعم ونیکوکار باشند ومریخ که ینبوع قوه غضبیه است در برج
حمل درخانه خود در وتد چهارم مستقیم السیر ومستولی بر موضع خود ممازج
با زهره بنظر دفع قوتین در صورت آفتاب ودر حد عطارد صاعد در فلک
اوج در برج مذکر ودر ربع مقبل زاید زاید النور وزاید القدر وزاید الحساب
در درجه نیره بقوتهای ذاتی وعرضی آراسته دلیلست برآنکه صاحب طالع
مبارک را قوه غضبیه غالب بوده با هیبت وصلابت باشد وبر ابنا زمان
وهمسران خود استعلا جوید وصاحب نفس قوی بوده در هیچگاه در نزد هیچکس
خاضع وخاشع نباشد ونفس خود را پیش هیچکس ذلیل نکند ودر کارهای بزرگ
ثابت قدم باشد وبهر مهم عظیم که اقدام کند بسهل وجهی از پیش برده ودر جمیع
امور با جرات وجلادت باشد وپیوسته طالب علو جاه ومرتبه باشد وباهر که
عناد ورزد وخصومت کند بر او غالب شود وبا دشمنان وبداندیشان بطریق

مدارا ومواسا سلوک نماید ودر مجازات وانتقام از ایشان قاعده
اعتدال مرعی دارد وذخیره خاطر را بمرور دهور وایام دفع ورفع نماید
وعلی کل حال بر مخالفان ومعاندان مظفر ومنصور باشد وصاحب امر
ونهی شدید بود وکس را مجال ویارای آن نباشد که از امر ونهی وی
تجاوز نماید وبالجمله صاحب ریاستی عظیم بود وزهره که ینبوع قوه
شهوانی است در برج میزان درخانه خود بنظر صورت طالع ومستولی بر موضع
خود در بیت اقبال در درجه عاشر در حد واثنی عشریه مشتری ودر ربع مقبل زاید
زاید النور وزاید القدر وزاید العدد وزاید الحساب بقوتهای ذاتی
وعرضی آراسته دلیل است برآنکه بندگان عالی همیشه متنعم ومتمکن وعیش کننده
ولطیف الطبع ومرفه الحال وفارغ البال بوده بلذات جسمانی وروحانی
مایل وراغب باشند وپیوسته متبسم وشادمان وخرم وخندان باشند وهرگز

بسانحات و واردات جزئی خاطر شریف را ملول نفرمایند و لهو و لعب
دوست دارند و صاحب اخلاق حسنه و صفات مستحسنه بوده همیشه
گشاده دل و گشاده رو باشند و در مزاح و شوخ طبعی طریقه اعتدال را اختیار فرموده
گاه گاه شوخیهای بموقع فرمایند و راست قول و درست فعل و پاک طینت
و پاک اعتقاد بوده طالب راه خدا و سالک مسالک هدی و پیرو
دین حق باشند و عطارد که منبوع قوه فکریه و ذکریه است در برج سنبله در بیت
و شرف و حد و در یجان و هفت بهر و اثنی عشریه خود و در صورت آفتاب
مستقیم السیر و مستولی بر موضع خود در مثلثه اولی سعد صاعد در فلک
اوج و تدویر فوق الارض و شمالی العرض زاید النور و زاید القدر در درجه
زاید در سعادت محظوظ بحظوظ ذاتی و عرضی دلیل است بر آنکه بنده کان اعلیحضرت
قوه فکریه و ذکریه بدرجه اعلی و مرتبه قصوی بوده اصابت رای و حسن تدبیر

وتعمق نظر با علی مدارج کمال بود و صاحب طالع مبارک بعید الغور و جید الحدس
و در تکلم دور اندیش و تامل بین باشد و هرچه گوید پخته و سنجیده گوید و در نزد عالی
و ادانی مقبول القول بوده و در سخنش اثری باشد که هرچه گوید و هر که بشنود
بسمع رضا اصغا نماید و از فرموده او تجاوز جایز ندارد و سخنهای گزاف
و محال قبول نفرماید و هر چیز را بعقل سلیم و ذهن دقیق موازنه فرماید و شخص
خرد را در کل امور حکم سازد و بالجمله طالعی باین قوت و سعادت کمتر دیده شده
که جمیع کواکب الا یکی که آنهم بسعادات متکثره آراسته همه در خانهای خود
در اوتاد و اقوی بیوت در مواضع جیده محظوظ و قوی حال بقوتهای ذاتی
و عرضی آراسته ناظر بیکدیگر بنظرهای قبول و دفع قوت باشند آنچه از سعادات
این طالع نوشته شود از هزار یکی و از بسیار اندکی نخواهد بود و عشری
از اعشار سعادات این طالع فرخنده مطالع را تقریر و تحریر نمیتوان نمود

واناً رجعنا الی تحریر سایر الدلایل بطلمیوس حکیم آورده است که قوی ترین
دلیلی از دلایل فلکی در طالع موالید آنست که کوکبی از کواکب ثابته سعد
قدر اول و دوم در درجه طالع یا درجه عاشر یا مقارن صاحب طالع
یا مقارن هیلاج و کدخدا و یا سهم السعاده واقع شود پس مولود را از حد مراتب
اهل و ابناء جنس بگذراند و عطایای بزرگ اعطا کند و سعادات عظیم بدهد
چنانکه در کتاب ثمرة الفلک در کلمه یکم فرموده است که الکواکب
الثابتة یعطی عطایا الخارجة عن النسبة کثیرا
و در کلمه چهل و هشتم از آن کتاب آورده است که اعظم
السعادات فی الموالید من الکواکب الثابتة
بناء علیه در این طالع مبارک نظر کردیم دو کوکب از سعود ثوابت عظیم الاثر
که یکی را راس الحوا و دیگری را راس المجره خوانند در درجه طالع فرخنده مطالع

واقع شده و دو کوکب دیگر از کواکب ثابته عظیم الاثر از قدر اول که یکی را
سماک اعزل و دیگری را سماک رامح خوانند و داخل اسعد سعود ثوابت
و از کواکب زواید میباشند در بیت عاشر اتفاق افتاده و کوکبی دیگر
از ثوابت عظیم الاثر قدر اول که آنرا قلب الاسد خوانند موافق درجه آفتاب
که هیلاج و کدخدا طالع مبارکست واقع شده و کوکبی دیگر از ثوابت عظیم الاثر
قدر اول که آنرا صرفه خوانند موافق درجه سهم السعاده اتفاق افتاده هر یک
ازین دلایل برهانی بزرگ و دلیلی واضح است بر حصول سعادات عظیمه
و وصول بمقامات عالیه و موفق بودن بتوفیقات یزدانی و مستعد بودن
بسعادات آسمانی و دخل فرمودن در تدابیر امور پادشاهان و سعی نمودن
در تعدیل مصالح دولت و مملکت ایشان و روی نمودن و حاصل شدن مناصب
بزرگ و مراتب عالی و اشتهار شوکت و جلالت در اطراف و اکناف

ممالک وآفاق واشتهار اسم ورسم در اکثر بلدان واقالیم چنانکه حکما فرموده‌اند
که اذا کان کوکب من الکواکب المایله علی مزاج المشتری
والزهره فی حقیقه الاوتاد یکون المولود من العظماء والکابر
بعید الصیت ینفذ امره فی البلدان والارضین
ویکون مشهورا عظیما غنیا کثیر السعاده کریم الطبیعه
جزیل العطایا بعید الغور قوی الفکر جید الحدس
علی شاه بخاری آورده که اگر طالع مولودی موافق طالع قرانی افتد یا اوتاد
او یا موافق جزو قران یا مثلثات او مولود بسعادتهای بزرگ برسد از مزاج
آن قران وآن دولت وملت ومولود از حاکمان مملکت گردد بنا بر آن
در این طالع خجسته مطالع نظر کردیم درجه طالع ولادت موافق جزو قران
علوین مقدم اتفاق افتاده ودلیلست بر سعادتی بزرگ وریاستی عظیم در دولت

ومملکت طایفه که قران مذکور مربی ومقوی دولت ایشان شده ودلیلست
برانکه صاحب طالع مبارک رکنی قوی از ارکان آن دولت باشد که بقوت
وشوکت اهل آن دولت این یک نیز قوه وسعادت یابد وبانطفی وخمول اهل
آن دولت آن یک نیز منطفی گردد وچون سهم الغیب در برج حوت مقارن
راس ومستولی بر موضع او مشتری وسهم السعاده در بیت عاشر مقارن زهره
ومستولی بر موضع او نیز زهره است دلیل سعادت وشرافت ومنزلتی عظیم است
وچون آفتاب وماه وجزو استقبال مقدم ودرجه طالع هیلاج میباشند وآفتاب
وعطارد وهمگی هیلاجات وکدخداآت بسعادات ذاتی وعرضی آراسته
وقوی حال وناظر یکدیگر میباشند دلالت کند بر طول عمر وصحت وسلامت مزاج
وقلت ناخوشی وسلامت حواس ظاهری وباطنی واعضاء رئیسه وحسن تالیف
واستوای خلقت وپاکی اعتقاد ونیکوی معیشت وکمال عقل وفطانت ونعمت

وسعادت وشادمانی وکامرانی در تمامت عمر شریف چنانکه کوشیار
حکیم فرموده است که کثره الهیلاجات وقوتها ونظر
بعضها الی بعض یدل علی صحه المولود وذکاء فطنته
وجوده ذهنه وطیب نفسه وطول عمره وابو معشر فرموده است
که کثره الهیلاجات یدل علی طول العمر وصحه
البدن وحسن المعیشه وعمر طبیعی صاحب طالع مبارک چنانکه
در اعمال سابقه از عطایای کدخداآت استخراج کردیم هشتاد وهفت سال
شمسی ودو ماه وبیست وچهار روز وچهار ساعت وچهل وهشت دقیقه است
اگر تسییر دلایل بقواطع نرسد انشاء الله تعالی بعمر طبیعی خواهند رسید وسال پنجاه و
دوم شمسی که سال آخر عطیه آفتاب واول عطیه عطارد است از سالهای عقبه
ومخوفه است لکن چون هیلاجات وکدخداآت در اصل ولادت قوی وخوشحال

وآفتاب وعطارد در نهایت قوت وسعادت میباشند انشاء الله تعالی
سالهای عقبه ومخوفه بخیر وخوشی خواهد گذشت وبعمر طبیعی که سالهای مرقوم
باشد فایض خواهند شد انشاء الله تعالی الثانی بیت المال والمعاش
والاعوان مرکز بیت ثانی برج جدی ۷ ط ۶ خانه زحل
شرف مریخ حد زحل وجه شمس ارباب مثلثات زهره وقمر ومریخ ومشتری
در مرکز بیت دوم سهم السعاده در برج میزان در بیت عاشر مقارن زهره
وزهره مستولی بر موضع آن وسهم المال در برج جدی در بیت طالع مستولی
بر موضع آن زحل وجمیع دلایل محظوظ وقوی حال دلالت کند بر حصول
مال ومنال بسیار وامتعه بدیعه فزون از حد احصی وشمار چنانکه کوشیار حکیم
فرموده است که قوه الادلاء وقوه المستولی علی سهم السعاده
خاصه وسعادتها تدل علی المال والسعادات

وچون مشتری در مرکز بیت ثانی اتفاق افتاده و زهره ناظر بمشتری و زحل
صاحب بیت ثانی و مستولی بر بیت دوم میباشد دلیلست بر حصول
اموال بسیار از ولایات و بلدان و مزارع و فایده مالی از ارباب خاندان
قدیمه و چون صاحب بیت ثانی در طالع و صاحب طالع در بیت ثانیست دلالت
کند برانکه مال و منال دنیاوی در نظر همت عالی وقعی نداشته باشد و همیشه مداخل
باضعاف مضاعف مخارج بوده حصول اموال بدون سعی و جهد متمشی گردد
و اموال متکاثره و غنایم متواتره بدون طلب و جهد از جایها که گمان نباشد
بتصرف در آید و مال و منال از اطراف و جوانب کانه یمشی و یقبل رو آورده
در دست صاحب طالع مبارک گرد آید چنانکه کوشیار حکیم فرموده است که
اذا کان صاحب الثانی فی الطالع وهو مقبول
فی موضعه اتاه المال من غیر طلب و لا توقع

وچون

وچون قمر بصاحب بیت المال ناظر میباشد نیز مقوی دلایل مذکور و موثر
آثار مزبور میباشد چنانکه حکما فرموده اند اتصال القمر برب الثانی
دلیل الظفر بالمال وچون مریخ صاحب شرف
بیت المال و شریک مستولی بر آن و ناظر بدان بیت و منصرف از صاحب
آن بیت میباشد دلیلست برانکه صاحب طالع مبارک را چنانکه دخل بسیار است
خرج نیز بسیار بوده زر و سیم در نظر همت عالی چندان عظمی نداشته
بخشش و ریزش بسیار فرمایند و بذل و عطا و همت و سخا مال خود را
خرج نمایند اما در اداء و دهش قاعدهٔ اعتدال مرعی دارند و در هر حال میانه
رو باشند که خیر الامور اوسطها و چون خداوند دوم مثلثهٔ بیت المال
مسعود و قوی و در موضع حظ خود مقبول از نظر آفتاب و نظر عطارد و میانه
دلالت کند برانکه بندگان عالی در تمامت عمر شریف معیشت نیکو کنند و بخوشی

خوشش عیش و جید المعاشره باشند و کل اقوام و اقارب صاحب
طالع مبارک بواسطه او و دولت او منتفع شوند و در نهایت عزت
و خوشی روزگار گذرانند چنانکه ابن ابی الرجال در بارع آورده
وان کان صاحب مثلثة بیت المال مسعودا قویا فی موضع
حظه مقبولا من الکواکب الناظرة الیه و المشاهدة
له کان حسن المعیشة منعما مستمتعا بماله ینتفع
و ینتفع به یعیش و یعاش به کل من قاربه
وچون صاحب بیت المال مسعود و قوی حال در خانه خود و در بیت طالع
در حد و وجه سعود و صاعد در فلک تدویر شمالی العرض زاید النور و زاید
القدر و زاید العدد میباشد و جمیع کواکب روی نظر با و دارند و دفع تدبیر
و نور بسوی او میکنند و او نیز قبول نور ایشان میکند دلیلست برانکه صاحب طالع

سعادت

سعادت مطالع غنی و با ثروت بوده مال و منال از وجوه متعدده
و اسباب متکثره متفرقه حاصل نماید چنانکه در کتاب بارع آمده که
وان کان رب بیت المال مسعودا او کان صاعدا
فی الفلک زائدا فی العدد و کان کواکب عدة متصلة
به و دافعة انوارها و تدبیرها الیه و هی ایضا قابلة
له فالمولود یصیب اموالا کثیرة من وجوه غیر
واحدة علی قدر اشکال الکواکب الدافعة الیه
و دیگر دلایل غنی و ثروت و کسب مال و حسن معیشت و نیکی معاشرت و کثرت
اعوان و انصار بسیار است و اگر جمیع دلایل را ذکر کنیم کلام بطول می انجامد
الثالث بیت الاخوة و الاخوات و الاسفار القریبة
مرکز بیت سیوم برج حوت . . . خانه مشتری شرف زهره حد زهره وجه زحل

ارباب مثلثات زهره و مریخ و قمر مستولی بر مرکز سیوم زحل سهم الاخوه
در برج جدی مستولی بر موضع او زحل ابن ابی الرجال آورده که الیمن
من زحل و رب المثلثة الاولی من البرج الثالث یدل
علی اخوة الاکابر والمشتری والمریخ والمثلثة الثانیه
یدل علی الاواسط وعطارد ورب المثلثة الثالثة الاصاغر
و سهم الاخوة یدل علی الاخوة الاکابر والاصاغر
یعنی شمس و زحل و صاحب مثلثه اولی از بیت سوم دلیل برادران بزرگست
و مشتری و مریخ صاحب مثلثه دوم دلیل برادران میانه و عطارد و خداوند
مثلثه سوم دلیل برادران کوچک بنا علیه در این طالع مبارک نظر کردیم
چون جمیع کواکب مربیات این خانه مسعود و قوی حال و ناظر بطالع و ناظر به بیت
سوم و متصل بیکدیگر میباشند دلیلت بر عزت و نعمت و دولت اخوان

وموافقت و مصادقت ایشان و رسانیدن راحت و منفعت بیکدیگر و محبت
و موافقت ایشان نسبت بصاحب طالع مبارک و چون زهره که منبر صورت
طالع مبارکست ناظر بآفتاب و ناظر بزحل و مشتری ناظر بسهم الاخوه میباشد
دلیلت برانکه بندگان عالی را نسبت باخوان شفقت و محبت بی نهایت
پیوسته رعایت جانب ایشان را منظور نظر التفات کستر داشته خواه غیابا
و خواه حضورا تفقدات متواتره و تلطفات متکاثره درباره ایشان بظهور
رسانند و چون راس در بیت سوم واقع شده دلیلت بر سعادت و شرافت
اقوام و اقارب و اخوان و اخوات و صلاح حال ایشان و کثرت خیر و منفعت
ایشان از جانب صاحب طالع چنانکه ابن ابی الرجال در بارع آورده که
اذا کان سهم السعادة او سهم الغیب فی البرج الثالث من الطالع
و نظر صاحبه من مواضع الصداقة کان للمولود اخوة یوددهم و یعدونه

وچون مشتری که صاحب خانه سوم است در مرکز بیت سوم واقع شده دلیلت
برانکه برادران و اقوام و اقارب خاصه برادر وسطی از اموال صاحب
طالع مبارک حظی وافر و بهره و نصیبی متکاثر داشته از جانب بندگان عالی
منفعت کلی یابد و چون بیت سیوم برج حوتست و مشتری ناظر بحوت
و طالع نهاری و مریخ ناظر بمشتری میباشد دلالت کند برانکه صاحب
طالع مبارک سعادت و منزلت عظیم یابد و مخالطت و مصاحبت اشراف
و امرا و پادشاهان جوید و بمرتبه عالی و منصب خطیر فایض گردد چنانکه او رد
فی البارع ان کان البیت الثالث القوس او الحوت و نظر الیه المشتری
نهارا او الزهرة لیلا دل علی السعادة ومخالطة الاشراف
فان نظر الیهما المریخ کان المولود خطیرا عظیما صاحب المنزلة الرفیعة
و چون صاحب بیت سیوم مسعود و قوی حال و مستقیم السیر و ناظر بخانه سیوم میباشد

دلالت کند برانکه بندگان عالی از دوستان عظیم قدر و خویشان عالی منزلت
فرح و خرمی پسندند و آن طایفه اکثر اوقات بطریق موافقت و مصادقت
سلوک نمایند و هر نقل و حرکت و سفر نزدیکی که فرمایند باعث حصول مطالب
و مقاصد و موجب وصول منافع و فواید گردیده مستلزم ازدیاد جاه و عظمت
گردد چنانکه حکما فرموده اند حصول رب الثالث فی مکان
صالح سلیم من المناحس ای یکون فی بعض حظوظه
فان المولود ممن یصادق العظماء و ینال مراصد فائت
و اخوانه خیرا کثیرا ای یکون صالحا للاهل و الدین
و الحرکات الرابع بیت الاباء و الضیاع و العاقبة
مرکز بیت چهارم برج حمل — خانه مریخ شرف آفتاب حد عطارد و جه
شمس ارباب مثلثات شمس و مشتری و زحل مستولی بر درجه رابع مریخ

سهم الضیاع والعقار در جوزا استولی بر موضع او عطارد و وی در برج
سنبله در بیت شرف خود مستقیم السیر در حد و اثنی عشریه خود و در صورت
آفتاب شمالی العرض زاید النور و زاید القدر و زاید الحساب بقوتهای
ذاتی و عرضی آراسته دلالت کند برانکه املاک و ضیاع و عقار
بسیار بحیطهٔ تصرف درآید و منافع کلی از املاک و ضیاع حاصل گردد
و چون صاحب شرف بیت چهارم آفتاب و آفتاب در برج اسد ناظر بخانهٔ
چهارم میباشد دلالت کند برانکه بندکان عالی بساختن عمارات بازینت
و صفا مایل و راغب باشند و عمارات عالیه بنا فرمایند و در راندن قنوات
و انهار و احداث باغات و بساتین و ساختن اماکن با روح و صفا
و ابادانی دهات و مزارع ساعی باشند و بناهای خیر بنیاد کنند و در معموری
بقاع الخیر کوشش فرمایند و بسبب ضیاع خصومات و منازعات بسیار واقع

شده بر ضیاع و ولایات اعدا و دشمنان مسلط و مستولی کردند
و عاقبت امر صاحب طالع مبارک بخیر و خوشی و سعادت و فیروزی باشد
الا انکه در اواسط عمر بر صاحب طالع مبارک بهتر از اواخر کذرد و چون
سهم الاب در بیت چهارم و مستولی بر مرکز چهارم مریخ میباشد دلالت کند
برانکه پدر مولود را از مولود حظی و نصیبی نباشد و محتمل که والد را در زمان
طفولیت مولود فوت دررسیده باشد الخامس بیت الاولاد
والافراح والهدایا والمعشوق مرکز بیت پنجم
برج ثور اد خانه زهره شرف قمر حد زهره وجه عطارد دریجان زهره
اردجان قمر هفت بهر عطارد اثنی عشریه قمر ارباب مثلثات زهره
و قمر و مریخ مستولی بر مرکز خانه پنجم قمر سهم الولد در برج قوس در بیت
دوازدهم ساقط از طالع مستولی بر موضع او آفتاب و آفتاب مقارن عطارد مغربی

و هردو از کواکب عقیمه دلالت کند بر فقدان اولاد جهة صاحب طالع مبارک
بسببی از اسباب چنانکه ابن ابی الرجال در بارع آورده انظر الی
سهم الولد فربه ومن یقارنه من الکواکب او یمازجه
فانقص علی قدر مواضعهما فاذا کان فی المواضع
الساقطة وسیما فی الذی لا ینظر الی الطالع دل
علی قلة الاولاد و فقدانهم بسبب من الاسباب
و چون قمر از مریخ منصرف و متصل بشمس و عطارد و زحل میباشد نیز دلیل عدم
اولاد است چنانکه کوشیار حکیم فرموده است که المعقدومة
للاولاد فی المقللة منهم الشمس والمریخ و زحل
و عطارد خاصة اذا کان مغربا
و سایر دلاین بیت دلالت کند برانکه بندکان عالی پیوسته روزکار در نعمت

و دولت و شادمانی و کامرانی کذرانیده بواسطهٔ تعلقات دنیوی
و نا ملایمات جزئی خاطر شریف را آزرده و ملول نفرمایند و اکر کاه کاه
اندک کدورت و ملالی حادث شود بزودی از ضمیر منیر محو فرموده بفرح
و خرمی مبدل سازند و منسوبات و مدلولات زهره را بغایت دوست دارند
و بلهو و لعب مایل و راغب باشند و از تحف و هدایا محظوظ و بهره مند باشند
السادس بیت الامراض والعبید والمواشی
مرکز بیت ششم برج ثور ه ا بیت زهره شرف قمر حد مریخ وجه زحل
اثنی عشریه مریخ ارباب مثلثات زهره و قمر و مریخ چون مرکز بیت در اواخر
برج ثور واقع است مدار حکم بر برج جوزاست و مستولی بران عطارد و در برج
سنبله در بیت و شرف و حد خود مستقیم السیر و شمالی العرض زاید النور
و زاید القدر و زاید الحساب بقوتهای ذاتی و عرضی آراسته و صاحب اول

مثلثهٔ برج ششم راجع و ساقط از برج ششم میباشد دلالت کند برآنکه ذات
شریف و مزاج منیف از جمیع علل و امراض سالم و مبرا بوده اکثر اوقات
قوه مزاج و صحت ذات شریف حاصل باشد و تغیر و انحراف در مزاج
مبارک نادر اتفاق افتد چنانکه ابن ابی الرجال در بارع آورده که:
فان صاحب المثلثة الاول من بیت المرض اذا کان منحوسا
راجعا ساقطا کان المولود ممن یعیش صحیحا قویا
و کانت الاسقام من الفلک ساقطة عنه
و چون سهم الامراض در بیت ششم در جه حوت و مستولی بر موضع او مشتری
و مشتری مسعود و قوی حال میباشد دلالت کند برآنکه ناخوشیهای صعب
و امراض مخوفه جهت صاحب طالع مبارک اتفاق نیفتد و اگر احیانا بر سبیل
ندرت ناخوشی صعبی روی نماید بزودی رفع گردد و عاقبت بخیر

و عافیت باشد چنانکه کوشیار حکیم فرموده است که یستشهد
لسهم المرض کما یستشهد لسائر الادلاء المذکورة
و چون خداوند اول مثلثهٔ برج ششم زحل میباشد و زحل در برج خاکی
اعنی برج جدی که خانهٔ اوست راجع میباشد دلالت کند برآنکه گاهی که عارضهٔ
جزئی حادث شود از مواد باردهٔ سوداوی و بلغمی باشد و از مواد حارّ
و حاد کمتر ناخوشی روی نماید و چون صاحب برج ششم در بیت تاسع
میباشد دلالت کند برآنکه ناخوشی و سوء المزاجی که گاهی واقع شود بیشتر
در سفر و غربت باشد چنانکه در بارع آمده که متی کان رب هذا
البیت فی التاسع یمرض فی غربته و سفر و چون سهم العبید در برج میزان
مقارن با زهره و در مطرح شعاع مشتری و زهره مستولی بر موضع او و در کمال
قوت و سعادت میباشد دلالت کند بر بسیاری خدم و عبید و بسیاری

ملازمان و خدمتگذاران دولت بسیار پسندیده کردار و ظهور خدمات
پسندیده از ایشان و از کسانیکه منسوب بزهره بوده باشند و سعادت
و دلخوشی صاحب طالع مبارک از جانب غلمان و جواری چنانکه در بارع آمده که
اذا کان سهم العبید و صاحبه فی موضع صالح سلیم من المناحس
و نظر الیهما السعود دل علی کثرة العبید و سعادة المولود بهم
و چون سهم العبید و صاحبش در مقابلهٔ مریخ واقع شده دلالت کند برآنکه گاه
از بعضی ملازمان خیانتهای خفیه بظهور رسیده و بندگان اعالی برآنها اطلاع تمام
اغماض عین فرمایند و تقصیرات ایشان را عفو نمایند و چون خداوند برج ششم
و خداوند دوم مثلثهٔ برج ششم عطارد میباشد و عطارد در برج سنبله در بیت
و شرف خود محظوظ و قوی حال و طالع برج قوس و مریخ ناظر بصاحب طالع
میباشد دلالت کند برآنکه صاحب طالع مبارک را میلی کلی بدواب و مواشی

شکیل مطبوع بوده بتحصیل اسبهای بسیار خوب شوق تمام داشته باشند و ستور
غیر محصور بتحت تصرف درآورند چنانکه در بارع آمده که اذا کان
الطالع القوس او بعض البروج الموافقة للدواب
و کان صاحب الطالع مع المریخ او علی نظر منه
من المواضع المحمودة کان المولود محبا للدواب حریصا علیها
السادس بیت الازواج و الاضداد و الخصماء و الشرکاء
مرکز بیت هفتم برج جوزا ط ه خانهٔ عطارد و شرف راس حد مریخ وجه
مریخ ارباب مثلثات زحل و عطارد و مشتری مستولی بر مرکز سابع عطارد
بشرکت مریخ سهم المخاصمة و الخصومات در برج سنبله مستولی بر موضع او قمر و قمر
در تسدیس آفتاب که مستولی طالع است و متصل بتسدیس عطارد که صاحب هفتم است
و عطارد بجهت رجعت در تثلیث مشتری که صاحب طالع میباشد دلالت

کند برآنکه مخاصمات و منازعات جهت صاحب طالع مبارک بسیار کم
اتفاق افتد و دشمنان و خصمای صاحب طالع مبارک کم باشند و چون
دلایل بیت طالع اقوی از دلایل بیت هفتم و صاحب بیت سابع از کواکب
سفلی و در تحت شعاع آفتاب مختفی میباشد دلالت کند برآنکه بندگان عالی
همیشه بر اعدا و مخالفان غالب و مستولی بوده خصما و دشمنان مخذول
و منکوب طالع صاحب مبارک باشند و چون سهم الخصومات در اواخر برج
سنبله و مشتری بنظر تثلیث ناظر باو میباشد دلالت کند بر ظفر و نصرت
بر دشمنان چنانکه ابن ابی الرجال در باع آورده که وَاِنْ نَظَرَ المُشْتَرِی
اِلَی سَهْمِ الخُصُومَاتِ اَوْ مَا زَجَهٗ بِحَالٍ مِنَ الاَحْوَالِ
یَرْزُقُ المَوْلُودَ الظَّفَرَ وَ النَّصْرَ وَ الفَلَاحَ فِی خُصُومَاتِهٖ
و سایر ادله بیت هفتم دلالت کند برآنکه صاحب طالع مبارک با هر کس

که در امور

که در امور دنیا و معاملات مشارکت کنند زیان و خسرانی نرسند
و از جانب شریک و انباز محظوظ و بهره مند باشند و در معاملات بواسطهٔ شرکا
منفعت کلی یابند و شرکا را نیز از صاحب طالع مبارک بهره و نصیبی وافر
حاصل باشد الثامن بیت الخوف و المواریث و الکنوز و حال الموت
مرکز بیت هشتم برج سرطان ۷ مر خانهٔ قمر شرف مشتری حد مشتری
وجه قمر دریجان مشتری اردجان عطارد ارباب مثلثات زهره
و مریخ و قمر مستولی بر مرکز ثامن مشتری دلالت کند برآنکه صاحب
طالع مبارک از مخاطرات و مخوفات و بلیات سالم و امین بوده بر حادثه
و نائبه که روی نماید بخیر و خوشی گذرد و عاقبت بسعادت و عافیت مبدل
گردد و چون مستولی بر درجه بیت هشتم مشتریست و مشتری در بیت دوم
مستقیم السیر و محظوظ و قوی حال و از مناقص و مناحس بری میباشد

دلیلست برآنکه صاحب طالع مبارک از بلیات و سوانح عظیمه سالم و از محال
خوف و خطر ایمن باشند و بعمر طبیعی که سالهای عطایای که خدا آنت باشد
فایض کردند و سبب موت تحلیل قوای غریزی بوده هر وقت که مشیت
الهی تعلق گرفته باشد بموت طبیعی ارتحال واقع شود چنانکه حکما فرموده اند که
ان کان المستولی علی الموت بریئا من المناحس وکان
قویا فی موضعه یدل علی الموت الطبیعیة وهی التی
لا من قبل الامراض وان کان مریضا حین موته
و این دلیلست قوی برانکه صاحب طالع مبارک انشاء الله تعالی بعمر
طبیعی یعنی هشتاد و هشت سال شمسی که سابقا تشخیص یافته فایض گردد
و از عوارض و سوانح محفوظ و سالم باشند و چون بیت هشتم و صاحبش محفوظ
و قوی حال و خذ و ند مثلثه اول از برج هشتم نیز محفوظ و بقوی ذاتی و عرضی

آراسته

آراسته دلالت کند برانکه هر وقت تقدیر الهی اقتضا کند موت صاحب
طالع در کمال عزت و شرف و در نهایت رفعت و خوشی واقع شود
کما ورد فی البارع اذا کان رب مثلثة بیت الموت
الاول منها مسعودا قویا مات المولود فی عز و شرف
و کرامة و قالوا ان کان دلیل الموت قویا
یموت المولود علی احسن الحال فی موقف عزه
و چون سهم الارث در بیت طالع واقع شده و صاحب بیت هشتم
و مستولی آن بری از مناحس میباشد دلالت کند برآنکه بندگان عالی
از اموال موارثه و ذخایر و کنوز بهره مند بوده از جاهها که بهیچ وجه
من الوجوه مظنه نداشته باشند مال و منفعت یابند چنانکه حکما فرموده اند که
سلامة الثامن و ربه من المناحس دلیل المنفعة بالمواریث

ومعجوه لایرجوها الناسع بینا العلم والدین والسفن

مرکز بیت نهم برج سنبله ۰ح خانهٔ عطارد و شرف عطارد و حد عطارد
وجه شمس دریجان عطارد اردجان مشتری هفت بهر عطارد اثنی عشریه
عطارد ارباب مثلثات زهره و قمر و مریخ مستولی بر مرکز بیت نهم
عطارد و عطارد در مرکز بیت تاسع در بیت و شرف و حد و اثنی عشریه
خود مستقیم السیر بقوتهای ذاتی و عرضی آراسته دلالت کند برآنکه
بندگان عالی بسیار دانا و دور اندیش و بردبار و عالی همت و عادل
طبیعت و باوفا و بزرگ منش و رحیم دل و خیرخواه باشند و در ادراک معانی
و حل مشکلات و مسایل غامضهٔ علمیه بهره کامل داشته بمقتضای ذهن
سلیم و سلیقهٔ مستقیم بحقایق دقایق علوم عارف و مطلع بوده باندک
التفات و توجهی مسایل مشکله و مراتب عالیه را درک فرمایند و صاحب

فراست و فطانت بوده قیاس و اندازه نیکو دانند و بر امور خفیه
و سرایر ضمایر بزودی مطلع شوند و حدسهای صاحب طالع مبارک
اکثر مطابق واقع اتفاق افتاده ثابت الرای و صائب الفکر
باشند و در امور عظیمه و مهمات کلیه تدبیرات بصواب فرمایند
و بمجالست و مصاحبت فضلا و علما و ارباب کمال مایل و شایق
باشند و بدانستن احوال پیشینیان و استماع تواریخ و امور عجیبه
میلی تمام داشته باشند و رؤیای صادقه و خوابهای خوب بسیار
بینند و اکثر تعبیر آنها بخیر و خوشی باشد و آثار آنها بزودی ظاهر
گردد و در امورات دینی و دنیوی تدبرات دقیق و تفکرات
عمیق فرموده طالب دین حق و شریعت مطلق باشند و در پیدا کردن
دین حق جد و جهد بلیغ بعمل آورند و براه راست و صراط مستقیم

بدایت پادشاه سالک مسالک هدی و پروانه تقی کردند و چون
صاحب بیت السفر در بیت السفر ناظر بطالع و ناظر بصاحب طالع
و قمر ناظر به بیت السفر و ناظر بطالع و مریخ ناظر بطالع و ناظر بطالع
و سهم السفر در بیت طالع میباشد دلیلست بر کثرت وقوع سفر و نقل
و حرکت جهة صاحب طالع مبارک چنانکه کوشیار حکیم در مجمل الاصول
آورده که اتصال ادلاء السفر بصاحب الطالع ونظرها
بالطالع يدل على كثرة الاسفار
و چون خداوند اول مثلثه برج نهم در خانه خود و در بیت عاشر مستقیم السیر
و قوی حال و صاحب بیت السفر در مرکز خانه نهم در بیت و شرف
و حد خود مستقیم السیر و محظوظ بحظوظ ذاتی و عرضی و سهم السفر در درجه
طالع در مطرح شعاع تسدیس زهره دلالت کند برآنکه در سفرها و حرکتهائی

کرده

کرده واقع شود بر صاحب طالع مبارک بسیار خوش گذرد و موجب
تزاید عزت و سعادت و باعث تضاعف دولت و جلالت
گردد و جمیع مطالب و مقاصد بر وفق مدعا و بر طبق تمنا بحصول موصول
آید و مهام حسب المرام انجام پذیر شود و مداخل و منافع کلی حاصل شود
و بر مخالفان و متمردان غلبه و استیلا دست دهد و بالجمله همیشه حرکت
و سفر جهة صاحب طالع مبارک و میمون و باعث افزونی
آبرو و اعتبار گردد چنانکه ابن ابی الرجال در بارع آورده که
اذا كان صاحب بيت السفر قويا مسعودا وكان
في بيته اي شرفه او حده و مثلثته وكان مقبولا
من رب بيته و سهم السفر في موضع جيد من الطالع اي
بيت السفر اي في بيت الثالث سعدا فان المولود له

اسفار حسنة سارة يرزق فيها السلامة والغنا
وحسن الحال والفايدة والمنفعة العظيمة

وچون مریخ در وتد چهارم اتفاق افتاده وسهم السفر در درجه
طالع واقع شده وقمر در درجه غارب اتفاق افتاده دلالت
کند بر اغتراب کلی و دور ماندن از موطن اصلی چنانکه بطلمیوس
حکیم فرموده است که اما الغربة فيعرف من حال النيرين
عند الاوتاد لاسيما القمر فان كان القمر اذا كان
غاربا او مال عن الاوتاد دل على غربة ونقلة من موضع الى موضع
و در رابع آمده است که اذا كان المريخ في وتد الطالع
وخاصة في الرابع دل المولود على الاغتراب الكلي
وسایر ادلهٔ این بیت دلالت کند بر آنکه صاحب طالع مبارک

سلیم النفس ورقیق القلب وحسن الاخلاق وباعدالت ومروت
ووفا وعفت وحیا ووقار وتمکین بوده خیرخواه خلایق باشند

العاشر بيت الامر والرفعة والسلطنة والعمل

مرکز بیت عاشر برج میزان ــ ٥ بیت زهره شرف زحل
حد عطارد وجه زحل ارباب مثلثات زحل وعطارد ومشتری مستولی
بر مرکز عاشر زهره وزهره در مرکز بیت عاشر در خانه خود در حد و ... بعشر
مشتری مستقیم السیر صاعد در شمال زاید النور وزاید القدر وزاید العدد
وزاید الحساب در درجه مضیئه مسعود وقوی حال وبهتر صورت طالع
مبارک دلالت کند بر آنکه بندگان عالی پیوسته در نعمت وسعادت
وکامرانی گذرانند وهمواره در دولت وجلالت وشادکامی
بسر برند وصاحب منصب عالی ومرتبهٔ عظیم بوده متمکن وباوقار ومتنعم

وتنعم و دولتیار باشند و ذکر خیر صاحب طالع مبارک وصیت
دولت و جلالتش در اکثر بلاد و آفاق منتشر و مشتهر گردد و طبیعتش
بعدل و راستی مایل و راغب بوده هیچگاه قدم از طریق مروت
و انصاف بیرون نگذارد و نسبت بزیردستان رؤف و مهربان
باشد و قانون بزرگی و آئین سروری نیکو داند و چون خداوند اول
از مثلثه برج عاشر در خانه خود و در بیت طالع محظوظ و قوی حال باشد
دلالت کند بر جاه و رفعتی عظیم و منزلتی شریف و ریاستی بزرگ
و ولایت ولایات و امارت و استیلا بر خلایق چنانکه ابن ابی
الرجال در بارع آورده که انظر الی رب مثلثة هذا البیت
الاول منه فان کان فی حال قوة و رفعة و سعادة
و کان فی وسط السماء او فی الطالع کان ممالی

الولایات الاباة الاناء و یعمل الاعمال و یسلط
علی الناس له امارة و ریاسة و منزلة شریفة و ینتفع بالسلطان
و چون سهم السلطان در درجه طالع واقع شده و سهم السعاده در بیت
عاشر مقارن زهره و زهره مستولی بر موضع او و در نهایت قوت
و سعادت در مطرح شعاع سعود و نحوس و آفتاب در بیت نهم ناظر
بطالع دلالت کند بر آنکه صاحب طالع مبارک را قدر و منزلتی رفیع
و درجه بلند و پایه عالی بوده همین قدر باشد که مرتبهٔ او دون مرتبهٔ
سلاطین و پادشاهان باشد و صاحب امر و نهی بوده حکم او در اکثر بلاد
و اشخاص نافذ باشد و از ریاست و امارت حظی عظیم داشته باشد
چنانکه در بارع آمده است که سهم السعادة اذا جاد موضعه
و کان فی برج من بروج الملوک و کانت الشمس

ایضا فی وسط السماء ای فی مکان رفعته من الطالع
و یصلح سهم السلطان و نظرت السعود الیه
فان النحوس ان نظرت الیه لا یقدر علی تغیر حال المولود
الی منازل اهل السقوط و لکنه ینقص عن منزلة
الملوک و یکون رئیسا عظیما ذا حظ عظیم من السیاسة
و السلطان و نفاذ القدرة و انبساط الامر و النهی

و چون بیت عاشر برج میزان و مستولی بر مرکز دهم زهره و سهم
السعادة در برج عاشر و مستولی بر موضع او نیز زهره و بشر صورت
طالع و اقوی کوکب در شکل طالع نیز زهره و خداوند مثلثه اول از موضع
سهم العمل نیز زهره و در کمال قوت و سعادت می باشد دلالت کند بر آنکه صاحب
طالع مبارک را شغل و عمل و منصب از منسوبات و متعلقات زهره باشد

چنانکه زمام ریاست و امارت حریم حرم سلطانی در قبضهٔ اختیار
و اقتدار بندگان عالی و در کف کفایت ملازمان سامی است
ابن ابی الرجال در بارع آورده است که اذا کان الزهره
یدل علی الصنا عنه کان المولود من مخالطی ابناء الملوک
و الاشراف و یحظی عندهم و یکسب الجاه و المال
و قال ایضا ان کان الزهره فی العاشر بریة من النحوس
فانه یتولی اعمال سنیة و یوثمن فیها و یخالط اشراف النساء

و سایر ادله این بیت دلالت کند بر عزت و سعادت مادر صاحب
طالع مبارک و یافتن دولت و نعمت بواسطهٔ مولود مسعود و کمال
اتحاد و موافقت در میان ایشان الحادی عشر بیت الرجاء
و السعادة و الاصدقاء مرکز بیت حادی عشر برج عقرب د ۹

خانهٔ مریخ حد مریخ وجه مریخ ارباب مثلثات زهره و مریخ و قمر
مستولی بر بیت یازدهم قمر سهم الاصدقا در برج دلو دلالت میکند
برآنکه صاحب طالع مبارک متودد و دوستدار احبا و اصدقا
بوده دوستان و هواخواهان بسیار داشته باشند و پیوسته
با ایشان طریق تفقد و التفات سلوک داشته رعایت جانب ایشان را
لازم شمارند و با ایشان بمروت و انصاف رفتار نمایند اما چون
مریخ که صاحب بیت الاصدقاست در مقابل زهره اتفاق افتاده
دلالت کند برآنکه بعضی از احبه و دوستان در طریق صداقت و بندگی
مستقیم نباشند و گاه گاه با صاحب طالع مبارک خلاف و نفاق
ورزند و در باطن چنان نباشند که بظاهر اظهار میکنند و از کسانیکه
همیشه مورد التفات و عنایات بندگان عالی بوده اند گاهی خلاف

خواهش بظهور رسد ولکن صاحب طالع مبارک نظر بحسن ذات
و کمال خلق اغماض فرموده بروی ایشان نیاورند و چون صاحب
بیت نهم عطارد و خود در بیت نهم واقع است و قمر متصل
بتسدیس عطارد و ناظر بطالع است دلالت کند برانکه صاحب
طالع مبارک خوش آشنا و باوفا و متودد و دوست دارندهٔ
خلایق بوده نسبت باحبا و دوستان لوازم دوستی را بعمل
آورند و شرایط وداد و اتحاد را نیکو دانند و در عهود دوستی
باوفا و ثابت قدم باشند چنانکه ابن ابی الرجال در بارع آورده
که اذا کان صاحب التاسع عطارد او کان فی التاسع
او کان فی التاسع کوکبا من شکل عطارد اذا کان القمر
فی الطالع او ناظرا الیه دل علی انه یکون محبا للناس متوددا الیهم

وسایر دلایل این سهم دلالت کند برآنکه مطالب ومقاصد
وامیدات صاحب طالع مبارک بحصول رسد واکثر مهام
بروفق مرام انجام پذیر شود ومتوجه مرام معظم که شوند برنهج
مراد ساخته گردد ودل برهرچه نهند اگرچه بتانی وتاخیر باشد
عاقبت برحسب مراد نفاذ یابد وعلی کل حال حصول امانی
وآمال وبرآمدن حاجات ومهمات بروفق مدعا وتمنا باشد
وبیشتر اوقات از قبل دوستان ومخلصان خوشدل وشادمان
باشند وبعضی اوقات در وصول بعضی مطالب تاخیر وتعویق
واقع شود وباعث قبض خاطر گردد وبالاخره مدعا حسب التمنا
بحصول موصول آید الثانی عشر سهم الاعداء والدواب
والشقاء مرکز سهم ثانی عشر برج عقرب ١٧

خانه مریخ

خانه مریخ حد زحل وجه زهره ارباب مثلثات زهره ومریخ
وقمر چون مرکز سهم در اواخر برج عقرب واقع است
مدار حکم بر برج قوس است ومستولی بر آن آفتاب وخداوند
اول از مثلثه برج دوازدهم نیز آفتاب وآفتاب در خانه خود
محظوظ وقوی حال دلالت کند برآنکه گاه گاه دشمنان قوی از امرا
وملوک جهة صاحب طالع مبارک بهم رسیده در اظهار عداوت
ومخاصمت سخت کوشش نمایند لکن چون آفتاب بر تثلیث سهم
دوازدهم وسهم الاعدا نیز در اسد بر تثلیث سهم الاعدا واقع
شده دلالت کند برآنکه ضرر ونقصان از اعادی نسبت بصاحب
طالع مبارک واقع نشده عاقبت دشمنی ایشان بدل بدوستی گردد
وچون خداوند سیوم از مثلثه سهم الاعدا در سهم طالع در خانه خود

محظوظ و قوی حال است دلالت کند بر آنکه صاحب طالع مبارک
در مخاصمات جری و جسور بوده بهیچ وجه من الوجوه خوف
و واهمه در دل راه ندهند و قوی النفس بوده در مخاصمت قوی
الحجه باشند و بر اعدا و دشمنان ظفر و نصرت یابند چنانکه ابن
ابی الرجال در بارع آورده است که اذا کان رب المثلثة
الثالث قویا مسعودا ثابتا کان جدلا قوی الحجة
منجحا فی المخاصمة و المقاومة و چون بیت دوازدهم
برج قوس است و بر مطرح شعاع مشتری و زهره واقع است
دلالت کند بر آنکه صاحب طالع مبارک مالک دواب و مواشی
بسیار بوده از آن حیثیت و بدان جهة منتفع شوند و اسب
و اشتر و ستور و مواشی را نسبت بصاحب طالع مبارک

اوی

آدمی بوده اسبهای شکیل قوی هیکل پر هنر بتحت تصرف
در آید و صاحب طالع مسعود مالک خدم و حشم و عبید
و جواری بسیار باشد چنانکه حکما فرموده اند که اذا کان
البرج الثانی عشر ذا اربع فوائم مقارنا لسعد
او علی نظر سعد دل علی ان المولود ینتفع بالدواب
والمواشی و یکثر عبیده

